

# قیام خونین ۲۲ بهمن آتششان خشم يك خلق پيا خاسته!

## سرمقاله قیام بهمن و مارشی دیگر بسوی انقلاب

**۱۷ شهریور و تعرض انقلابی  
 توده‌ها علیه رژیم منقور پهلوی**

سال‌های ۵۶ و ۵۷ سالهای اعتلا بودند، سالهای اوجگیری مبارزات توفنده مردم زجر دیده و ستمکش بودند، سال‌هایی بودند که مبارزات اعتراضی و اعتصابی، تظاهرات و نمایشات خیابانی، حملات بی‌دری به بانکها و مقرهای حزب فاشیستی رستاخیز و سایر موسسات سرکوبگر ارتجاع، دیگر عمل روز شده بود و طبقه‌ها، انقضاها و قیام‌های توده مردم بحر و روز حمتکس بزرگترین شهرها و محل جمعیت‌ها در بی‌بوردیدند و آتش خود را در شهرهای کوچک و حتی روستاهای اطراف پراکنده می‌گسترانیدند.

بقیه در صفحه ۹



چه شکوه‌مند است رزم و مقاومت با ستمگران و چه غرور آفرین است حماسه خلق با وجه افتخار - امتیاز است نهادت فرزندان رنج و کسپا در عرصه نبرد خوسین طبقه‌ها!

خلق قهرمان ایران تصمیم فاطم خود را برنا بودی دشمنان خویش گرفته و بر آن است که چون کوهساران استوار ایستد، چون رودی خروشان برافند، چون دریای طوفانی طغیان کند، چون آتش خرمن ستمگران را بسوزاند و بیرون آید، این بنیاد ستم و استعمار، حاکمیت زحمتکشان و خلقهای اینان نهد، خلق ما و دیگر سران را در دهکده دریا بسیر دشمنان طبقه‌ها را سرخ کند، از مرگ سرخ - تیرا سد و آتش در اختیار آید و آتش تیرا میر و حاکمان تیره‌ترین خود علیه امپریالیسم و مزدوران داخلی این ادا دهد.

اولین گامهای انقلاب را زحمتکشان خارج از محدوده که رژیم منقور پهلوی خانه و کاشانه را بزرگان خراب کرده بود برداشتند و اولین ضربه را نیرها تیرا بر سر ما به - داری و ایستادند. این گامهای اولیه - بعدها با مبارزات سراسری و یکپارچه - دانشجویان انقلابی دانستگها که پیش از آن نیز نقش بارری در مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیسمی خلق ما داشته‌اند، دنبال کردند و در ادامه آن سراسر تظاهرات خونین قم و خیزش قهرمانان توده مردم تیرا آورد. این خیزش و این حرکت جسورانه و انقلابی مردم بیباک شدت حتم و کینه طبقه‌ها توده‌های رنج دیده ما علیه امپریالیسم و مزدوران داخلی او در عین حال بیباکتر از سابقه سطح مبارزه و گسترش هر چه وسیعتر آن بود. امپریالیستها و رژیم مزدورشان از تمامی شیوه‌های سرکوب و تیرتک استفاده کردند تا مگر بی‌توان شدند - بس موج خروشان را از حرکت باز دارند. امپریالیسم

بقیه در صفحه ۲

انقلابیون اسیر در زندان شیراز،  
 به خلق گزارش میدهند:

در آستانه دومین سالگرد  
 قیام خونین بهمن ماه  
 هر زندانهای رژیم  
 جمهوری اسلامی  
 چه می‌گذرد؟

صفحه ۱۳

توده‌ها در پیگیری انقلاب علیه امپریالیسم و ارتجاع با زهم از این حماسه‌ها خوانند آفرید

نگاهی به گوشه‌هایی  
 از فعالیت سازمان  
 در دور قیام

صفحه ۱۷

گرامی باد  
 خاطره  
 پیکارگر شهید  
 فائق محمود صمدی

صفحه ۲۲

مصاحبه با عده‌ای از رفقا:  
 هم‌دوش با خلق در  
 قیام مسلحانه شکو دهند بهمن

صفحه ۱۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

تقدیم از صفحه ۱ سرمقاله

دربارای عظیم و توفنده جنبش خلق سرآرامش و با زیستادن نداشت و همچنان اوج سهمگین خود را بر سرست بنیان ارتجاع و ارگانهای سرکوبگرش مینواخت و چه دل انگیز بود آوای این امواج خروشان و چه پرشکوه بود آهنگرزم توده‌های جان برکفی که برای آزادی انسانها از قید بردگی سرمایه، استوار و آهنگین به پیش می‌آفتادند و با خون سرخ خویش پرچم خونریز انقلاب را بر فراشته‌نگاها داشتند.

زمان به پیش می‌رود و هر روز اوضاع منتهی اعتراضات و تظاهرات اوج بیشتری میگیرد، شهرها یکی پس از دیگری همچون دژی استوار در برابر ارتش سرکوبگر شاه قهرمانانه مقاومت میکنند، زندانی می‌دهند، مجروح می‌دهند، کشته می‌دهند، ولی شعارشان همواره مقاومت است و مبارزه اوروژیم شاه و مانده در برابر این همه غرور و این همه قدرت توده‌ها و همانا نیستند. تمام می‌ترسند تا ریح چاره‌دار سرکوب و کشتار با زهم بیشتر زحمتکش و خلقها می‌بینند، و بدینسان "جمع‌سپاه" که در آن فداکاری و قهرمانی توده‌ها و ددمندی وحشی - گری امپریالیستها و مزدوران سرمایه به هم آمیخت بوجود آمد.

حادثه خونین ۱۷ شهریور که در آن بیش از چهار هزار نفر از توده‌های زحمتکش ماسد خون سرخ خود غوطه ور شدند، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات خلق‌های ایران گردید و از فردای آن موج اعتراضات و تظاهرات سیاسی در سرتاسر کشور بیشکلی فرا پهنه و تاصعدی بالا گرفت.

کشتی طوفان زنده رژیسم پهلوی شکست پذیرد! آنگاه توده‌های ایران با طوفان کشتی جنبش عظیم توده‌ها بگل بنشینند، ناخدا کشتی امپریالیسم آمریکا، تمام می‌کوشد خود را بکاف گرفت تا کشتی بگل نشسته را از خطر غرق شدن نجات دهد، دولت شریف اما می‌که علی‌رغم تمام جنایات و سرکوبگریهای خود و علی‌رغم عقب نشینی‌ها و با مطلع امتیاز دادند، در برابر برافراشتن عظیم جنبش توده‌ای بی‌انزوا در کشتار ۱۳ آبان جای خود را به زهاری، آیین چکمه پوش جلاورژیم شاه داد و خود با نفاخت و شکست تمام کناره گرفت، و آنگاه زهاری چه کاری میتوانست انجام دهد که پیش از آن شریف اما می‌و امثال او انجام نداده بودند. آنچه او بخاطر آن نخست وزیر شد، سرکوب بازم بیشتر جنبش توده‌ها و زحمتکشان ما بود و این نیز چیزی بود که خلق ما در گذشته و بویژه در "جمع‌سپاه" و امثالهای پس از آن با شما مت و فداکاری و صفنا پذیر در مقابل آن ایستادگی کردند و دشمن را با تمام می‌دستگاه سرکوب و کشتارش تحقیر و زبون ساختند.

در دوره نخست وزیری از هاری مژدور تحول جدیدی در کمیت و کیفیت جنبش مکرانیک و ضدا امپریالیستی و مبارزات خلقهای قهرمان ایران بوجود آمد. آن بمیدان آمدن هر چه گسترده تر طبقه کارگر به صحنه فعالیت سیاسی بود، اعتمادات منفی و بویژه سیاسی کارگران رشته‌های مختلف در سطح کشور در پیش آنها اعتمادات سیاسی و یکپارچه نتفنگران قهرمان جنوب، بزرگترین ضربه را چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی به رژیسم شاه پهلوی وارد آورد و خود سرآرامش و اعتمادات و تظاهرات سیاسی کارگران ما بی‌روسته‌ها و رشد و ارتقا و آگاهی و شکل مبارزاتی آنان گردیدند.

در مدت چنین شرایطی از موقعیت انقلابی و امکان قریب الوقوع قیام توده‌ای، امیر - یا لیسوم رژیسم شاه، چاره‌ای جز عقب نشینی نداشت و برای حفظ حاکمیت ارتجاعی خود، در صدد اجرای طرح سازش با لیبرالها برآمدند. طرحی که منجر به روی کار آمدن بختیار میز دور و کتار گذاشتن شاه از سلطنت و فرار او از ایران گردید.

اما کارگران و سایر توده‌ها همچنان به پیش می‌رفتند و با طرد و نفی هرگونه سازش و با صلاح امتیازات مورد نظر بختیار رو دیگر لیبرالها، خواستار رنا بودی رژیسم سلطنتی و سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم بودند. توده‌ها که در تجربه عینی خود دریا فته بودند با دست‌خالی قادر به ایستادگی و مقاومت همه‌جا نبودند و در برابر دشمنان تا دندان مسلح نیستند، "رهبران" سازشکار خود را مورد خطاب قرار داده و می‌خواهند که آنها را مسلح کنند اما سازش این بود که "ما دست‌ورچها دنداده است" "آیت‌الله خمینی، درست زمانی که توده‌ها خواستار رنا بودی ارتش سرکوبگر رژیسم آریا مهری بودند، میگفت "ارتش برادر ما است" و این به معنی رها نندن ارتش آمریکائی شاه از زیر ضربات کوبنده توده‌ها و ادا مسه حاکمیت سیستم سرمایه‌داری وابسته و ادا مسه کشتار زحمتکشان توسط این ارتش مزدور بود. توده‌ها خواستار رپیشت جنبش و نا بودی قطعی رژیسم وابسته و ارگانهای سرکوب آن بودند، ولی آیت‌الله خمینی و عناصری چون بهشتی‌ها و فرسناجی‌ها، در کتار و لیبرالها در پی سازش با امپریالیسم آمریکا و با صلاح کسب قدرت سیاسی از طریق مسالمت آمیز بودند. آنها در پی انجام این نقشه خبیانت - آمیز خود در جریان سازش با ارتش امپریالیسم آمریکا و ارتشید قهرمانی رئیس ستابار ارتش شاه بودند که خروش خشم توده‌ها همه جا را فرا گرفت، و بدون اعتناء به دستور "رهبران" یورش عظیم و حماسه آفرین آنها به ارتش و دیگر موسسات و نهادها می‌رژیم پهلوی آغاز گردید. سلاح بدست توده‌ها افتاد و به تکان آن رژیسم منفور سلطنتی و دولت مزدور بختیار رزبیا له - دانی تاریخ افکنده شدند. قیام مسلحانه توده‌ها، هر چند ما نخواستیم تا تحقق خبیانت "رهبران" در ابعاد گسترده خود گردید، لیکن بخاطر عدم حضور پرولتاریا در اس جنبش، این قیام نتوانست به حاکمیت زحمتکشان منجر شود، قدرت سیاسی توسط بورژوازی متوسط و نمایندگان خرده بورژوازی مرفه‌سنتی غصب

گردید و به این ترتیب توده‌ها از دستبایی به اساسی ترین خواسته‌های دمکراتیک - محروم شدند، اما این مساله هیچگاه به مفهوم شکست قیام منبوده نیست، چرا که توده‌ها علی‌رغم عدم حاکمیت خویش، از همان فردای قیام لحظه‌ای از حرکت باز نایستادند و جنبش توده‌ای هیچگاه درجا نرکود و توقف نکرد و هر روز که میگذرد در شد و گسترش بیشتری میابد رژیسم جمهوری اسلامی به دلیل ماهیت طبقاتی - اش نه تنها نتوانسته به خواسته‌های اساسی توده‌ها پاسخ دهد، بلکه همواره در برابر این خواسته‌ها گزیرا از اعمال سرکوب و خبیانت بوده و متقابلا در برابر رنجش توده‌ای و بحران ناشی از آن در "بالا" نتوان از تثبیت قدرت خود و سرکوب متمرکز جنبش توده‌ای گردیده است. توده‌ها بتدریج درمی‌یابند که آنچه که آنها بخاطر قیام کرده‌اند، جز گام اول آن هنوز برداشته نشده و آنچه که با بدبران پای افشردند و ما انقلاب و تداوم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی است.

در این میان کمونیستها وظیفه‌ای بس دشوار بر دوش دارند، چرا که تداوم انقلاب و تداوم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و تصرف قدرت سیاسی در کشور و حرفه‌ال طبقه کارگر و رفاقی نقش رهبری نسبت به جنبش دمکراتیک و ضدا امپریالیستی خلق است و ایفای این نقش جز از طریق کار وسیع آگاه - گرانده سیاسی و سازماندهی مبارزات پرولتاریا و کوشش در جهت ایجاد حزب کمونیست ایران امکان پذیر نخواهد بود. هرگونه حرکت و هرگونه مواضع تاکتیکی کمونیستها با بدبران استای چنین برنامهای و در جهت تحقق آن صورت گیرد، بزرگداشت دومین سالروز قیام خونین بهمن از سوی کمونیستها نیز از این قاعده مستثنی نبوده و میبایست این راه هیمنائی، وسیله‌ای باشد جهت مطرح شدن هر چه گسترده تر آلترناتیو کمونیستی و انگکاس هر چه بزرگتر خواسته‌های پرولتاریا و توده‌های تحت ستم و گامی باشد در جهت افشای آلترناتیوهای ارتجاعی حزب جمهوری لیبرالها، بختیاری‌ها، رویزیونیستها و افشای تزلزل دمکراتهای ناپیگیر.

یکوشیم ما لگند قیام خونین ۲۲ بهمن را زیر پرچم سرخ کمونیستها هر چه باشد شکره‌تر برگزاکر کنیم، و این آموزش را به میان توده‌ها بپریم که بزرگداشت قیام خونین ۲۲ بهمن تنها با تداوم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی امکان پذیر است!

پاسداران جنایتکار  
تظاهرات رفقای  
فدائی را بخون  
کشیدند

به مناسبت حماسه‌های هکل و قیام ۲۲ بهمن از جانب سازمان چریکهای فدائی میهنی در روز جمعه ۱۷ بهمن ساعت ۱۰ صبح در میدان آزادی اعلام گردید، از ساعت ۹ صبح پاسداران جنایتکار جمهوری اسلامی میدان را به اشغال خود درآوردند و چاقو بدستان که اغلب همان پاسداران در لباس شخصی میباشند، ماسه شدت جنایات همیشگی خود را تکرار کردند. امپریالیست‌ها و ستم‌گزاران در کتار و جمع میشدند و ایستادند و مسلحانه دست حمله را شروع کردند. آنها به رفقای کمونیست مستقر در شمال شرقی میدان حمله کرده و وعده‌های داری دستگیر میکنند. اجتماع کنندگان تصمیم به تظاهرات موضعی گرفته و به همین خاطر به سمت میدان توجید (کتدی) حرکت میکنند. راه، تظاهرات کنندگان فریاد میزدند. "ایست آزادی ما، گل‌گوله بر سینه ما" و بدین ترتیب ما بهیت جنایتکار رژیسم جمهوری اسلامی - مزدوران را بر ملا کردند. در میدان توجید صف تظاهرات کنندگان که به چندین هزار نفر می‌رسید تشکیل شد. تظاهرات کنندگان شعار می‌دادند: "زندانی سیاسی، به همت توده‌ها، آزادی یا بگردد." "شعار ره‌فدائی، استقلال، کار، مسکن، آزادی"، "تنها ره‌فدائی، پیوند با فدائی"، "سلسل فدائی، خواب آمریکا بی" "پاسدار پاسدار، حامی سرمایه‌دار" "... صف تظاهرات حرکت کرده، بطرف نواب سرا زبیر شد. در این موقع رفقای فدائی پرچم سرخی که بر روی آن آرم سازمانشان نقش بسته بود را بر سر دست بلند کرده که مورد تشویق تظاهرات کنندگان و انشوب جمعیتی که کناره‌ها جمع شده بودند قرار میگیرد. صف تظاهرات با خیابان آزادی نرسیده بود که مورد یورش فالتانهای مزدور قرار میگیرد که در مقابل مقاومت انقلابی - هیمنایان مجبور به عقب نشینی میگردند. به دنبال این حمله شکست خورده پاسداران لباس شخصی، پاسداران از دوسویه بر تارگانگ آرو تیراندازی هواشی وزمی اقدام میکنند. به جزوه کمیته مستقر در خیابان آزادی نزدیک ۲۵ متری نواب‌مدا می‌تیراند و مستقر روی پشت بام بسوی محل تظاهرات شلیک میکنند. پاسداران جانی که از اسواکیهای محمدرضا شاه گسی سبقت را برده‌اند، وحشیانه تظاهرات کنندگان را مورد اصابت گل‌گوله قرار داده که حداقل یک نفر شهید و چندین نفر توسط گل‌گوله زخمی گردیدند. پاسداران به کمک فالتانها اقدام به دستگیری تعداد دوسمی از تظاهرات کنندگان و افراد حمایت کننده پرداختند. این جنایات یکبار دیگر وحشت رژیسم جمهوری اسلامی را از اوگیری جنبش توده‌ای و کمونیستها و انقلابیون به نمایش گذاشت. رژیسم حاکم شدیداً از شدت جنبش میترسد و بنا به ماهیت ارتجاعی خود میکوشد تا هر تظاهرات و میتینگ کمونیستها و انقلابیون را به خون بکشد. اما اگر چه یوشان محمدرضا شاه می‌توانستند با زور مسلسل و توبوتانگ از اوگیری جنبش بقیه در صفحه ۷

متن پیام سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر که در تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ ساعت ۸ صبح از راه بیکار در تصرف انقلابیون بود پخش شد:

**هموطنان مبارز!**  
قیام قهرمانانه شما در سایه قدرت سلاح هم اکنون در آستانه پیروزی قرار دارد. ما که همچون قطره‌ای در میان توده‌های مردم و در کنار آنها به مبارزه مسلحانه خود با دشمنان انقلاب ادامه میدهم از کلیه هم - وطنان مبارز و بخصوص واحد های رزمنده می‌خواهیم تا ناپودی کامل ضد انقلاب و نیروهای سرکوبگران به مبارزه خود ادامه دهند.

**پیروز باد قیام مسلحانه مردم قهرمان ایران!**

۲۲ بهمن، دومین سالگرد قیام مسلحانه و شکوهمند خلقهای ایران گرامی باد!



# جنبش کارگری

## جواب کارکنان مبارز صنعت نفت به یاهوهای روزنامه‌های کیهان و جمهوری اسلامی

در تاریخ ۵۹/۱۰/۹ و ۵۹/۱۰/۱۰ روزی - نامه‌های کیهان و جمهوری اسلامی به‌فحاشی به کارکنان مبارز صنعت نفت پرداخته و بدینوسیله ترس و وحشت و زبونی رژیم را در مقابل مبارزان تکپیکار و کارگران و کارکنان مبارز صنعت نفت به نمایش گذاشتند. کارکنان مبارز صنعت نفت در نامه‌ها جوابیه خود به این یاهو و کوششها، با ناکید مجددی بر همبستگی خود، با رادیکال‌ها و تفرقه افکنان رژیم را نقش بر آب ساختند. در زیر کوشش‌های این جوابیه‌ها و کوششهای روزنامه‌ها را میخوانید:

### در جواب افتراهای روزنامه‌ها و جهت فتنه و تهمین بران و بخصوص جنگردگان

... بیست و سه ماه است که عده بسیار زیادی از هموطنان ما با ازدست دادن خانه و کارخانه و تمام هستی خود را در دگر شهرها و روستاهای ایران هستند. در این میان حدود هزار خانواده کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان و خویشین شهر همیش کوچک‌ترین از این جمعیت عظیم آواره و بی خانمان را تشکیل میدهند. ما نمی‌توانیم که رنج و محنتی که بر ما رفته غیر از سایر جنگزدهگان است و مسا خود را تا فتنه‌جدا با فتنه‌زاسا پیرین نمیدانیم ولی اگر ما در اینجا بیشتر از جنگ زدگان صنعت نفت صحبت میکنیم به این خاطر است که شما فشار و تضيیقاتی را که در این مدت فقط بر این گروه رفته یعنی بر کسانی که به اعتراف همه اعصاب و شکر همنه و یکپارچه آنها رژیم مزدور شاه‌خا و آمریکا را برانودند و در بینیت آتوق خود میتوانید در مورد سایر جنگزدهگان و در دورنج آنها قضاوت کنید.

آری کسانی که یک عمر گرامی بیش از ۵۰ درجه خوشتان را جان نهندند و نیکو نکرده‌نویا به ما های اقتصادی مملکت را چرخاندند پس از اینکه بر اثر جنگ خانمانسوزا و خرابا و شهرها و دیارهای دیگر میگرددند بجای زور بردن با سمانتوازی و دلجوئی، فراری و ترسو خانگن لقب بگیرند. در نما زجمع آنها را بی غیرت خطاب میکنند دستور میدهند که برویشان نف بیاندازند و... شدت جنگ و خمیا ره بسیار آنچنان زیبا داست که گاهای مزرعه شرکت نفت (دیبری فارم) را از شهر خراج میکنند ولی هنگامیکه کارکنان شرکت نفت با خانواده‌های خود در موا رذیادی بدستور ارتش شهر را ترک میکنند در اولین برخورد با بیخشان ۲۷/۵۹ و زیر نفرت و روبرو میشوند که با یک دستور حدود ۸۵ درصد کارکنان را با بدلیل ترک آبادان خراج و معلق میگرددند. آنها به این بخشنامه اعتراض کرده و پس از مدتی موفق به لغو آن میشوند. از آن تاریخ تا کنون بغیر از دریافت مبلغی ناچیز نمیتوان علی الحساب در مورد سایر خواسته‌های خود فقط وعده و وعید

شده اند و اما وقتی مشاهده میکنیم که: به تنا مسا سواد کارکنان جنگزده در ۴۵ روز اول حک فنیط چهار ماهه هزار تومان علی الحساب پرداخت میشود ولی روسای با لایشکا آنها را در همین مدت حواله ۲۰ هزار تومان برای خانواده خود در شیراز میفرستند. در تهران هم روسا و سرپرستان حقوق کامل خود را که اغلب بالای ۲۰ هزار تومان است تمام و کمال دریافت میکنند. خانم یکی از مدیران قبلی با لایشکا (که در خانه اش سرترا مایت خمیا ره کشته شد) فقط حدود ۲۳۰ هزار تومان (با حقوق ۳۸ هزار تومان در ماه) بابت خرج کفن و دفن میگردد در صورتیکه به خانواده آن کارگر زیربوشی که در آبادان شهید میشود حتی پنج هزار تومان هم نمیدهند...

آیا ما که این تضییقات را می بینیم و بر ادعای مسئولین مبتنی بر اینکه پول در مملکت وجود ندارد شک میکنیم و اعتراض میکنیم چرا به ما که تمام زندگی خود را از دست داده ایم و حتی مجبوریم ابتدا ثمرین و ما ثل زندگی را در دوا ره تهیه کنیم حقوق کامل نمیدهند؟ انقلاب هستیم؟ مزدوریم؟ هستیم؟ و یا آن روزنامه نگاری که بدون اطلاع از جریانات (شاید مطلع) در دفتر کار خود نشسته و قلم بدست گرفته و هر نوع برجسی را که بیشتر زیننده خودش میباید شمه ما می چسباند؟

میگویند ما جنگزدهگان را اسکان داده ایم و با نشان دادن عکس و فیلم و گزارش هر روز این مسئله را بزرگ میکنند ولی شما را بخدایانید و ما دقت نه بکشید که شرکت نفت با آتشمه امکان تا بحال در مورد اسکان هزاران خانواده شرکتی چه کرده است؟ آیا زندگی بر روی قهرهای خانواده‌های در زمینیه امهان بنظر شما اسکان است؟ آیا خوابیدن در کنار خیابانهای ماهشرا اسکان است؟ آیا زندگی در اردوگاه جبریت که هلی کوپتر رئیس جمهور و همراها بر شرطوفان نتوانست فرود آید اسکان است؟ یا بسریچه فلجی که در شیراز زیرا ندا زور و ندا زش روزنامه است اسکان پیدا کرده است؟ آیا آن خانواده‌های که با ۱۷ ساعه ثلته تحت تکفل که در یک دکان بی درو و پیکردر شمس دستگا ه شیرا زندگی میکند از نظر شما اسکان با فتنه‌اند؟ چه کسی را میخواهد فریب بدهید بغیر از چند محلی را که خود کارکنان بعد از آن امیدشان از وعده و وعیدهای شما گرفته اند و بغیر از چند دستگا ه خانه دیگر که مخصوص شهدا و گروگانهاست شما کارکنان را در کارگاه اسکان داده‌اید؟ البته از حق نباید گذشت چون شما در هتلهای شرا پتون - کمودور روسای جنگزده را اسکان داده‌اید... آقا ی روزنامه نگار تو که حتی اسکان شوا ده‌های کارکنانی را که به آبادان فر

## طبقه کارگر از قیام می آموزد!

تسا مچون ۲۲ بهمن ۵۷، در سیای کراسهای سهر اهدا است. طبقه کارگر با بدین درسی را برای یکبار برد و آنرا در مبارزه طبقاتی و انقلاب آینده بکار رساند. بدون جمع بندی از مسازات گذشته، بدون ارتقا، دادن آن تا سطح ثنوری راهنا و بدون بکار بست این ثنوریه حسابش نوده‌ای نمینواید. به مرحله متکا ملتری ارت حرکت خود دست با بد. در قیام بهمن کارگران و توده‌های بیگماری دست به فدا کاری زدند و، جان بارانده جنگ دشمن و ما شین حنکی آن یعنی ارتش رفتند. آنها طالسازادی دمکراسی و استقلال بودند، آنها میخواستند بر سر نوشت خویش حاکم بوندند، آنها میخواستند کفالت و انحطاط دنیا ی گذشته را از جانی کنده و زندگی نوینی برپا دارند، اما آنها به اهداف خود نرسیدند رژیم منکین سلطنتی در زیر کای میهای بولادین کارگران و زحمتکشان منکوب و با بود شد، ارتش شاهنا هی ضربات مهلکی در با ناست کرد و امیرا لیسنا چاره عقب نشینی های بس مهمی گردید، اما قدرت بدست کارگران و زحمتکشان نیافتاد، بلکه قدرت بدست سرمایه

اولین درس - اولین میگوید: "در دوران انقلاب میلیونها و دهها میلیون تن از مردم در هر هفته پیش از یکسال زندگی عادی و خواب - آلودگی میا موزند، زیرا هنگامیکه تحول ناکهانی و شدید در زندگی یک ملت روی می دهد با وضوح خاصی معلوم میگردد که هر یک از طبقات این ملت چه هدفی را تعقیب میکنند چه سرنوشتی دارد و با چه وسیله‌ای عمل می نماید" (درسهای قیام - تاکید از ما ست)

در راه انقلابی با ایداز حزب و نیروها را شناخت، با بدید آنها از منافع چه طبقه‌ای دفاع می نماید و مناسبات میان آنها کدا مند؟ در ما قیام نیروها نی که در مخالفت با رژیم شاه قرار داشتند به دودست بزرگ تقسیم میشدند در یکسو حزب لیبرال ما شند نهضت، آزادی بدرهیری با زرگان، جبهه ملی دوم به رهبری سنجایی و جبهه ملی سوم به رهبری سنی صدر و جریانات مذهبی ما شند جریانی که بهشتی در آس آن بود و با جریا ن شریعتداری قرار داشتند، این احزاب و جریانات علیرغم اختلافات و تفاوتهای که با یکدیگر داشتند در این مسائل اساسی دارای اشتراک نظر بودند، مخالفت با دیکتاتوری خن شاه و موافقت با حفظ سیستم سرمایه داری وابسته بقیه در صفحه

## اخبار کوتاه

**ورامین:** رژیم کارگران کارخانه مهمات سازی "پارچین" را وادار کرده است تا با شدت هر چه بیشتر به تولید مهمات بیشتر برای کشتار زحمتکشان عراقی و سرکوب توده‌های انقلابی ایران بپردازد. رژیم در پیشبرد این هدف فذخلتی خود، حتی برای جان کارگران و زحمتکشان ارزشی قائل نیست. او خریدیامه هنگامیکه ریک گلوله آرپی. جی ۷ متفجر میشود که موجب قطع شدن سربکها و گروقطع دست کارگر دیگری میشود.

**اصهان:** با ردیگر نظر سرما به داری از کارگران قربانی گرفت اما ایسارنده در محیط کار، بلکه عین از کارگران زحمتکش کارخانه پلی اکریل اصفهان گوشت دم توپ جنگ سرما به داران و قربانی منافع ضد خلقی آنان شدند. رژیم برای پیشبرد اهداف خویش در جنگ نا عادلانه ای که دامن زده است

منتخبان خدمت سال ۵۶ را به جبهه فرستاد که قربانیان کارخانه پلی اکریل جزو این گروه بودند. ضمن تسلیم به خانواده‌های این قربانیان و تماشای کارگران ایران با ردیگر اعلام میداریم که قاتلین واقعی این کارگران رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق می باشند که چنین جنگ نا عادلانه ای را به خلقهای دو کشور تحمیل کرده‌اند.

**تهران:** جنیدی قنبل کارگران شرکت "پلاستیران" برای کم شدن ساعات کارشان از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت در روز، اعصاب میکنند و موفقی میشوند که برای مدتی بخواس خود بترسند اما با ردیگر مدیریت کارخانه و شورای ضد کارگری اسلامی کارخانه مسئله ۱۰ ساعت ۱۲ ساعت کار در روز را مطرح میکنند. این مسئله

خواتنده میتوند با اسکان آنها در مناطقی جنگی اشتباه گرفته‌ای چطور بخودت اجازه داده‌ای که خواسته‌های ما را تعبیر و تفسیر نمائی؟ یا میدانی که فقط در چند هفته اخیر چندین نفر از همکاران ما در بین راه ما شهر - آبادان در اثر صاعقه‌های شهادت یافته‌اند. در زیادی مجروح گشته‌اند. آیا میدانی که در آبادان از کارگران تعهد گرفته‌اند آنها را

مخبر می‌کنند که با یورقهای راه مضاء کنند که در آن قید شده و در آینده شرکت نفت مجاز است هرگونه تصمیمی را در مورد آنها اتخاذ کند...

شورای سراسری کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان و خویشین شهر (قریباً د آوارگان شماره ۱۱).

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

### اعلام حکومت نظامی به بهانه جنگ در شهرک طالقانی

حکومت نظامی سلاح کهنه‌ای است که رژیمهای ارتجاعی به هنگام و جنگی و بی‌ارزات توده‌ها و ناتوانی خود در سرکوب آن‌ها در متوسل میشوند، اکنون نیز افزایش دیدن رضایتی در میان توده‌ها بطور عموم و وارگان جنگ علی‌الخصوص، فعالیت پیگیرانه کمیونیستی را ستین برای افشاء حکومت با لا بودن سطح آگاهی توده‌ها و... رژیم جمهوری اسلامی را مجبور ساخته که به این سلاح سنگ زده دست ببرد تا به خیال خام خود یک سرکوب مبارزاتی توده‌ها به زندگی نتواند بویک چندصفا ای ادا مدهد.

در شهرک طالقانی (کوره‌ها) از ساعت ۸ شب بعد عبور و مرور ممنوع گردیده است. به

دشمن این اعلامیه‌های افشاگرانه‌ها زمان در رابطه با سیاستهای ارتجاعی رژیم پاسدار - ان حامی حکومت به تکیه بر افتاده و پس از ساعت ۸ شب (با تریک شدن هوا) هرکسی را که در کوچه‌ها در رفت و آمد ببینند مورد بازخواست و پرس و جو قرار میدهند و در صورت مشکوک بودن او را به‌سایا برده و سپس از تحقیقات لازم آزاد میکنند.

براستی که تاریخ سنگوبای وزنده‌ای است اگر رژیم بوسیده پهلوی با اعلام حکومت نظامی در چندین شهر بزرگ توانست خود را نجات دهد، رژیم جمهوری اسلامی هم‌قادر خواهد بود و اگر نتواند طوقا نی‌ها که در راه است در امان باشد.

### ملاقات بنی صدر با آوارگان یاد آور بازدیدهای شاه‌خان

بازدیدهای عوام‌فریبا نشاه‌خان زحمتکشان ما بخوبی بیاد دارند که چگونه با قیافه‌ای "پدرانه سعی در پوشاندن ماهیت فدکاگر و ضد خلقی خود داشت، با بازدید بنی صدر از اردوگاه‌ها و آوارگان در خوابگاه‌ها نشگاه صنعتی امفهان هم‌برای آوارگان یاد آور باز - دیدهای شاه‌جلاد بود، بنی صدر با هلیکوپتر وارد خوابگاه میشد و قبیل از او یک کامیون سرپا زو شده‌ای ما شینهای لوکس وارد خوابگاه شده بودند، اطراف خوابگاه و داخل ساختمانها را سرپا زان پر کرده بودند، بنی - صدرو همراهایش پس از بازدیدها زسا ختمشان به میان آوارگان آمده و پس از چند کلمه

صحبت، با هلیکوپتر خوابگاه‌ها را ترک می‌گوید پس از رفتن بنی صدر آوارگان در گوشه و کنار از شایعات این بازدیدها با زدیدهای شاه‌خان صحبت میکردند، مردم از خود می‌پرسیدند که بنی - صدر آمد اینجا چکار کند؟ این چه بازدیدی بود؟ زکدا میک از ما در مورد مشکلاتمان سؤال کرد؟ چه کدا مخواست ما حتی گوش داد؟ زحمتکش آواره میگفت: "اینها نمیخواهند بر سرای آوارگان کاری بکنند" زحمتکشان ما به مهیت پرا زفریب و نیرنگ لیبرالها پیوسته می‌برند و با مایه علمیه لیبرالها و نیز حزب جمهوری اسلامی در تداوم انقلاب خونین ایران میکوشند.

### اشغال دبیرستان خوارزمی: آغازگر شیوه‌های فاشیستی در سرکوب مبارزات دانش‌آموزان



یک دختر فالانز اشغال کننده

روز دوشنبه ۱۳ بهمن دبیرستان دخترانه خوارزمی شماره ۲ توسط عوامل حزب جمهوری اسلامی و بر طبق یک برنامه از پیش تعیین شده به اشغال در میا شد. دانش‌آموزان هنگام مراجعه به دبیرستان با بسته بودن درب آن و نصب شدن پلاکاردهای حاکی از اشغال دبیرستان تحت عنوان "بستن آیین یا بگاه توطئه فساد" مواجه گردیدند. اشغالگران که خود را دانش‌آموزان مسلمان بی‌روخط امام مینامیدند، اجازه ورود به هیچکس را ندادند و به فحاشی بر علیه دانش‌آموزان می‌پرداختند.

این وقایع در شرایطی رخ میدهد که ما با هاد و جنگیری جنبش دانش‌آموزی بطور کلی وجود و انقلابی دانش‌آموزان ایستادگی دبیرستان بطور مشخص، میا شیم، رژیم فاشیستی سرکوب نمودن مبارزات پرشور دانش‌آموزان این مدرسه اقدامات متعددی انجام داده است، از جمله تاکنون به اخراج ۲۰ تن از دانش‌آموزان انقلابی پرداخته اند که بیشترین رقم اخراج در میان مدارس است. اما دانش‌آموزان مبارز با ادا مفعالیتهای انقلابی خویش مشت محکمی بر یوز رژیم زده و تلاشهای مذبحو نه‌ان را خنثی کرده‌اند. بدین ترتیب می بینیم که توسل ارتجاع به آخرین حربه خود یعنی سرکوب مستقیم با توسل به شیوه‌های فاشیستی و انجام آن در ایستاد مدرسه‌ها تفاقی بلکه کاملاً حساب شده میباشد.

حزب جمهوری اسلامی که در نزد توده‌ها مفتضح گشته، با تنگ درمدمدان خوردن ازنگان

ریزیون دبیرستان نیز با شان حرفه‌ای چماقداران "مکتبی" با فحاشی سعی در ایجاد محیط رعب و وحشت داشتند.

در حال نگهبانی از درب بسته دبیرستان بوسیده... بیروخط امام است، حزب بی‌کوک کردن عوام‌لش نظیر اشغالگران سیاهپوش دبیرستان خوارزمی درمدمدانست تا به تکرار اعمال فاشیستها در راه انداختن دسته‌های سرکوبگر "پیراهن قهوه‌ایها" و "پیراهن سیاهها" بپردازد، حزب حاکم درمدمدانست تا در صورت موفقیتش در این شیوه تکرار آن در شما می‌مدارس و عرصه‌های مبارزاتی توده‌ها بپردازد، اما دانش‌آموزان انقلابی همان گونه که توطئه‌های سرکوبگرانه رژیم را تاکنون خنثی کرده و مبارزات خود را بشکل روزافزونی گسترش داده‌اند، این شیوه جدید ارتجاع را نیز با مبارزات انقلابی خود خنثی خواهند کرد، تقلیدهای حزب جمهوری از شیوه‌های فاشیستی سرکوب نیز، چیزی جز کاریکاتورهای بی‌رسان بوده و اعتلا انقلابی جامعه و جنگیری مبارزات دانش‌آموزان انقلابی برده‌ان رژیم مشت محکمی خواهد زد.

به افشای توطئه‌های سرکوبگرانه رژیم درمدمدان سرگردان خسته و بی‌اتحاد خود آنها را خنثی کنیم!

### به بهای خانه خرابی زحمتکشان، میلیونها تومان صرف ساختن فیضیه می‌شود

روزی نیست که رژیم جمهوری اسلامی در بوق و کرنای تبلیغاتی اش بدروغ خبر کمک به آوارگان جنگزه را نهد، در این میان با باز کردن حسابهای مختلف کوشید تا آخرین رمق زحمتکشان را به بهای نه‌کمک به جنگزدگان بگیرد، اما جرس ولع رژیم جمهوری اسلامی بسیار فراتر است تا آنجا که زحمتکشان را به بخشیدن ما محتاج زندگی خود ترغیب کرده و حتی از چند تخم مرغ زن زحمتکشی که در چاروتوم نسبت به حکومت است نیز نمی گذرد، اما زحمتکشان ما با پیدا بندها این میا لسخ صرف چه هدفی میشود؟

درست در شرایطی که آوارگان جنگ از فقدان بهداشت، مسکن... بجان آمده‌اند و درست در زمانی که اعراض حق طلبانه آوارگان جنگ نسبت به اوضاع نا بسا مانشان با سرکوب مزدوران سرما به پاسخ داده میشود دست اندرکاران حکومت بودجه‌های کلانی را به تامين نیازهای خود، نیازهای بی‌کفایتی در جهت حفظ نظام بوسیده سرما به داری و تحقیق توده‌ها و گسترش جهل برآورد شده، اختصاص داده‌اند، احداث فیضیه جدید تبریز که هزینه آن از عرق جبین زحمتکشان تامین میشود،

از آنجمله است، حدود چهار ماه است که شب و روز برای احداث فیضیه تبریز کار میکنند، این ساختمان در بهترین نقطه تبریز قرار دارد و دارای بیش از ۱۲۰ اتاق میا شد و تا کنون بیش از میلیونها تومان صرف آن کرده‌اند در اینجا با بیروخانیون مرتجعی پرورش یافته که با "موظفه‌های خود به تحمیل توده‌ها پرداخته و آنها را به قناعت نسبت به آنچه که دارند (یعنی هیچ چیز) ادا رند، تا سرما به داری و مفتخوران با استعمار زحمتکشان جیبهای خود را آسوده خاطر بکنند و فریب تر شوند.

آری اینست آن نیازی که حکومت را به ساختن مکانهایی آنچنانی از دسترنج زحمتکشان وا میدارد، اما زحمتکشان به سهیل زندگی رفاه اجتماعی، کسب آزادی و استقلال نیاز دارند و هنگامیکه این نیازی با آگاهی طبقاتی همراه باشد و تحت رهبری با کفایت طبقه کارگر قرار بگیرد این ساختمانها و مثال آن در اختیار کارگران و زحمتکشان قرار خواهد گرفت و بصورت سنگری برای درهم کوبیدن سرما به داری و بسته و همه مرتجعین در خواهد آمد.

### زحمتکشان: مصادره انقلابی رژیم جمهوری اسلامی: بازهم سرکوب

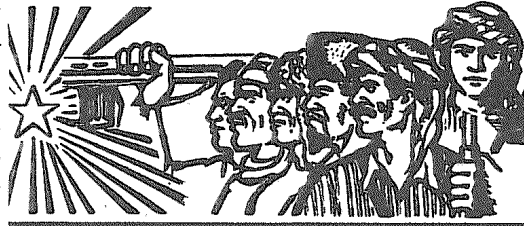
مصادره انقلابی آپا رتانهایی سرما به - داران توسط زحمتکشان با راه توسط رژیم جمهوری اسلامی سرکوب شده و میشود. نمونه زیرکوشای از این سرکوب ران نشان میدهد: حدود یکسال و نیم پیش عده‌ای از خانواده‌های زحمتکش که قبلاً در نازی آباد و کشتارگاه زندگی میکردند، ساختمان "لاله" را در خیابان کارگرشالی مصادره انقلابی کرده و در آن سکنی میگزینند، صاحب این ساختمان مرد ثروتمندی است که ما میانه فقط ۶۰ هزار تومان کرایه‌ها ساختن آنها پیش را میگردد، زن زحمتکشی که ساکن آنها رتانه بود میگفت: "از یکسال و نیم پیش که اینجا آمده - امپا سداران و کلانتری ما می یکبار به اینجا حمله کرده و تن ما را می لرزانند و تهدید میکنند که با پیدا اینجا را تخلیه نمائید، ایسن زن

زحمتکش بوسیله یکی از پاسداران چندی قبل با قناتق ۳ - ۳ ضربه خورد، زن زحمتکش ادا م میداند که: "این ساختمان مال بسک سرما به داری است اما ما نمیتوانیم حرفها بمان را بگوش مردم برسانیم چون رادیو و تلویزیون در دست دولت است" پاسداران سرما به به همراه کلانتری ۸ او خردی ما به زهم به ساختمان بیورش آورده و مردم را تهدید به تخلیه ساختمان می‌نماید، رژیم تهدید و ارباع و سرکوب زحمتکشان ادا م میدهد، در حالیکه زحمتکشان بی مسکن با تمانیر در مقابل آنها جماعت رژیم مقاومت میکنند.

مصادره انقلابی آپا رتانهایی سرما به - داران توسط زحمتکشان بی مسکن اقدانی است انقلابی و بر علیه میریالیسم و ارتجاع!

### مبارزه علیه جنگ رابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

# خلق ها و مسئله ملی



## اسفند ۱۳۵۷: سقوط پادگان مهاباد، سرآغاز جنبش انقلابی خلق کرد

خلق رزمنده کرد با بیای خلقهای زحمتکش ایران در ماههای قبل از قیام ۵۷م - با نظرات و راهیابی ها و مبارزات انقلابی خود بر علیه رژیم ضد خلقی شاه قهرمانانه در جنبش انقلابی خلقهای ایران شرکت کرده و شهدای بسیاری را تقدیم راه انقلاب ایران نموده نظرات با شکوه اهالی زحمتکش شهرهای سنجند، سقز، بانه، مهاباد و دهها شهر دیگر کردستان در ماههای قبل از قیام مهربک با به همراه داشتن دهها شهید زحمتکش کرد، بدرستی پیوند خلق کرد با خلقهای زحمتکش سراسر ایران در جنبش دمکراتیک - ضد امپریالیستی توده های زحمتکش را نشان می داد. آری علی رغم تبلیغات و توطئه و تحریکات رژیم جمهوری اسلامی در جهت تخطئه نقش انقلابی خلق کرد در مبارزات زحمتکشان ایران بر علیه رژیم رژیم شاه، خلق کرد با تمام قوا بر علیه امپدیکه در جها رجوی ایرانی آزاد دمکراتیک با رساله ستم ملی - طبقاتی و استعمار فئودالی و مالکین و سرمایه داران برگزیده خویش را از زمین ببرد، قیام ۲۲م بهمن ۵۷ فرا رسید و خلق زحمتکش کرد، همچون خلقهای سراسر ایران، کردستان را به عرصه نبرد مسلحانه خود با ارتش ضد خلق شاه تبدیل کرده، مبارزات کوشنگه ها زمان جهنمی ساواک را به آتش کشید، مزدوران ضد خلقی ساواک را دستگیر و بسزای اعمال خود را ندوخته محکوم کردن تما یلات تجزیه طلبانه عناصر مرتجع و وابسته در کردستان با صلابت رسامیستکی هر چه بیشتر و محکمتر خود و خلقهای ایران را اعلام نمود. اما بیش از یکماه از قیام شکوهمند بهمن ۵۷ نگذشته بود که با طر تلاحش برای کسب خود مختاری، این حقوق حقه خود، مورد حمله وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت، رژیم که بر ویرانه های نظام آریا - مهربی لانه کرده و با همان ابزار خلق زحمتکش کرد را قتل عام نمود که شاه خاشاک با آن توده های زحمتکش ایران را کشتار کرد بود.

بدنبال سقوط پادگانها بدست توانای خلقهای ایران در شهرها، ارتش ضد خلقی آریا مهربی در سراسر ایران از جمله در مهاباد کردستان به تبعیت از سیاست سازش رهبران با امپریالیسم به اصطلاح اعلام همبستگی با انقلاب نمود، اعلام همبستگی ارتش با انقلاب در حقیقت فریبی بیش نبود تا بدین وسیله سازشکاران بقدرت خزیده دستگاہی سرکوب - کرور میانه و ارگانهای ضد خلقی وابسته به امپریالیسم برای سرکوب مجدد خلقهای زحمتکش از آسیب انقلاب وسیل بنیان کن حرکت توده های مسلح محفوظ نگاه دارند. اما خلق زحمتکش و آگاه کرد فریب این همبستگی انقلابی ارتش که تنها و تنها در خدمت حفظ سیستم

سرمایه داری وابسته قرار داشت، نخورده و هشیارانه به مقابله انقلابی با توطئه های ضد انقلابی عوام فریبان سوار شده بر اسواج انقلاب برخاست، چه خلق قهرمان کرد، بدرستی می دانسته و میداند که تحقق خواسته های خلقهای زحمتکش ایران در بر توتوی پروزی انقلاب خلقهای ایران بوده و این عملی نیست مگر

اینکه ارتش ضد خلق شاه و دستگاہی سرکوب - گروا مریکائی از بنیان نابود کرده، بر پایه همین آگاهی انقلابی روز جمعه ۴ اسفند ۵۷ مرد زحمتکش و قهرمان مهاباد، جهت تدوین قیام شکوهمند بهمن و دستیابی به پیروزی نهایی به پادگان مهاباد حمله کردند. این حرکت انقلابی مردم مهاباد مورد حمایت پرستل انقلابی درون پادگان قرار گرفت و آنها به همراه زحمتکشان مسلح مهاباد، ضد انقلابیون ارتش آریا مهربی را که از برکت سازش رهبران با امپریالیسم بر مناسبت خود ابقاشده بودند خلع سلاح و دستگیر نمودند. پادگان مهاباد با کلیه تجهیزات و سلاحهای نظامی اش بدست رزمندگان دلیر خلق کرد افتاد و روشن است که چنین حرکتی نمیتوانست به مذاق جمهوری اسلامی که سودا وراثت نظام سرمایه داری وابسته را در سر می پروراندند خوش بیاید، به همین خاطر طرفداران رژیم مهاباد به پروا زدند و مدتی در خلع زحمتکش کرد مورد انواع توهینها و اتهامات ضد انقلابی قرار گرفت، اما خلق زحمتکش کرد از



(این طرح، در بزرگداشت سالروز شهادت قاضی محمد بنیانگذار جمهوری خود مختار کردستان تهیه شده بود)

حرکت با زنا بیستادوبه مبارزه جهت تسدایم انقلاب و کسب خود مختاری بعنوان حقوق حقه خود ادا مهاباد و نوروز زمین ۵۸، ۲۸ مرداد ۵۸، اوایل اردیبهشت ۵۹ و از آغاز زکسترس جنگ ارتجاعی ایران و عراق با راهها مورد وحشیانه ترین یورش ها و قتل عامها از طرف رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت، اکنون خلق قهرمان کرد، با به پای خلقهای زحمتکش ایران برای حفظ دستاوردهای قیام شکوهمند و در جهت کسب خود مختاری در پرتو راهی خلقهای سراسر ایران، به پیکار مسلحانه خود ادا می دهد و بی شماری از جنبش مقاومت خلق، این جوشیدگان انقلابی ازدل خلق کرد، رژیم جمهوری اسلامی را با راهها و مبارزات بی امان خود قرار داده اند. آری زنجیر پادگان مهاباد، سرآغاز جنبش انقلابی خلق کرد بر علیه رژیم جمهوری اسلامی بشمار می آید، رژیم که چیزی جز محصول سازشانه رهبران با امپریالیسم نیست، اگر چه رژیم مزدور شاه سقوط کرد اما رژیم جمهوری اسلامی در قبایل خلق کردها راهی را در پیش روی خود گذاشت که رژیم شاه گذاشته بود و به همین خاطر خلق دلیر کرد نیز همان راهی را در قبایل رژیم جمهوری در پیش گرفت که در مقابل رژیم شاه در پیش روی خود گذاشته بود.

بقیه از صفحه ۲۱ حزب توده ...

آری بنی مدرین لیبرال مرتجع، زمانی نه تنها نابودکننده امپریالیسم، بلکه خواهان سوسیالیسم قلمداد میشود، و حزب توده در صدد برقراری "راه رشد غیر سرمایه داری" اش با این لیبرال مرتجع بر می آید. و زمانی دیگر بخاطر همانیت توده ای ها از جناح حزب، بنی صدر تقریباً در صدد لیبرالیتهای قرار داده میشود و فردا به بد نیست دور راه انقلابی شود!

بدین ترتیب حزب توده به پیچ و خم ضد لیبرالیتهای نیست، بلکه در ارتباط با این مسئله مشخصه که در هر زمان منافع سوسیالیسم لیبرال را میسازد، کند، بدفاع از جریانات موجود با معبر خاسته و به مخالفت با مخالفان آن جریان اقدام میکنند تا بدجای بائی برای سوسیالیسم لیبرالیسم بنما یند.

اما مدار اینجا از حما بیتهای بی شائبه خاشنین توده ای، از لیبرالیتهای پس از قیام نمی بردا زیمو آن را به وقت دیگری موخسول میکنند اما تنها راه می کنیم که حزب توده با راه اعلام کرده که ما می دولت موقت با زرگان است و حزب توده حاضر است بی قید و شرط در خدمت دولت با زرگان قرار گیرد، حزب توده در مردم شمار یک بشدت از حسن نریه خاشن دفاع کرد و مدتی جلاد را ما مهاباد پیش تیبانی خود قرار داد، در انتخابات ریاست جمهوری حبیبی لیبرال کاندید حزب توده بود و در انتخابات خیرگان و مجلس اسلامی نیز عزت اللہ سحابی لیبرال کاندید حزب توده بود، آری ما سکا "قد لیبرالی" گشونی دروغی بیش نیست تا حزب توده بتواند، در حزب جمهوری اسلامی، رهروان "راه رشد غیر سرمایه داری" خویش یعنی تبدیل ایران به "شکارگاه خصوصی" سوسیالیسم لیبرالیسم روس را بنماید، آری ملوس کوچیلوی ما هروا گوش لیبرالها و اینک در بیغل حزب جمهوری و فردا؟

مرتجعین توده ای را بیش از پیش افشا و طرد نمائیم، ما سکا ضد لیبرالها را از چهره کریمه حزب توده بدرسیم!

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۳ طبقه کارگر...

و جدیت با طبقه کارگر و انقلاب توده ها، این نیروها مدافع طبقه سرما به دار بوده و مخالفت آنان با شاه از موضع بورژوازی و ضد انقلابی بوده است. در سوی دیگر نیروهای کمونیست، نیروهای دمکرات و چریکات شیدان با پیگیر از آیت الله خمینی قرار داد شدند، هرکدام از این نیروها مدافع یک طبقه معین بوده و دارای درکهای متفاوتی از آزادی بودند. کمونیستها اگرچه بسیار ضعیف بودند، اما منافع پرولتاریا بوده و هدفی را که از سرنگونی رژیم وابسته شاه تعقیب مینمودند، نابودی رژیم سلطنتی و ماشین دولتی، سرنگونی سیستم سرما به داری و وابسته به امپریالیسم و طبقه سرما به دار را مستقر و حاکمیت توده ها به رهبری طبقه کارگر بود. نیروهای دمکرات خواهان سرنگونی رژیم شاه و استقرار دمکراتی خرده بورژوازی بودند و با لایحه چریکی ما نند خمینی طرفدار خرده بورژوازی مرفه سنتی بوده، متعاقب به سازش با بورژوازی متوسط و در مبارزه علیه رژیم سرما به داری وابسته شدند، شیدان با پیگیر بود، مخالفت این نیرو و بخصوص در فدیت با شاه و سلطنت تبار زمینیات، این نیرو و خصمهاست با ارتش را تبلیغ میکرد و مخالفت قهرمسلحانه توده ها بود، این نیرو در مقطع قیام به سازش با نمایندگان بورژوازی متوسط و امپریالیسم دست زده و به اردوگاه ضد انقلاب می پیوستند.

بیرداد زنده، در زمان شاه خائن زمانی که جنبش به قیام نزدیک میشد امپریالیستهای آمریکائی و کمپرا دورها عقب نشینی نموده و در مسدد بودند تا با سهیم کردن لیبرالها در قسد رت جنبش را بخوابانند، اما قدرت جنبش بحسدی بالا بود که این طرح توطئه گرانه خنثی گردید بدنبال آن زمانی که فدا شدند و اختلافهای جدید لازم گردید این فدا شدند و اختلافهای جدید طبقه ای مطرح شد، این با خرده بورژوازی مرفه سنتی در اختلاف با سرما به داران متوسط، کمپرا دورها و امپریالیسم قرار گرفت، این اختلاف بود که توانست قیام را در نیمه راه متوقف سازد و ماشین دولتی را از نابودی نجات دهد و از سقوط سیستم سرما به داری و وابسته و سرنگونی طبقه سرما به دار جلوگیری نماید. بنا بر این طبقه کارگر باید ایدئولوژیک عقب نشینی های این جنبش را فقط بخاطر حفظ سلطه سرما به داری دستگاه حکومتی است و بهیچوجه نمیتواند خنثی گامی در راههای طبقه کارگر و زحمتکشان باشد، بعنوان نمونه هیچ بعید نخواهد بود که در آینده زمانی که جنبش توده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی به اوج خود برسد، رژیم حاکم به چنین اختلافاتی دست نزند، شرکت دادن رویزیونیستهای خائنی مانند حزب توده و با فدائیان اکثریت و یا شرکت دادن نیروهای ناپیگیری مانند مجاهدین احتمالاتی است که باید ایدئولوژیک توجه نمود، طبقه کارگر با ایدئولوژی خود و وحدت مبارزاتی با دیگر اقشار زحمتکش باید بسوی تصرف قدرت به پیش رود، و با پدیدار شدن نمون سلطه سرما به داری حاکمیت کارگران و دیگر توده های ستم دیده حرکت کنند.

**سومین دروس** - طی انقلاب با پیداستگاه دولتی را با ایدئولوژی به قهر توده های نابود ساخت، دولت بورژوازی با تمام ابزارهای سرکوبگری مدافع طبقه سرما به دار بوده و هر سرکوب و انقلاب توده ها است، در هنگام انقلاب توده های مسلح باید تمام اقوال این ماشین جهنمی را

نابود سازد، اگر این ماشین باقی بماند، بطور حتم ستمگران با توسل به آن در لحظه مناسب خواهد کوشید تا به جنبش و انقلاب شها جهربند، در زمان قیام "رهبران" سازگار بطور مستمر و مداوم سازش با ارتش دست پرورده امپریالیسم را در میان توده ها تبلیغ می نمودند و با لایحه شهادت شهادت توفیق قیام این ماشین ضرت خورده را نجات بخشند و امروز می بینیم که چگونه همین ارتش در کردستان قتل عام میکند، بیرواضح است که در زمان اوج گیری جنبش توده ها در پاره های ارتش یعنی سران زان شدت تزلزل بوجود آمده و چه بسیار سران زان بسیاری متمایل به جنبش میشوند. کمونیستها با ایدئولوژی سران زان را به سمت انقلاب کشیده و صفوف دشمن را شدیداً متزلزل نمایند، رویزیونیستها برای سازش طبقه ای خود تنها به سازش از راه نفی انقلاب میگویند، نباید علیه ارتش به قهر مسلحانه دست زد، آنها عملاً ما هیت طبقه ای ماشین سرکوب را بوشانده و میکوشند تا آنرا از زیر ضربات انقلاب محفوظ نگه دارند، حال آنکه کمونیستها خواهان نابودی ارتش بوده و به همین خاطر حملات نظامی توده ها را علیه ماشین دولتی متمرکز میسازند، اما روشن است که این امر معنای نفی کارمندان و مردود ارتش و جلب سران زان به انقلاب نخواهد بود و سازش روشن است که فقط زمانی که انقلاب به تعارض خود علیه ارتش دست میزند و فرما ندهد آن مزدور دودنش خود را به نمایی غریب نگذاشته و نه تنها دستور کشتار توده ها را میدهد بلکه خفقان را در درون ارتش نیز تشدید مینماید، آری در چنین شرایطی است که تزلزل در صفوف ارتش گسترش مییابد، در همین رابطه است که لنین سازش طلبان و پورتونیستها را که به ریاضی لزوم قهر انقلابی علیه ارتش میبردند ختنه افشا کرده و میگوید: "ما باید با طبل و شیور لزوم تعرض متهورانه و حمله سلاح بدست را که ضمن آن باید ما مداران را نابود ساخت و

برای جلب افراد متزلزل ارتش دست بسوا مبارزه ای کاملاً جدی زد، اعلام داریم - (درسهای قیام مسکو). آری باید دستگاه دولتی را در زیر ضربات مسلحانه جنبش توده ای نابود ساخت و قدرت لنین کارگران را حتمتکشان را برپا داشت. آری انقلاب از نابودی دستگاه دولتی کهنه و واژگون طبقه سرما به دار میگذرد و پرواضح است که این نابودی فقط به ایدئولوژی قهرمسلحانه توده ای قابل تحقق است.

**چهارمین درس** - انقلاب قیام را باید تدارک دید، قیام بهمن بدون تدارک قبلی بناگهان منفجر شد، البته این قیام نتیجه اوج گیری مبارزات نبود، لیکن لحظه انفجار را کسی نمیدانست، اعتماداً به نظرات و شکل قیام می شافت اما در همین دوره طبقه کارگر و توده ها از آمادگی متشکل و لازم برخوردار نبودند، وقتی که انفجار ربوقوع پیوست عمل انقلابی و مستقیم توده ها فرسنگها از زشتوری انقلابی جلو تر بود، سازماندهی متناسب وجود داشت، کارگران و توده ها که طی مبارزه طبقه ای و در سرتیجان انقلابی بیدار شده بودند و از خود عملیات متهورانه ای نشان میدادند اما از آن گذشتگی تمام مقابله با دشمن مبرفتند، نیروی تاربخ و خارق العاده کارگران و توده ها به حرکت درآمده بود و آنها بزرگترین و جدیدترین ابتکارها را انقلابی را بکار می بستند، اما علیرغم تمام قهرمانی های عظیم، کارگران و زحمتکشان فاقد دورنمای روشن فاقد تشکیلات متناسب و فاقد سازماندهی نظامی خود بودند، آنها در مبارزه انقلابی خودشان میدادند که توده ها واقعا تاربخا شدند و قهرمانان چریک علیرغم تمام جانفشانی ها هرگز نمیتوانستند قدرت لازم برای بنیان فریبند که حکومت را شکست دهد، اما در زمان قیام این قدرت عظیم توده ای طفانی را بوجود آورده بود که در سرتیجان شده ای به پیش نمیرفت، بنا بر این باید از قبل بطور همه جانبه ای انقلاب را تدارک دید بدون کار بردارکاتی ترویجی، تبلیغی، تشکیلاتی و نظامی انقلاب و قیام نمیتواند به

پیروزی برسد. **پنجمین درس** - قیام فاقد رهبری طبقه کارگر بود، کمونیستها به سبب انحرافات خود (مشی چریکی و کونومیس) وضع خودتواشته بودند اما بطنه محکمی با طبقه کارگر برقرار نموده و آن را بر اساس یک برنامه و مواظب مشی پرولتاری و با ایدئولوژی به یک شکل قدرتمند به راه جنبش توده ها تبدیل نمایند، به همین خاطر طبقه کارگر در زمان قیام نتوانست بر اساس جنبش قرار گرفته و پیروز مندان آنرا هدايت نمايد، طبقه کارگر فاقد ایدئولوژی مارکسیستی-لنینیستی بود و عملاً علیرغم تمام قهرمانی های خود به دنیا له روخته و بورژوازی و بورژوازی تبدیل گردید، فقدان رهبری پرولتاریائی اساسی ترین عاملی بود که مانع از آن شد تا قیام به پیروزی خود دست یابد، کمونیستها با بد مفوف طبقه ای متناسب نبودند و اشتراک منافع طبقات دمکرات با پرولتاریا را مشخص ساخته و نقش تاریخی پرولتاریا را برجسته سازند و نشان دهند که طبقه کارگر پیگیری ترین طبقه اجتماعی بوده و از آنجا که برای پیروزی سوسیالیسم برقراری کمونیسیم بیچنگند و زنجیر ما لکیت عمومی بر دست و پای آن سنگینی نمیکند، مدافع واضح ترین دمکراسی میباشند.

آری طبقه کارگر از قیام میا موزد و خود را برای انقلاب پر شکوه فردا آماده میکند، انقلابی که برای رسیدن به سوسیالیسم مری ضروری است.





# چشمش دهقانی

## جنایت تازه مالکین در روستای گلپرد

با ردیگر در گوشه ای دیگر از روستا های این منطقه جنایت تازه ای توسط مالکین صورت میگردد که زحمات روستایی قربانی این جنایت وحشیانه میگردد.

روز دوشنبه ۲۹/۱۰/۵۹ داداشی زمیندار بزرگ روستای گلپرد که مرد بسیار رمنفوسوری است (ما حب دهها میلیون تومان ثروتی است که حاصل دسترنج و شیرجه ان دهقانان زحمتکش این منطقه است) با بسیج دهها چماقدار به دهقانان مبارزان روستا یورش برده و شروع به زد و خورد میکند که در حین درگیری فرزند یکی از دهقانان مرفه این روستا بنام شعبان کوچکی که به حمایت از داداشی در این درگیری شرکت کرده بود یکی از شیرزنان روستای را با دستهای خود خفه میکند و به این ترتیب صفحه ای دیگر بر پرده داداشی منقوش گشته میشود.

روستای گلپرد از قیامت اکنون عرصه مبارزه دهقانان کمزور و بی زمین علیه داداشی و ایا دی مزدور و وابسته است که در این گیرودار دهقانان مرفه نیز به حمایت از

آن را دارند اینجا میاریم:

"زحمتکشان مورکی، بهلو، تل سیاه و بیبیشه، صدها سال است که تباکتان شما زیر بار ظلم و ستم خوانین بوده اند و شما خود کس این ظلم و ستم را پوست و گوشت خود کس کرده اید. کمتر کسی در ممسنی هست که دهها خاطرهای زینت یا تخریب نداشت باشد. با سرنگونی رژیم شاه جلا دگشا ورزان امین داداشند که این وضع تغییر کرده و زمینهای خوانین را به آنها واگذار کنند. اکنون دوسال میگذرد ولی می بینیم حکومت جمهوری اسلامی نه تنها قدمی در این جهت برنداشته بلکه هر موقع که دهقانان را برای تصرف زمینهای ما لکن بزرگ اقدام نموده اند، دولت در مقابل آنها ایستاده است.

زحمتکشان منطقه را ویدما هوری زمینهای خوانین مال خود شاست، سالهاست روی آن

## پیروزی باد مبارزات دهقانان ممسنی

و "بهلو" پس از تشکیل شورا های دهقانی، خود شروع به تقسیم زمینهای فریدون خان جاویدی نمودند. اکنون اهالی "مورکی" و "بهلو" که پیش از تشکیل شورا با بعثت تحریک خانها با هم مخالف بودند، کاملاً متحد بوده و از همدیگر پشتیبانی میکنند. اقدامات انقلابی روستاییان با توطئه ها و تحریکات تاجران و هیئت هفت نفره با صلاح و گذاری زمین مواجه شد. ابتدا نگونه که هیئت هفت نفره خاموشی فئودالها در مقابل اقدامات روستاییان میگفتند: "کشت زمین بوسیله مردم غیر فائونی است و زمینها باید بوسیله چاه دبه زیر کشت بروند" دهقانان مبارز متحدها با این توطئه شدیداً مخالف بودند و چاه دبه ها و هیئت کذاش نیز ضمن تهدید به سرکوب روستاییان منطقه را ترک کردند.

اهالی روستای "تل سیاه" و "بیشه" نیز از کشت زمینهای امیر حسین خان و سیف الله جاویدی بوسیله آنها جلوگیری کردند و بدون اعتنا به حکم آیت الله ربانی تراکتور سیف الله را از زمینها بیرون انداختند. دهقانان مبارز و روستای اخیر در پیاسخ جهاد گفته بودند زمینها باید توسط چاه دگشت شود گفته اند: "چاه دبا پیدا ز روی جسم ما بگذرد تا زمینها را بکار د." اکنون اهالی "مورکی" و "تل سیاه" با هم در ارتباط بوده و قرار است که همزمان تقسیم زمینهای مصادره شده را شروع کنند.

در همین رابطه رفقای هوادار را زمان در ممسنی اعلامیه ای منتشر کرده اند که ما قسمتی

شهرستان ممسنی منطقه ای دهقانی است منطقه "جاوید" ما هوری از جمله مناطق چهار گانه ممسنی است که بخش اعظم زمینهای حاصلخیز آن در دست چهار برادر فئودال به اسمی فریدون خان، شاه پور خان، سیف الله خان و امیر حسین خان جاویدی میباشد. فئودالهای مذکور بین خود توافق کرده اند که زمینهای منطقه را مل دهات "مورکی" "بهلو" "بیشه" و "تل سیاه" به زمینهای "پارسیان" به شاه پور، "تل سیاه" به سیف الله و زمینهای ده "بیشه" به امیر حسین خان تعلق داشته باشد. اهالی "تل سیاه" و "بیشه" بعثت نداشتن امکانات رفاهی دهات خود را ترک و در "مورکی" ساکن شده اند.

بعداً ز قیامت زحمتکشان دهات "مورکی" "بهلو"، "تل سیاه" و "بیشه" مبارزه خود را برای تصاحب زمینهای خوانین را تشدید کردند آنها تراکتورهای خوانین را سنگباران کرده و از آن زمان دهانده که خوانین زمینها را کشت کنند خوانین نیز در این میان بیگانه رنشته و در پناه حمایت رژیم جمهوری اسلامی به توطئه بر علیه دهقانان مبارز دست زدند. از جمله "سیف الله خان" جاویدی "حکمی" از آیت الله ربانی شیرازی گرفت که بر طبق آن کسی حق تصاحب زمینهای خوانین مذکور را ندارد. بنابراین کشا ورزان بخدا زبانه را جمع بی نتیجه به مقامات و ادارات دولتی نتیجه گرفتند که تنها با اتکا به نیروی خود و با اتکا به بیگانه ها نمیتوانند به حق خود برسند و به همین خاطر روز سوم و چهارم بهمن ۵۹ کشا ورزان "مورکی"

### زندانی مخفی در کارخانه چوکا (گیلان)

کارخانه چوکا دارای ۹۰ پرسنل مسلح است که ظاهراً وظیفه "حفاظت" از جنگل را دارند. این پرسنل را که با مخارج زیاد از داخل دسترنج کارگران و زحمتکشان نگهداری میشوند جزاً از کارگران، دهقانان زحمتکش و سرکوب نیروهای انقلابی کار دیگری انجام نداده اند. اخیراً جنایت تازه ای با سداران جهل و سرما به که توسط زحمتکشان چوکا افشا شده و جویدیک زندانی مخفی در چوکا است که انقلابیون مبارزان دستگیر و در این زندان شکنجه میکنند. در شرایط کنونی ۱۱ نفر از مبارزان منطقه در این شکنجه گانه اسیر سداران مزدور هستند. ما زندانیان این سیاهال نیز بسیار دیگر مبارزان انقلابی در بند، بدستان، برتوان توده های انقلابی از دغا هندگشت، با اوچگیری روز افزون جنبش توده ها، آن روز نزدیکتر میگردد.

### بقیه از صفحه ۲ پاسداران ...

جلوگیری کنند، چکه پوشان رژیم جمهوری اسلامی نیز خواهند توانست! رژیم جمهوری با این جنایات فقط ما هیئت ددمشا نه خود را به توده های وسیعتری میشناساند و توده های بیشتری را به مبارزه علیه خود متما بل میسازد رژیم چاکمبا این پستی ها و جنایات تگور خود را میکنند این تظاهرات یکبار دیگر نشان داد که همه بخش های ارتجاع حاکم از حزب جمهوری گرفته تا لیبرالها در سرکوب جنبش متحدین و یکدیگرند. و در این اتحادنا مقدس خویش از حمایت مزدوران سوسیال امپریالیسم یعنی حزب توده و پشتیبانی فدائیان اکثریت خائن این نوکران حیره خوار بورژوازی نیز برخوردارند. اکثریتی های خائن طی اعلامیه ای این تظاهرات را "هرج و مرج" قلمداد کرده و ما زمان چریکهای فدائی (اقلیت) را "آلت دست سرما به داران لیبرال" خواننده است.

با بد پرسید و قعا چه کسی نوکر سرما به.

داران میباشند؟ آیا این خودروبیونیستهای اکثریتی وتوده ای نیستند که مشاطه گران جلادان جمهوری اسلامی هستند؟ آری کسانی آلت دست سرما به داران هستند که برای دولت سرما به داران هورا میکنند و دشمنی خود را با کمونیستها و انقلابیون و جنبش توده ای بارها به نمایش گذاشته اند، کسانی آلت دست سرما به داران میباشند که محل اختفای تظار هستندگان را که پراکنده شده بودند به پاسداران جانی نشان میدهند و این کسان جزو بیونیستهای کس دیگری نیست.

در اینجا لازم به یادآوری است اگر چه ما از این راهیماشی حمایت میکنیم و به همین لحاظ پیام همبستگی خود را برای رفقا ارسال داشتیم، اما ما به اقدامات دربرگزارای جشن ۲۲ بهمن بطور جداگانه انتقاد داشته و این اقدامات را یک حرکت سکتاریستی قلمداد می کنیم. امروز بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد تا طب کمونیستی در سطح جامعه مطرح گردد و در مناسبت ها شی چون سالگرد ۲۴ بهمن

داداشی علیه دهقانان کمزور و بی زمین دست به توطئه و سرکوب میزدند. در چند هفته اخیر که مبارزات دهقانی در روستا های منطقه اوج نوینی به خود گرفتار شده است دهقانان کمزور و بی زمین نیز که هنوز چشم امید به رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی دارند به دستا دستی انقلاب آمل و تهران و پا سگا هژاندا رمی شکا بیت میبردند و آنجا حق خود را میخواهند اما تجربه مجدداً آنها چیزی جز قوت قلب گرفتن مجدد برای ما لکن در پی نداشته است. که در بنیال خود منجر به بسیج چاقا در آن توسط داداشی و به شهادت رسیدن یکی از زنان زحمتکش روستا گردید. دهقانان مبارز گلپرد و سایر روستا ها میباشند از این تجربه ها بی بهره ما هیئت ارتجاعی این رژیم بسرند و دیگر چشم به بالا ندانسته و به نیروی خود اتکا نداشته باشند. آنها میباشند اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر شورا های واقعی و قشودشان را تشکیل دهند، و در جهت مصابده زمینهای مالکین برآیند، کمونیستها و سایر نیروهای انقلابی در این راه فعالانند از آنها پشتیبانی خواهند کرد.

کار کرده اند و خوانین دسترنجشان را به غارت کرده اند. اکنون نیز بیایدی زمینها کنار کیندولی پیدا جا زده میدهند خویش حتمی بکدام نه محصول شما را ببرند، شما با پیدا میرو حمله به همه مردم منطقه توضیح دهید که خوان دشمن همه شما میباشند و بد برای مبارزه با خوان با هم متحد شوید، دولت سعی میکند از راههای گوناگون از جمله دادن وعده های تهدید به سرکوب شما را از زمین به غارتها بیستان با زار د، نه فریب وعده را بخورید و نه از تهدید هراس بدل راه دهید. اگر شما متحدان باشید هیچ نیرویی نمیتواند شما را از رسیدن به خواسته ها بیستان با زار د.

خوانین نا بودند، زحمتکشان پیروزند هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - ممسنی ۱۳۵۹/۱۱/۱۱

خوین می با بست همبستگی کمونیستی را به نمایش گذاشته و به ارتجاع و روریونیستها نشان داد که کمونیستها علیرغم اختلافات سیاسی - ایدئولوژیکشان منبت محکمی در برابر آنها هستند. اما رفقای فدائی به اقدامی سکتاریستی دست زده و عملاً همکاری با سار کمونیستها را در این مورد نفی کردند البته به نظر ما این اقدام جدا از انحرافات سیاسی ایدئولوژیک این رفقا بخصوص در بر خورد به روریونیسم و سوسیال امپریالیسم و مشی چریکی نیست. انحرافات که به طرز عریان در شاره های راهیماشی خود را نشان میدهد. ما تحلیل خود را این انحرافات را به فرصت دیگری ماکول میکنیم.

### توضیح:

در این شماره، به دلیل کثرت مطالب ویژه قیامت بهمن ماه، نتوانستیم برخی از ستونهای ثابت و مقالات دنیا لسه دار را بیاوریم، روال عادی وادامه مقالات از شماره ۹۴ دنبال خواهد شد.

# کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

# قیام

با من سازش کشیده شد  
انگشتهای خشم  
تا شه منتظر قیام مرا نشرد

هنگریدشان  
نگریدشان  
تا هلهله های آشتی نا پذیرشان

در کردیا دها

با صوف خونین شان  
آمیخته به زیبا ترین فریاده

نگریدشان  
بن خلق مسلح منست  
بن خلق مسلح منست

نه ما جوایی طاقت  
غریو قهر خویش را

تلیک می کند  
بن خلق منست

نه میجوشد ز زرفنا ی روزهای مشقت  
میجوشد از محله های بیباخته زحمت

میجوشد از لبه های پنهان "گودها"  
میجوشد از لایلهای زنجیرکارخانه ها

میجوشد از عمق تشنه کشتزارها  
می جوشد

پیش می آید  
در امتداد لحظه های قیام

تا غرق کند  
در تلاطم خون خویشش

با دگانهای عاجز دشمن را  
زیر در نظر رپایان این سرود

بر گذرگاه هوجهای ملتبه می ایستیم  
تا نوس فریادهای روشن خود را

در سواحل تیره می آفروریم  
و با صدای متحد آبهای سراسری می آمیزیم

در انتظار رپایان این سرود هر دم  
در انتظار رپایان این سرود هر با زدم

ما تکرار میکنیم  
لحظه های شیردرا

(افسند ۵۷)

بقیه از صفحه ۲۲ گرامی باد...

با زمان در میان معلمین و دانش آموزان...  
بی نهایت کوتاه بود.

از ۵ ماه پیش بعنوان عضو سازمان پیکار  
مسئولیتهای جدیدی را پذیرا شد و یکماه پس

از جنگ و با آوارها شدن کارگران و زحمتکشان  
برای ادا مانعاً موظف میشد و فعالیت در میان

آوارگان به ما هشدار عزم کردید و همچنان با  
فلسی آکنده از عشق به زحمتکشان و سرشار از

گیه و یغرت به دشمنان خلق به مبارزه ادامه  
داد. رفیق محمود به عنوان یک کمونیست

بسیار ریبکیرو منظم بود.

پس از دستگیری در ۶/۱۰/۵۹، در زندان  
سبز لخته ای از مبارزه با زنا بیستاد و دشمن

جلد نیز دشمن سر سخت خود را شناخت و او را کینه  
تورا نه به جوخه اعدام سپرد. با دش کرامی

و راهن پیروز با دل! (۱)

در پایان شعری را که یکی از رفقا سروده  
است میاوریم:

بیاد رفیق محمود صمدی

انقلاب در راه است، رفقا!  
چگونه بگویم،

که از رجوع کودن تر، هموست،

## نقش طبقات مختلف در قیام بهمن ماه

بمنظور بررسی هر چه دقیقتر و روشنگر شکل گیری قیام با شکوه خلق، و بمنظور پی بردن به علل روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، منظور افکندن به گونگی حرکت طبقات مختلف در متن اعتلای انقلابی آغاز شده از سال ۵۶، و بخصوص بررسی این حرکت در دوره شهریور تا بهمن ۵۷ که موقعیت انقلابی برجای معجاسم بود، با نژاد اهمیت بسیار میباید. از این رو در این مختصر سعی میکنیم نقش هر یک از طبقات جامعه را در این دوره و بخصوص در قیام بهمن ماه با زگو کنیم.

### ۱- بورژوازی بزرگ (کمپرادور)

رژیم جنایتکار شاه، نماینده سیاسی این بخش از بورژوازی ایران و کارگزار او امپریالیسم آمریکا بود، این بورژوازی بملت ضعف و زبونیش در سرکوب جنبش توفنده توده ها موجب بروز اختلاف نظر در میان جناحهای مختلف درون خود او امپریالیستها، در مورد چگونگی سرکوب انقلاب، گردیده بود. این امر بخصوص بعد از واچگیری غیر قابل مفاومت جنبش توده ای و حرکت خود بخودی توده ها بمنسبت تسلیح خود، کار را به آنجا کشاند که بخشی از بورژوازی بزرگ و جناحی از امپریالیستها خواهان عقب نشینی تاکتیکی و حتی کناره گیری شاه شدند، و بخش دیگر گمانگان روی سرکوب شدید تر و حفظ شاه را در ادا داشت. اینگونه فشار جنبش توده ای اراده خود را بر امپریالیسم و دلالتش در داخل تحمیل نمود. چرا که حفظ منافع حیاتی آنها در گرو چشم پوشی از این دارنده شاه شده در نظر توده ها و انقلابی روی کار آوردن عوام فریبانی چون بختیار، قرا داد است، دولت بختیار هم برنا مه خود را از یکسور سرکوب جنبش انقلابی شومبا عوام فریبیهای لیبرالی قرار داد و از سوی دیگر کار آمدن با "رهبران" سازگار جنبش را در دستور کار خود گذاشت.

در جریان قیام بیشترین ضربات بر پیکر پوسیده این بخش از بورژوازی ایران وارد گردید. بطوریکه نماینده سیاسی خود یعنی رژیم شاه را از دست دادند.

### ۲- بورژوازی متوسط (لیبرال)

این بخش از بورژوازی ایران اگرچه بملت تمرکز قدرت در دست بورژوازی کمپرادور و تحت فشار سیاسی و اقتصادی قرار داشت، ولی از آنجا - شیکه سود آوری و ریش تنها در چرخه رجب سرمایه داری امکان پذیر است، مداخله سر سخت سیستم سرمایه داری و بسته بوده و تنها خواهان شریک شدن در قدرت سیاسی و چپاول هر چه بیشتر توده ها بود. بورژوازی لیبرال که از انقلاب توده ها به وحشت افتاده بود، بفکر سوار شدن بر جنبش و متوقف کردن آن افتساد سخنرانیهایی با زرگان، سنجایی، فروهر و... که در آنها توده ها را از دست بردن به سلاح و

که بزدلانه و حقیر  
با خمی دیوانهوار از راه سمرک  
و با کینه یک سرمایه دار تمام عیار  
رفیقا نما را میدزدند!!  
و آنرا در میادین  
وصاری دور از چشم  
سوراخ، سوراخ میکنند  
رجوع رفیقا نما را از ما میگردد  
آری!

اعمال قهر انقلابی با زمیندا شدند، نشا نکر این واقعیت بود. همچنین آنها اقدام به سیاهی رول واسطه ما بین خمینی از یکسو و امپریالیسم بورژوازی کمپرادور از سوی دیگر، نمودند که تمسهای با زرگان و سنجایی با سران ارتش حتی شاه، بیاننگر این امر است.

ولی جلوه بارز آنش و خیانت بورژوازی لیبرال را با ید در چهره کثیف بختیار ر جتجو نمود. او که از لیبرالهای "بنام" جنبه ملی بود با احرار زبست نخست وزیر و رژیم شاه اوج کندیدگی و عوام فریبی لیبرالها را بنمایش گذاشت. او نشان داد که بد رستی هیچ تفاوت ما هوی ما بین بورژوازی کمپرادور و کارگزار امپریالیسم با بورژوازی متوسط و لیبرال وجود ندارد. علاوه بر این تشکیل جمهوری اسلامی پس از قیام که حاصل سازشنا - رهبرانی چون بهشتیها و با زرگانها با امپریالیسم بود، با هیت ارتجاعی و گندیده بورژوازی لیبرال را کاملاً آشکار نمود.

### ۳- خرده بورژوازی مرفه سینی

نقش این قشر عمدتاً بوسیله نماینده سیاسی آن یعنی آیت الله خمینی برجسته میشود خمینی که بنا بر شرایط ویژه جامعه از یکسو و نبود قطب نیرو مند انقلابی از سوی دیگر، بینشوان "رهبری" جنبش از سوی توده ها پذیرفته شده بود، بنا بر ما هیت طبقاتی خود در دوران قبل از قیام منقشی متوازی را ایفا نمود. او که از عمیق شدن جنبش و حثت داد است. بدینسان توده ها (ونه پیشاپیش آنها) لنگ لنگان روان بودند حتی زمانیکه خلق شعار "رهبران ما را مسلح کنید" را فریاد میکرد، خمینی صحبت از "زمان جهاد" نرسیده است "میکرد، زمانیکه توده ها در کوچه و خیابان توسط ارتش آمریکا بی شاه کشتار میشدند، خمینی شعار "ارتش برادر است" سر میداد. او زمانیکه بورژوازی لیبرال در صدد سازش با امپریالیسم بود، با تائید عملی این مذاکرات و شرکت خود در ریکوی آن، سازش را تائید کرد. و سرانجام زمانیکه خلف سبق انقلابی با یکا بر بردن قهر خویش حماسه خونین بهمن ماه را می آفرید، نماینده سیاسی خرده - بورژوازی مرفه سنتی فرمان خلق سلاح توده ها و توقف عملیات انقلابی توده ها را صادر کرد.

آری، اینچنین بود که خرده بورژوازی مرفه سنتی در مقطع قیام متزلزلش به نفع ضد انقلاب از بین رفت و تبدیل به نیروی ضد - انقلابی گردید.

### ۴- دهقانان

عقب ماندگی عظیم جنبش دهقانسی وضعف نیروهای آگاه موجهل گردید که در شرایطی که جنبش توده های شهری در حال واچگیری مداوم بود و جنگهای خیابانی بین

اما قادر به خلق عشق به فرادیمان  
نخواهد بود  
اوشمی تواندا انقلاب را سد کنند،  
پس بگذارد هر چه میخواهد،  
چون گرگ کله  
رفیقا نما را با کینه پست سرمایه داریش  
پنهان از چشمها  
بر نایید  
پیرا که رفیقا نما را محمول آشتی ناپذیری طبقاتند

توده ها از یکطرف و ارتش رژیم شاه از سوی دیگر با شدت روز افزون درگیر بود. دهقانان ایران علیرغم کمکیاری اعده بودن در جنبش نقش فعالی نداشتند با شدت و زه بعد از قیام امپریالیسم رژیم شاه بود که امواج انقلاب به روستاها نیز رسید و مبارزات دهقانان با فتوادها و رژیم جمهوری اسلامی را دامن زد.

### ۵- خرده بورژوازی شهری (فقیر، متوسط)

از آنجا شیکه سیستم سرمایه داری وابسته و دیکتا توری رژیم شاه فشار زیادی را بر این بخش از توده ها وارد میساخت و از آنجا شیکه این بخش از توده ها بیشتر در معرض فشار گریهای آگاهها که نسبت به رژیم شاه بودند و ضمن از تمرکز نیز بر خود را بودند، و با لآخره از آنجا شیکه طبقه کارگران ایران نتوانسته بودند نقش بیشتنازی ورهبری خود را در جنبش توده ها ایفا نماید، بنا بر این خرده بورژوازی شهری بیشترین و موثرترین نقش را در جریان جنبش توده ای و نهایی قیام، به عهده داشت. اجتماعات و راهیما نیهای میلیونی در شهر - های بزرگ و شرکت فعال و همه جا نیه توده - های شهری در این مبارزات تگواها را از این واقعیت میساخت.

### ۶- طبقه کارگر (پرولتاریا)

فقدان آگاهی کمونیستی و خود بخودی بودن جنبش طبقه کارگر علیرغم وجود مبارزات قهرمانانه ای چون اعتصاب صنعت نفت، از یکسو و جوانی و ضعف شدید جنبش آگاه این طبقه (جنبش کمونیستی)، از سوی دیگر موجب گردید تا طبقه کارگر در مقطع قیام نتواند نقش تاریخی خود را در رهبری مبارزات دمکراتیک و فدا میباید لیستی خلق ایفا نماید. زمانیکه توده های شهری در خیابانها حول زواری سیاسی به مبارزه قهر آمیز با رژیم دست زده بودند، کارگران زیادی تازه مشغول انجام مبارزات اقتصادی خویش بودند و جنبش کمونیستی که وظیفه اش پیوند دادن مبارزات کارگری به جنبش سیاسی توده ها و شرکت دادن این طبقه در قیام آگاه کردن طبقه کارگر به وظایف تاریخی اش بود، خود هنوز در راهاننده احزابهای تنگ مشی خرده بورژوازی چریکی، در کمند اگونومیسم کزفتا رده بود و هیالکماکان در اندیشه های نشی چریکی در بند بود. بدین لحاظ در زمان قیام تاریخی بهمن ماه طبقه کارگر فاقد استقلال بود و اگرچه جایزایهای بسیاری انجام داد و با شرکت خود در مبارزات آنرا تعمیق بخشید، اما به سبب فقدان سازماندهی و فقدان آگاهی کمونیستی نتوانست بهر خود را بر جنبش توده ای یکپرده و بنا گذرید. ل خرده بورژوازی و بورژوازی روان گردید.

و اینست که آنان دوباره میرویند  
از میان خشم توده ها به بورژوازی  
و آنان مدام در راه و در کار رند  
بسیار انقلاب  
(۱) - منافقانه عکس از رفیق فعلا در دست  
ندا شتیم.



بقیه از صفحه ۱

# قیام خونین ۲۲ بهمن آتششان خشم یک خلق پیا خاسته!

اوجگیری جنبش توده مردم در سال ۵۷ - ۵۶  
داده شده حدت یابی تضادهای طبقاتی  
ی جامعه تا حد انفجار رسید، تضادهای که  
اینجا مسلمانان در از وطن فروشیهای رژیم  
اثن و تسلط کامل امپریالیسم و  
استعمار روبه رگی بی حد و حصر و حتمتکشان بر  
روی هم انباشت شده و وضعیت اقتصادی جامعه  
ما را در فقرای یک بحران، همه جا نهم فرسود  
برده بود، بحران مسکن تنها یکی از جلوه های  
این بحران نهم جا گیر و فزاینده بود، اما یکی  
از بارزترین و ملموسترین جلوه های آن، در  
حقیقت بحران مسکن را به یکی از اشتهای -  
ترین نیازهای مردم تبدیل کرده بود.  
این چنین بود که در او خرابستان ۵۶  
خاشه نشینان "خارج از محدوده" برسومستله  
مسکن بحرکت درآمده و سرآغاز جنبش عظیمی  
شدند که قریب یکسال و نیم بعد از آن بساط  
ننگین رژیم و سلطنت را به زباله دان تاریخ  
فرستاد.

در پی آمد همین مبارزات دلیرانه  
مردم خارج از محدوده بود که آتش قیامهای  
توده های در قسوس در تبریز و متعاقب آن در  
۱۲ شهر بزرگ ایران را فروخته شد.  
شهریور ۱۳۵۷ فرا میرسد، جنبش دیگر  
سر تا سر شده است. وضعیت انقلابی سریعاً در  
حال تکوین مییابد، در بالا در صف ارتجاع  
حاکم کا بینه ها در حال تغییر هستند. مهره -  
های ارتجاع در مجلسین و خارج آن سخت در هم  
آشفته و در مقابل هم قرا میگیرند، ارتش  
شا هنشاهی، این گزند امپریالیسم نیز به  
اقتضای پوسیدگی درونیش در حال شکاف بر-  
داشتن است. توده های مردم دیگر حاضر  
نیستند رژیم سلطنت را تحمل کنند و به تدریج  
مصمم میگرددند که سلطه جا بر شاه کاملاً بر-  
انداخته و بنیای زندگی نوین را پی ریزند.  
نیجی از شهریور ما گذشته بود، خون در  
رگ خلق میجوشید، در روزها نهم توده های  
خلق نظا هرات عظیمی در تهران برگزار نمودند  
در این روزها ران هزار نفر از خلق زحمتکش  
در خیا با نهی تهران اراده آهنین خود را  
برای تغییر سیستم موجود، به معرض نما ییش  
گذا شتند، نظا هرات ۱۶ شهریور آنچنان بر سر  
هیبت و طلایب بود، آن چنان نما ییشگرا راد ه  
پولادین خلق بود که تا اعماق استخوان لزره  
براندا م رژیم افتاد و تنها دستگا ههای سر-  
کوبگر خویش از ارتش و پلیس و سا وا ک گرفته تا

از این پس صورت آشکار تر و با هویت روشن  
و ا در عرصه نبرد طبقه ای میشود، در این شراب  
اگر چه کارگران دلاور ما فعلاً نه در جنبش حاضر  
دارند اما آن نهموز به سوسیالیسم علمی بس  
تنها ایدئولوژی رهائی بخش مسلح نشده اند  
و به همین خاطر مبارزات آنها اساساً در چار  
جوب جنبش عام دمکراتیک مستحیل گردیده  
است، از بعد از ۱۷ شهریور اعتصابات کارگری  
همواره نقش بارزتری در تکامل جنبش پیدا  
میکنند، این مبارزات نشان میداد که طبقه  
کارگری نیروی اصلی تعمیق کننده مبارزات  
خلق است! اعتصاب قهرمانانه و عظیم نفت -  
گران جنوب خون تازه ای بود در پیگری جنبش  
کارگران نفت جنوب نشان دادند که:

**"تمامی چرخهای ایستند"**  
**"اگر با زوان تو نخواهد"**

البته اینها هنوز هیچ کدام به مفهوم صف  
مستقل کارگری محسوب نمی گردید، اما طبقه  
کارگرنشان میدادند که در راه انقلاب پیروزمند  
تا جقدر حاضران به مبارزه میباشند، طبقه

انقلابی وی عمل مستقیم خودش بود.  
آزمون عظیم ۱۷ شهریور عملاً به خلق  
آموخت که آزادی و پیروزی را کسی به کسی  
هدیه نمی دهد و آن رانمی توان ملتصا نه  
تکدی کرد.  
سروش آزادی و پیروزی فقط و فقط در  
میدان نبرد خونین تعیین میشود.

بوروکراسی عریض و طویل را بشدیدترین و  
فعالترین وجهی بکار انداخت.  
مردم در عمر ۱۶ شهریور با این شعار  
خیا با نه را ترک کردند:  
فردا صبح ۸ صبح، میدان زاله (شهدا)  
در ۱۷ شهریور، پس از گذشت یکسال  
مبارزه و مقاومت لاینقطع جنبش در نخستین  
مرحله خویش به نقطه اوج رسید، از صبح زود  
حتی ساعتها قبل از ساعت ۸ توده های مردم  
فوج فوج به میدان شهدا سرا زیر میشدند.  
در آن روز خلق عظیم، با عزمی پولادین،  
گامی بزرگ در جهت نبرد نهائی بر میدارد،  
زیرا که میدان:  
روز قطعی جدال است  
آخرین رزم ما  
.....

در مقابل صف خلق، ارتش فذ خلقی، این  
عمده ترین تکیه گاه نظامی، این گزند  
امپریالیسم که "بفرموده خمینی  
برادر ما ست" آن روز در ۱۷ شهریور بفرموده  
شاه جلادها را ن نفرا ز فرزندانش این خلق  
غیور را بگلوله بست و خون سرخشان بر سنگفرین  
کچو خویا با ن جاری شد.

۱۷ شهریور ۵۷ تنها از این جهت که خلق  
زحمتکش در این روز قهرمانانها کرد و بر سر  
علی یورش برد و دشمن نیز مطابق با منطق  
ارتجاعی خود خویشگری و چنان نت را بعداً علی  
رسانید، در تاریخ مبارزات طبقاتی میهن  
ما ثبت شده است، بلکه اهمیت این روز  
تاریخی بیشتر به لحاظ درسیهای آموخته آن  
میباشد، اهمیت این درسیها از آن جهت گرانقدر  
است که حاصل تجربه مستقیم خلقی است که در  
حساسترین لحظات حیا فادیک رهبری  
مجرب و انقلابی بوده و تنها معلم و راهرواقعا



رژیم شاه مزد و در ۱۷ شهریور توده ها را به خون کشید. اما خون آنها قیام ۲۲  
بهمن را شکوفا ساخت

کارگربا قاطعیت و پیگیری خود به حرکت  
مجموعه خلق توان و ولایت بیشتری میبخشید.  
در این دوره است که جنبش بیش از پیش  
را دیکال میشود، سرنگونی رژیم سلطنتی در  
دستور کار توده ها قرار میگیرد، شعار "مرگ بر  
این حکومت پهلوی" به رایج ترین شعار  
تبدیل میشود، این شعار در واقع بیان تمامی  
خواستهای یک خلق بود، توده های ستمدیده  
با بیان این شعار با بودی سیستمی را مدنظر  
داشتند که امپریالیستها و سرما به داران خون  
- خوار آن را به ابرت در آورده بودند،  
اگر چه به سبب ضعف عنصر آگاه توده ها نسبت به  
اهداف انقلاب دیدگاه روشنی نداشتند اما  
این شعار برای توده ها سمبول استقلال و  
آزادی واقعی بود.

از بعد از ۱۷ شهریور را دیکالیسم و انقلابی  
گری بیش از پیش در بین کارگران و توده -  
های زحمتکش تقویت میشود، اما به همان اندازه  
سازگاری و خیا نت در میان دوستان دروغین  
خلق یعنی بورژوازی لیبرال بیشتر جنبه  
عملی بخود میگیرد.

رژیم فاشیستی شاه به فرمان اربابانش  
در پنتاگون یک قدم در مقابل جنبش عظیم خلق  
عقب نشسته بود و در اوائل شهریور کابینه  
شریف امامی را تحت عنوان دروغین "آشتی  
ملی" بر سر کار آورد، ترکیب این کابینه

آزمون ۱۷ شهریور به خلق آموخت که  
قهرمسلحانه قانوعا خود شهن پذیر مبارزه  
طبقه ای است. خلق ما محت این گفته ما رکس  
را با ردیگر به شیوت رسا نید که:

"اسلحه انتقاد، البته نمی تواند جا یگزین  
انتقاد دوسویه اسلحه گردد."

آزمون ۱۷ شهریور به خلق آموخت که برای  
رسیدن به آزادی و پیروزی از سختیها نباید  
هراسید، مرگ را با ید نقد ر حقیر شمرد که  
بزرگترین وحشیگریهای ارتجاع تنها خودوی  
را به وحشت اندازد.

اینجا همه درسیهای بود که خلق بسودن  
آموخت و تجربه کردن آن در ۱۷ شهریور نمی-  
توانست در ۲۲ بهمن آنها را بکار نیندند.  
درسیها و آموزشهای ۱۷ شهریور تا شجرات  
مستقیم آن برجش توده ها آنقدر بر اهمیت  
بود که از آن پس جنبش عملاً وارد به مرحله  
جدیدی از سیر تکاملی خود گردید. مرحله ای که  
موقعیت انقلابی برای قیام مسلحانه، برای  
انقلاب توده ای فرا رسیده بود. از آن پس  
اوضاع شدیداً به نفع انقلاب تکامل یافت.

## پیگیری طبقه کارگر و خیانت بورژوازی لیبرال

طبقه کارگران ایران این آشتی نا پذیر-  
ترین دشمن امپریالیسم و ارتجاع داخلی



توده های انقلابی خود را برای ۱۷ شهریور مجهز می کنند

تجربه قیام ۲۲ بهمن، نشانگر ضرورت رهبری طبقه کارگر در مبارزات دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهاست

میباست بورژوازی لیبرال و زروا نیون  
وایسته مانند شریعتمداری و نمایندگان کمتر  
آبرویا خسته بورژوازی کمیرا دوررا حول محور  
سلطنت محدود شده، متحدسا خسته و خرده بورژوازی  
سنستی را به سکوت تا شیدآ میزیکشا نسند

ابتدا طرحی پیشنها دمیثودمیینی برر  
تشکیل دولتی به صدآرت صدیقی یعنی کسی  
که درکا بینه صدق نیزشکرت داشت و نماینده  
به اضلاح بورژوازی ملی به حساب می آمد .  
اما چنین طرحها و عقب نشیننها ئی قبل از  
انگه اصلا و عملا جدی گرفته شود، ازجا نسب



زنده باد طبقه کارگرایان : کارگران صنعت نفت

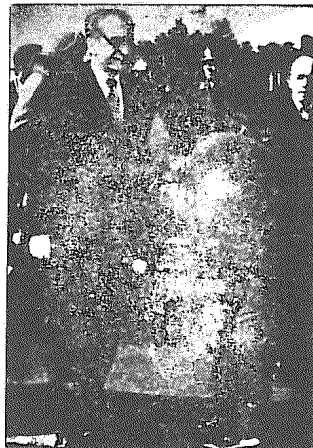
در جریان اعتصابات تاریخی خود، اعتصابات که رژیم شاه راضی کرد .

خلق مهررا بطلال دریافت می نمود، زیرا که  
بعدهنشین آن چنان بود که عرصه نبرد توده ها  
صحنه تعیین سیاست بشمار می آمد .  
شعار "به همت توده ها، به قدرت مسلسل  
شاه ترا می کشیم" آنچنان جنبه واقعی بخود  
گرفته بود که برای امیریا لیسوم و ارتجاع حاکم  
و بورژوازی لیبرال خائن هیچ راهی جز  
فدا کردن شاه و سلطنت باقی نمانده بود .

سازش امیریا لیسوم و لیبرالهای خائن

امیریا لیسوم آمریکا از مدت ها پیش برای  
تصمیم گیری نهائی هیات بررسی "جرج پال"  
را به ایران فرستاده بود. تمام بررسیها و  
تحقیقات گروه جرج پال وایسته به جناح به  
اصلاح لیبرال آمریکا و ازبایی ژنرال  
هویرازا ارتش ایران که طی اقامتش در ایران  
صورت گرفت، بنا نظر بر آن بود که حفظ سیستم  
یک پارچگی ارتش با توجه به اجداد بودن شرایط  
جزبا کنار گذاشتن شاه و وسیردن وظایف مربوطه  
به شورای سلطنت، امکان پذیر نیست .  
در کفرانئس گوا دولوب که به منظور  
بررسی وضعیت ایران و تصمیم گیری نهائی  
با شرکت چها ر کشور آمریکا، انگلیس، آلمان  
و فرانسه تشکیل گردید، طرح جرج پال یعنی  
کنار گذاشتن شاه و حواپت انزورای سلطنت و  
دولت بختی را پذیرفته شد .

در ۲۶ دیماه، شاه این نتگن ترین  
عتمر سلطنت، این جلادی که ۳۷ سال دستش تا  
مفرق به خون هزاران شهید قهرمان ۹ غنشته  
بود، به برکت قهرمانی و مبارزات عسور و  
آفرین مردم زحمتکش سینمان از ایران فرار  
کرد .



مبارزات توده ها شاه جنایتکار داد  
پس از سالها خیانت فراری داد

روزنامه ها در درشتترین تیرنوشتند :  
"شاه رفت" مردم پیا یگوبان در همه جا فریاد  
برآوردند : "جلاد در رفیت" مردم بزرگترین  
دست آورد بیش از یکسال مبارزه خونبارشان  
را با تمام وجود محس میگردند و به یکدیگر تبریک  
میگفتند، با فرار شاه عملا عصاره تکیت بار، دو  
هزاروپا تمدسا له یعنی سلطنت بدورا نداخته  
شد. واژگونی تخت شاهی قبل از هر چیز  
نتیجه آگاهی و عمل توده ها میبا شده نظر  
که ما رکن گفت :

"قدرت مادی با پیدیه همان صورت توسط  
قدرت مادی درهم شکسته شود. ولی تئوری  
همه به محض اینکه از طرف توده ها درک شد،  
به نیروی مادی تبدیل میشود."

پس این قدرت وارد کرده کارگران و توده های  
خلق بود که شاه را فراری داد و بساط سلطنتش  
را برچید و نه قدرتی آسمانی !

اگرچه توده های مردم در این دوران علی  
- العموم، مبارزات و دلاوریهای خود را در  
تحت لوای مذهب انجام میدهند، اما درست بر  
- خلاف عوام فریبیهای بورژوازی و خرده -  
بورژوازی مذهب و انگیزه های مذهبی محرک  
این مبارزات نمی باشد. اصلا این مذهب  
نیست که چیزی برای عرضه کردن دارد، بلکه  
این کارگران و توده ها هستند که به علت  
فقدان آگاهی طبقاتی و دور افتادن از آید -  
ولوژی سوسیالیستی و انقلابی از پوشش  
ایدئولوژیک - فکری مذهب برای پیش برد  
مبارزات خود استفاده میکنند و هر چه مبارزه  
شده ها به لحاظ آن آخرین جدال نزدیکتر  
میشود، این پوشش ایدئولوژیک - فکری  
مذهب خود به سد مانعی در راه پیشرفت انقلاب  
تبدیل میشود. مثلا خمینی در حالیکه بر اساس  
گرایش طبقاتی و تحت تاثیر قاطعیت  
مبارزاتی توده ها از یک سوم مجبور است خطاب  
به شاه بگوید : "توبه تودر پیش مردم پذیرفته  
نیست ... ما نمی توانیم توبه تورا بپذیریم  
توبه برگرمگ است." اما از سوی دیگر  
تزلزل رویه افزایش یابیده آلیسم مذهبی به  
حکم میکنند که بگوید : "البته اگر توبه حقیقی  
بکنی و مال مردم را به دستشان برگردانی و  
همه جنایات را جبران نمائی، ممکن است  
خدا وند بزرگ توبه تورا بپذیرد، اما ملست  
نمی پذیرد" (تلفظ خمینی در ۵۷/۲/۱۳)

آنچه روحانیت خوانده میشود طیف ناس -  
همگونی است که افراد آن از نظر شیوه  
زندگی، سطح درآمد، طرز تفکر و خواسته های  
اجتماعی انتگاسی از اقشار و طبقات  
مختلف جامعه میباشند. بائین ترین بخش  
روحانیت باتوده خرده بورژوازی فقیر قابل قیاس  
بوده و نیز منافع سایر اقشار اجتماع را  
خرده بورژوازی مرفه، بورژوازی متوسط و  
بورژوازی بزرگ کمیرا دورد رطیف روحانیت  
منعکس است. رهبری روحانیت همان مراجع  
تقلید میباشند که به برکت دریافت سهم مام  
کلان بیشتر با اقشار مرفه و بالائی جامعه  
نزدیکی دارند. چنین طیف نامگونی، با  
توجه به زمینه فکری - مذهبی در میان مردم،  
خود را به مثابه تشکیلات اصلی جنبش بر توده -  
ها تحمیل نموده بود .

همفقدان یک رهبری کمونیستی و هم  
ریشه های هزاروچهارصدساله مذهب در اعتقاد  
شده ها موجب آن گردید که جنبش توده ها به  
رنگ مذهب درآید. عموما آنجا که طبقه کارگرو  
شده ها از آگاهی طبقاتی و ایدئولوژی  
سوسیالیستی و انقلابی بدور میباشند، مبارزات  
حق طلبانه خود را در پوشش مذهب انجام می -  
دهند. بنابراین نیروی محرکه جنبش توده ها  
نه مذهب بلکه تضادهای طبقاتی است .  
روحانیت قبل از قیام نقش پیشرو نداشت  
روحانیت در تمام طول جنبش به اعتبار

نقش معنوی خود را بکنه مضمون حرکت توده -  
ها در جهت انهدا مسیستم کام عمق یا بدجلو -  
گیری کرده و کوشید با خلاصه کردن مبارزات خلق  
در مسئله شخصی شاه و سلطنت مبارزات توده ها  
را در حد فرمودت به دست شدن قدرت محدود  
نمایند ...

آنجا که توده ها فریاد اسلحه و جنگ  
مسلمانانه میزدند خمینی میگفت وقت جهاد  
ترسیده و مترقی ترین چهره روحانیت، آیت  
الله طالقانی "سلاح مظلومیت" را برای  
توده ها تجویز میگرد، آنجا که با لخره در ۲۲  
بهمن توده ها اسلحه برکف گرفته با زمین  
آیت الله طالقانی آن را "حادثه ای که از  
سوی برخی مسئولان جزء برای ایجا دا اختلاف  
و برادر کشی در میان ارتش طرح ریزی شده

است" خوا ندو فرمان داد که "طرفین درگیری  
دست از ستیزه بردارند و سر با زخا نه ها بر -  
گردند، (ا علامیه آیت .. طالقانی ۲۲ بهمن)  
گارد جاویدان شاهنشاهی توده های مردم و  
همانرا ن دلیرا قتل عام میکند، آیت الله  
طالقانی آن را برادر کشی و اختلاف می -  
نامد و مقصر هم مسئولان جزء - یعنی همانرا ن  
میشوند و نه خسرو داد و بدیداره ای و امثالهم .

در بحبوحه قیام که خلق تنها جش را مدتها  
است آغاز کرده و با یگایهای دشمن را یکی  
پس از دیگری تسخیر میکند، آیت الله خمینی  
در ۲۱ بهمن اعلامیه م در می کند :

"هنوز دستورها دمقدس ندادهام و ونیز  
ما یلتم ما لمت حفظ وقفا یا موافق  
آرای ملت (درواقع موافق ردهنده های بهشتی  
و با زرگان و هویر و) و موازین قانونی  
حل شود ...

اخطار می کند که اگر دست از این برادر کشی  
برندارند و لشکر گارده محل خودش بر -  
نگردند و از طرف مقامات ارتش از این  
تعدیات جلوگیری نشود تصمیم آخرم را  
بامید خدا میگیرم"

خلق مسلح بی اعتنا به این آشتی طلبی  
- ها و سازشکاریها، حلقه محارمه گارد را  
شکسته و در پی انهدا مگامل آنت است، اما خمینی  
میگوید هنوز دستورها دنده اها موملتمسانه  
با زرگان لشکر گارده می خواهد که به محل خودش  
بازگردد .

احتیاج به توضیح نیست، خمینی مدافع  
را دیگالیسم جنبش توده ها نیست، بلکه بسا  
تزلزلات شدید خود به سازش بورژوازی لیبرال  
و امیریا لیسوم فتوا داده و توده ها را تنبیه  
متابعت از آن فرامیخواند .

سمت گیری اصلی خمینی دست انجام  
معلوم میگرد که با فرمان نخست وزیر  
با زرگان رهبری قدرت سیاسی را به دست  
بورژوازی میسپارد .

آری اینهاست معیار رفتار و در جنبشی  
که طبقه کارگرنقش رهبری توده ها را ندارد ،  
در جنبشی که کمونیستها حضور فعال و هدا یست  
کننده ندادند و رهبری وسازماندهی بدست  
لیبرالهای مثل سنجایی و با زرگان افتاده  
است، در جنبشی که رکیست - لنینیستها  
به سبب ضعف خود نتوانستند، اندکان هدا یست  
آنرا به عهده بگیرند و افراد شدیداً متزلزلی  
چون آیت الله خمینی دارای نفوذ گسترده ای  
میباشند، آری در چنین شرایطی، جنبش نمی -  
تواند به سرانجام پیروز مندش نائل آید .

### توده‌ها فریاد میزدند: "رهبران ما را مسلح کنید، اما..."

۲۶ دیماه تا ۲۲ بهمن ماه در تاریخ کمترین آریکا ما است. اما سیر حوادث ایران در این مدت کوتاه بقدری بزرگ بود که شاید سیرتغییرات طی ده سال قابل قیاس باشد. در این مدت یعنی از فرار شاه تا سرنگونی تخت شاهی هم در صفت خلق و هم در صفت ارتجاع و قیام پیراهمی رخ داد.

کارگران، زمینکنان و سایر اقشار رطلی پس از بیرون راندن شاه پیش از پیش بقدرت مبارزاتی خویش بی بردند و نا بودی کا مسلطت را طلب می نمودند توده های مردم بویژه کارگران و سایر زمینکنان بطور عینی درازین - بردن سلطنت، نا بودی سرما پدها ری وابسته و سلطه امپریالیسم را جستجو میکردند. شعار "پیروزی نهائی - اخراج آمریکا" "بی بی - از پیش نهائی" را بیج تبدیل میشود. اگر چه این شعار از نظر مضمون هژورکا مل نیست و خواسته های مشترک حداقل کارگران و سایر زمینکنان و اقشار رطلی را منکس نمیکند، اما نشانه توده ها است که خلق با به اخراج شاه به تنهایی رضا نخواهد داد. طبقه کارگر و توده ها - ها در دست برخلاف "رهبران" پیچیده روی خواهان توقف در نیمه راه انبندند. طبقه کارگر و توده ها نا میخواندند، ممکن میخواستند آزادی و دمکراسی و استقلال میخواستند طبقه کارگر و توده ها بهداشت، تحصیل و آموزش وضعیت زندگی بهتر، تامین کار و افسره توده ها یک زندگی بدون بیم و هراس، بسک زندگی امیدبخش و یک زندگی نوین میخواستند و برای این همه توده ها احتیاج به حاکمیت بر سر نوشت خویش داشتند. توده ها در این راه اما در هر نوع جان فشانی و قربانی و فدکاری بودند. توده ها پیش از پیش و تا حدی بصورت انعکاسی در مقابل سرکوب مسلحانه رژیم به ضرورت جنگ مسلحانه بنامه عالیترین شکل مبارزه پی میبردند. شعار "تنها رهائی - جنگ مسلحانه" بهرا بجزترین شعارها تبدیل شده بود. جنبش عظیم کارگران و سایر توده ها، محروم از ستاد رهبری کشته انقلابی یعنی حزب راستین طبقه کارگر، همچنان با کامیابی استوار به پیش میرفت.

از اول بهمن ماه جنبش با زهم اوچ فزون - تری گرفت. توده ها دیگر کاملاً در حال تعارض بودند. در مقابل دولت بختیاردست به سرکوب وحشیانه زد. در ۷ بهمن ماه تظاهرات شکل مارش بخود گرفت. در ۸ بهمن ماه در حالی که رهبران در گوش خلق موعظه میکردند: "ارتش برای درماست" و "وقتها میدادند: انتظار از عموم مردم مسلمان ایران آنست که نسبت به عموم کسان که در ارتش خدمت میکنند کمال مهربانی و محبت و برادری روا دارند... آنان را حق بیگردن ملت است" (آیت الله روحانی) ارتش بدستور بختیارد بر روی تظاهرات کتند - گان آتش گشود و تنها در جلود آنگاه بنا بر نوشته اطلاعات ۵۷/۱۱/۹: "اقدامات خشونت - با رنظامیان مستقر در ستاد در زاندار می ۷۰ کشته و ۵۰ مجروح برجای نهاد." توده ها دیگر کاملاً آما تده قیام شده بودند و در همه جا فریاد میزدند: "رهبران، رهبران ما را مسلح کنید." اما رهبران نا رهبرینی از آنکه بفکر مسلح کردن توده ها باشند، در فکر انجام هر چه سریعتر سازش تاریخی خود با امپریالیسم بودند. حتی رهبری خرده بورژوازی مرفه - سنتی هم که بر سر برخی مواقع مثل مسئله سلطنت تا حد معینی قاطعیت از خود نشان

داده بود، اینک با تپیدهای توخالی از قبیل "حرف آخر را خواهیم زد" و "هنوز فرمان جبهه ندادیم" عملاً بصورت سدوماخی در مقابل او کجبری جنبش توده ها قرار گرفته بود و به جا ده صاف کن قدرت یابی بورژوازی لیبرال ارتجاعی تبدیل شده بود.

بود، بلکه بعداً زقیما هم با کاردا رسفاسارت آمریکا مدا و ما نشست و برخاست داشته است. بالاخره ژنرال هویز در اسرع وقت هم سران ارتش و هم سران بورژوا لیبرال جنبش را بر روی یک خط انتقال مساومت آمیز قدرت متحد مینماید. ۱۷۰ بهمن ماه خمینی فتسوی



ببینید چگونه ارتش مزد ور شاهنشاهی بسوی خلق ماشلیک میکند! اما در همین زمان آیت الله خمینی می گفت: "ارتش برادرماست!"

بعد از فرار شاه در ۲۶ دیماه در اردوگاه دشمن اصلی شکاف با زهم عمیقتر میگردد. در مملکت داری بدست لیبرال خائنی بنام شاه پوربختیاری افتاد. ارتش این تکیه گاه اصلی حکومت آشکارا به دو جناح تقسیم میگردد. جناح سرخست طرفدار حفظ سلطنت که از یکسال سربست کوسیدن ارتجاع هنوز عبرت نگرفته بود و جناحی که آما میحیات را در گروسا زش امتیاز دان و قربانی کردن سلطنت میدید. فاشیستهای منفوری چون خسرو دادو نشاط و بدره ای و جعفری و عربده میکشیدند که "وظیفه ما فقط حفظ تاج و تخت است" در مقابل، قره - باغی این سک دیروزی شاه که در کابینه شریفامی و از هاری نقش بسیار مهمی در کشتار خلق داشت، اینک در مقابل ستاد قرار گرفته و موظف است که بعنوان خر میسرده انتقال مساومت آمیز قدرت ادای وظیفه نماید. قره باغی به جناح دیگر نهیب میزند که "کودتا در ارتش با قدرت سرکوب خواهد شد."

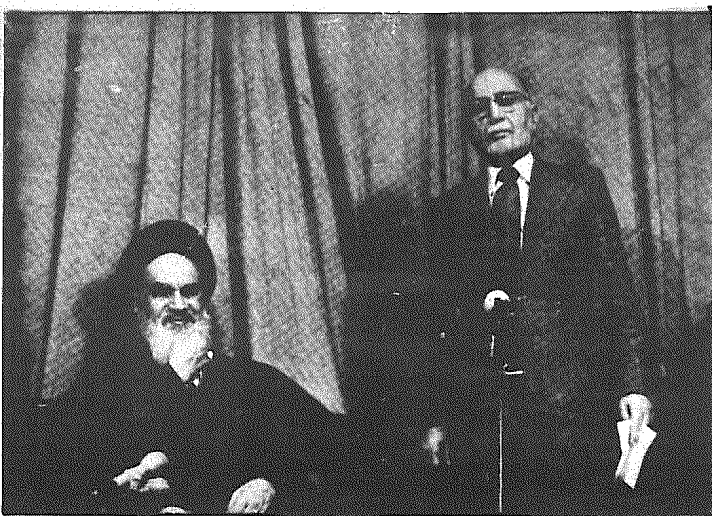
در همین زمان است که ژنرال هویز برای جلوگیری از تشنج و درگیری بین این جناحها اعمالی از قبیل کودتا که امپریالیسم آمریکا را وارد در جنگی بنامه بده که موجب تشدید مبارزه طبقاتی گردیده، ایران میآید. دولت بختیارد ژنرال هویز، قره باغی ها، شریعتمداری ها سنجایی ها، با زرگانها، بهشتی ها، فرستجانی - ها و سپس پس از زور و خمینی، بنی مزدور دیگر همراها ن با تمام نیرو و تلاش دارنده هر چه سریعتر جنبش عظیم توده های محروم و پابرهنه را در مسلح سازش و تقسیم غنا کم قریانی کنند "سران جنبش و سران ضد جنبش مرتب در حال مذاکره و جاره جوشی هستند. بختیارد را با رها اعلام نمود که با مهندس با زرگان در حال مذاکره و مشاوره بوده و در اکثر موارد زدنیز اتفاق نظر بوده است. با زرگان هم هیچ گاه بیسن اظهارات بختیارد را نکذیب نکرد. با توافق خمینی بهشتی، ایس سر کرده با نندبیکاران حزب جمهوری ورثیس کنونی دیوان عالی کشور نیز با ژنرال هویز را این کار جا کن پنتاگون بر سر مالح جنبش و مناقع خلق به زد و بند - پرداخته و طبق اسنادی که اینک از جاسوخانه آمریکا بدست آمده بهشتی نه تنها در آن زمان برای متوقف کردن جنبش با هویز زد و پندی نمود و نه تنها اوکا نندید برای "شورای سلطنت"

فصدکوتا تدارد و فرماندهان آن "جرتی از ملت" میباشند.

ژنرال هویز قبلاً گفته بود: "وقتی که وا شنکتان از حمايت شاه و پوختیارد دست بردارد همه عداوتها نسبت به آمریکا از میان خواهد رفت" و بر اساس این طرح سازش با لیبرالها را تحقق می بخشد و وعده آشتی از خمینی می - گیرد و سپس راهی پنتاگون میگردد. بدین - ترتیب بود که توطئه علیه جنبش دلیرانه خلق - های ایران طرح ریزی میشود و در شرا بسط فقدان حزب کمونیست ایران قیام مدر نیمه راه متوقف میگردد.

آری جنبش که استوار به پیش آمده بود و هزاران هزار رهبرید قهرمان در راه پیروزی آن فداکاری و جان نثاری نمودند تا پرچم سرخ آیرا پیروز مینماید نه بر آفرزند، با خیا نته های بی شما لیبرالها و سازش خرده بورژوازی مرفه سنتی نتوانست قیام را بسرا نجا مبرسانند.

البته علیرغم توطئه ها، خیا نته ها و سازشها جنبش به پیش روی خود ادامه داد. امپریالیسم لیبرالها و آیت الله خمینی نمی خواستند توده ها مسلح شوند و به تعرض انقلابی و مسلحانه دست بزنند، آنان نمی خواستند به ارتش شاهنشاهی و دیگر نهادهای سرکوب ضربه ای وارد آید، آنان میخواستند انتقال قسودت بطور مساومت آمیز به پیش رود، اما جنبش تونده خلقهای ایران این محاسبه فدا انقلابی را بزم زد و بسوی قیام ۲۲ بهمن سنگینی نمود



دولت موقت که محصول بازرگانها، بهشتی ها و هویز آمریکائی بود تشکیل میشود

### روزهای قیام بهمن و سقوط رژیم سلطنتی شاه خائن

۱۹ بهمن ۵۷ فرا میرسد. موج تظاهرات تهران و بسیاری از شهرهای بزرگ را فرا گرفته است. روحیه عصیان و شورش شما ملی خلق را در خود فرو برده است. همه چیز سرعت در حال تغییر است. مردم در همه جا سقوط دولت بختیارد، این توطئه جدید آمریکا را طلب میکنند. مردم تصمیم نهائی را گرفته اند. ترس از مرگ تمام ساجای خود را به استقبال از مرگ داده است. مہرگر بیش از هزار چیز در ذهن توده ها حفر شده است. توده ها خود را در یک قدمی پیروزی حس میکنند و برای رسیدن به آن اسلحه میخواهند.

"رهبران، رهبران، ما را مسلح کنید" در ذهن مردم جا بازمیگردد. بدست آوردن اسلحه ستوالی که بر لبیان همگان نقش بسته بود، با

خمینی در بیانه ۱۷ دیماه خود میگوید: "مردم ایران به ارتش احتیاج دارند و به آن امرانی احترام میگذارند... ما به ارتش زبانه امرانی که درست عمل کرده اند احترام میگذاریم." آیت الله طالقانی نیز به تبعیت از جریان حاکم که انکاسی از نا بیگیری طبقاتی - اش بود میگوید: "تا بحال جلومردم را گرفته - ایم و به آنها گفته ایم با سلاح مظلومیت ضدا پشان را بگوش دنیا برسانند. مردم کشته دادند ولی یک گلوله بسوی ارتشی ها خالی نکردند."

لیبرالهای خائنی چون سنجایی گفته بود: "ارتش عنصر ملی ایران است و به این عنوان با بدمورد احترام ملت ایران باشد." و بالاخره با زرگان خائن نیز در پشتیبانی از ارتش آمریکا مطرح ساخته بود: "پس از روشن شدن واقعه ای که برای ارتش بویژه ارتشید قره باغی داده اند میتوان گفت که ارتش

افروخته شدن آن کافی است.

بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه، اینک بزرگترین سدره قیام شده اند و لذا توده های

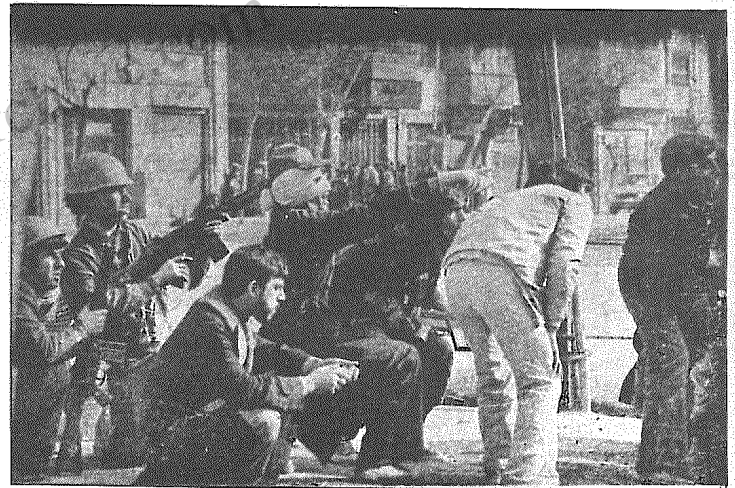
فکر این سؤال مردم پنجاه و نه ساله (۱۹ بهمن ۵۷) خیا با آنها را ترک میگویند.



خلق ماکشته داد تا به پیروزی برسد، اما نارهبان با خیانت خود قیام را در نیمراه متوقف ساختند.

مردم در عین حمایت آنها در حرف، در عمل دیگر از پذیرش آنها تمرد نموده اند. غروب جمعه ۲۵ بهمن، همافران مبارز نیروی هوایی در مرکز آموزش "فرح آباد" دست زدن به تظاهرات در پایتخت را به جنبش

جمعه بیستم بهمن: دیگر طغیان، عصیان و روحیه قیام سرا بر وجود توده ها را فرا گرفته است. دیگر هیچ چیزی نمیتواند آنها را از حرکت جلوی بزرگوارانمان برای کسب آزادی و پیروزی مصمم اند:



پیام قیام بهمن: تنها به زور اسلحه می توان دشمن را شکست

می پیونده، گاردیها، مزدور بیدستور سرخست-ترین جناح ارتش یعنی خسرو دها و بدره ایها آماده کودتا شده اند و مرکز آموزش نیروی هوایی را محاصره کرده و جنگ آغاز میشود. چرخ روشن شده است و غرش رگبار مسلسلها اینک قیام قیام مسلحان را در میگیرد. صبح شنبه ۲۱ بهمن توده های جان بر-کف و انقلابیون مسلح بسوی محل درگیری همافران مبارز با گاردیها سرازیر میشوند. قیام آغاز شده است. مردم در اطراف فرح آباد تفریها و تانکهای گاردیها را به آتش کشیدند. قیام مسلحان که در ۲۱ بهمن نخست دز شش تهران شروع شده بود، بلافاصله تمام تهران را فرا گرفت و گاردیها با دادن تلفات سنگینی شکست خوردند. خیا با آنها یکی پس از دیگری سربندی میشود، دشمن شکست خورده و سولی ما یوسانه از تلاش با زنا یستاده، نتواند دست به کودتا بزند. دشمن که انتظار چنین شکستی را نداشت، در اولین لحظات در ساعت ۲ بعد

"برخی زای داغ لعنت خورده دنیا ی قهر و بندگان... بر ما نبخشد فتح و شهادی خدا، نه شه، نه قهرمان با دست خود گیریم آزادی در پیکارهای بسی امان... روز قطعی جدال است آخرین رزم ما" توده های خلق و همدوش آنها کمو نیستها و انقلابیون دیگر که ملا برای روز قطعی جدال آماده شده اند. در مقابل، نارهبان جنبش هنوز مکارانه سعی دارند توده های عاصی را مها رکنند و این آخرین رزم ما را با زهم عقب بیندازند. زیرا که آنها قول انتقال مسالمت آمیز قدرت را به هویر آمریکائی داده اند، اما خلق همچون انبیا روتی است که تنها یک قره بسرای

داری نمایند و از ساختمان ستا در فرسح محاصره کنند... نگذارند اخلالگران و بدخواهان یا بیخردان خسارت و مزاحمتی فراهم آورند.

با زرگان این لیبرال خائن قیاسا مسلحانه خلق را "خربا بکاری"، "آتش سوزی" و غیره میخواهند مردم مسلح و نیروهای انقلابی را "اخلالگرو" بدخواه "وسی حرد" معرفی می نمایند. آری آقای زرگان با این سخنان رذیلتها خود را بت میکشند و با امرای ارتش آمریکا بی برادری نزدیک تراست تا به توده مردمی که برای کسب آزادی، دمکراسی و استقلال سلاح بزرگ گرفته اند.

حجت الاسلام قدوسی که اینک بر تخت دا دستان کل انقلاب نمیده است، در همان ساعات اولیه قیام رذیلتها میکشید تا مردم را از پیش روی و مسلح شدن با زادا رد و خطا به مردم می گفت:

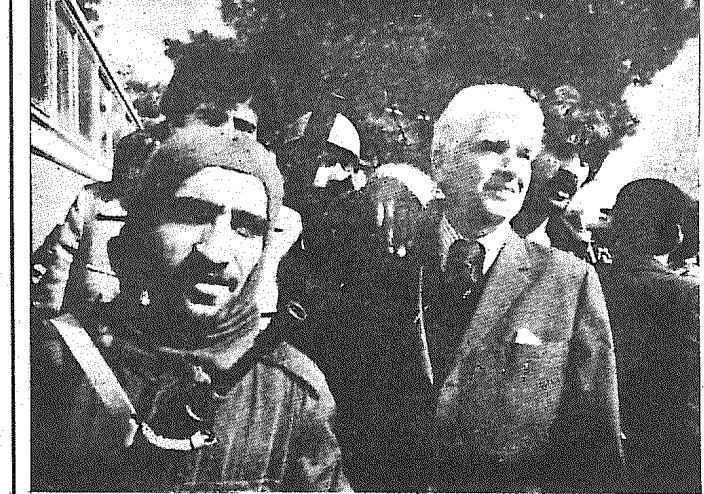
"با توجه به نزدیک شدن ساعت منع عبور و مرور، بهترین است جمعیت متفرق شوند (اطلاعات ۲۱ بهمن)

آری در همان زمان که آتش قیام مسلحانه زبانه میکشیدند نارهبان جنبش با تمام قوا میکشیدند تا آنرا خاموش سازند. آن سخنان میکشیدند تا مردم مسلح را خلق نموده و پایتختها را از تعرض خلق در امان نگاهدارند تا توافق نارهبان، افرا دمزدوری چون سرهنگ شوکلی، خائنه و رذیلتها بتشکیل "ستاد عملیاتی انقلاب" جلوی درهای یادگانها مردم را خلق سلاح میکرد و دکترا بزدی در حاسترین لحظات سولیان و دیگر کارگزاران سفارت آمریکا را از جنگ

انقلابیون نجات میکشید، همین مختصر خوبی نشان میدهند که چگونه مردم و نیروهای کمونیست و انقلابی برای این قیام جان فشان کردند و چگونه نارهبان با خیانت خود با تمام قوا در برابر انقلاب ایستادگی نمودند. در چنین مقطع تاریخی این نارهبان نشان دادند که در برابر انقلاب با دشمنان دیرین خلق ما هم سرنوشت می باشند.

قیام بهمن ما آتشفشان خشم یک خلق بیباک است. قیام بهمن ما به سرب و مسلسلها و تفنگهایش بیباک اراده خلقی بود که در راه آزادی و استقلال بیباک است. لیکن این قیام به سرا نجا مپیروز مندش نرسید. چرا که

بقیه در صفحه ۱۸



بزرگواران قیام گروههای مسلح مردم به جاسوس خانه آمریکا هجوم می برند و "سولیان" جنایتکار را دستگیر میکنند. ما رژیم جمهوری اسلامی ایران را نجات می دهیم.

انقلابیون اسیر در زندان شیراز، به خلق گزارش میدهند:

## در آستانه دومین سالگرد قیام خونین بهمن ماه در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی چه میگذرد؟

زندانیان سیاسی انقلابی زندان عادل آباد شیراز روز ۹ بهمن دست به اعتصاب غذای زده اند

۳ - در اعتراض به بستن دانشگاه، این سگر آزادی که خون بسیاری از عزیزترین فرزندان این مرزوبوم به دیوارهایش نقش بسته و نخستین در اعتراض به تعطیل برخی مسدان و اخراج و دستگیری دانش آموزان و معلمین انقلابی

۴ - در اعتراض به کشتن خلق تهران کوبیده بهانه حجت ایران و عراق .

۵ - در اعتراض به شکل و عملکرد هیئت بررسی مسئله شکنجه که هدفش لوذ کردن واقعیت شکنجه انقلابیون است و بهمین خاطر ما خود را "هیئت بررسی شایعه شکنجه گذاشته است" (لازمه تذکرات که ما در عین حال با جناح بنی صدر مرزبندی داشته و موضع ضد خلقی آنها را در برخورد به مسئله شکنجه محکوم میکنیم .)

۶ - در اعتراض به راهیمایی های فرمایشی از قبیل راهیمایی روز ۱۵ دیماه که توسط حزب جمهوری اسلامی انجام شد و در آن عده ای زندانیان نیای غایب که عمدتاً مزدوران نگارنده

زندانی بودند، را با عنوان زندانی سیاسی انقلابی به شهر برده و با دادن شعارهایی از قبیل "شایعه شکنجه در زندانها توسط آمریکا است" و "زندانی و زندانبان با هم برابر هستند" که هدفشان فریب خلقهای ایران بوده است . و با داشتن خواسته های زیر که از حقوق طبیعی و اولیه زندانیان سیاسی انقلابی میباشد از تاریخ پنجم بهمن ۵۹/۱۱/۹ دست به اعتصاب غذا

میزنیم ، تا بدست آوردن خواسته های خویش به اعتصاب خود ادامه بخوایم .

۱ - ملاقات حضوری بصورت حداقل ۳۰ دقیقه (لازمه تذکرات که در حال حاضر ملاقات بصورت ۵ دقیقه و آنهم بصورت بدترین شکل ممکن صورت میگیرد - بدین ترتیب که فرد ملاقات کننده را در محلی بسیار کم نور قرار داده و زندانی را در فضای باز قرار میدهند و ما بین ملاقات کننده و زندانی پنجره ای با میله های آهنین نزدیک بهم که روی آنها سیم توری بسیار ریز کشیده شده ، قرار دارد . بطوریکه زندانی چهره ملاقات کننده اش را نمیتواند خوب ببیند )

۲ - در دسترس قرار دادن مطبوعات و رسانه های گروهی (روزنامه های قانونی - کتب مورد نیاز زندانیان - رادیو و تلویزیون)  
۳ - با توجه به اینکه سارتگاه ما به لحاظ پوشیده بودن پنجره ها بوسیله کرکره های فلزی از نور کافی برخوردار نیست با توجه به مرطوب بودن سالنها ، نیاز به هوای خور آتیم هر روز دو شویت با عنوان آتیم ، لازم به تذکر است که ما تاکنون مطلقاً از هوا - خوری محروم بوده ایم .

۴ - داشتن حق انتقال به سایر زندانهای کشور برای زندانیانیکه ز شهرستان محل اقامت خانوادشان دور افتاده اند .

۵ - به عمل آوردن تعمیرات لازم از قبیل تعویض لامپهای سوخته و شیشه های شکسته ، چنگ زدگی سالن آوارها ، آتیم ، انقلابیون همچنان اسیرند ، اما جاسوسان آمریکا می آزادی دادند ، پیروری با مدارات دلاورانه خلق قهرمان کبرند ، زندانیان سیاسی انقلابی ، به همت توده ها ، از زندان ارتجاع آزاد باید گردند در افشای هر چه بیشتر شکنجه در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی بکوشیم عده ای از زندانیان سیاسی زندان عادل آباد شیراز ، تکثیر از زمان پیکار در راه آزادی ، بقیه کار کسر ۵۹۱۱/۱۵

هدیه نموده است . اگر کوه و کنا را بران زمین فریاد از دیوارهای برجها است ، در موردی کارگران و زحمتگاران درخواهند یافت که هیئت حاکمه ضد خلقی ، این حاکمان نظامی بوسیده سرما به داری و اسبها میریایم ، نه میخوایند درنده مینوایند با سخوی نیای های آنها باشند . علیرغم تمام عملکردهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی را به بر ملایت انقلاب به پیش میروند و حاکمیت انقلاب را هموارتر میسازند . مبارزه ای امان لطفاتی ، مرتحمان

شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی بیداد میکند . گذشته از زندان کابل و پشت ولگند و کشیدن موی سرد دختران که به صورت امری طاری در آمده و در مورد بسیاری از انقلابیون نمایش اعدام مصنوعی را اجرا میکنند . در اعتراضات لگدی یکی از فقاراد مسجد سلیمان دچار پارگی فتق مینماید . به یکی از فقاراد ریندر ریاس بطری استعمال مینمایند . شش نفر از انقلابیون را در شیراز مدت ۸ شبانه روز رگرمای ۶۰ درجه نگه میدارند در مسجد سلیمان رفقا را در سلولهای که مارها در آن حبس میکنند :

راه را سان و روبروی بنیستهای خاشاک (اکثریت توده ای و سه جانی) را بیش از پیش رسوا و رسواتر میسازد ، و سرتاجا مبرجم - سوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر در سراسر ایران به اهتزاز درخواهد آمد .

### خلقهای قهرمان ایران!

ما زندانیان سیاسی شیراز:

۱ - در اعتراض به آزادی جاسوسان آمریکائی آتیم در حالیکه فرزندان شما ، دسته دسته دستگیر شده و به حبسهای طولانی مدت محکوم میشوند و در حالیکه انقلابیون به سببانه ترین شیوه های شکنجه و حتی به جوخه های اعدام سپرده میشوند .  
۲ - در اعتراض به عدم توجه رژیم به غذای مسکن بیدادست هموطنان جنگ زده با توجه به اینکه جاسوسان آمریکا می در بهترین اماکن و با بهترین غذا و پوشاک و بهداشت مسورد پذیرایی قرار میگیرند و از طرف دیگر در اعتراض به اینکه همواره این همبهنسان آواره موردها نت و ضرب و شتم قرار میگیرند .

## پیام زندانیان سیاسی اوین بمناسبت دومین سالگرد قیام بهمن

کردید و در نهایت ، میریایم در قبال این موج توفنده مجبور به عقب نشینی شده رژیم شاه سرنگون گردید .  
جنین توده ای که بغض پر سیدن به آرمات - های خود ، آزادی و برابری و استقلال خون - های بسیاری نتا ر کرده بود با غاصبین قدرتی زبر و کشت که بر روی موج خروشان خونهای با کترین فرزندان خلق سوار شده بودند و علیرغم خواست مردم تمام هم خود را در جهت تکدیاری و بازسازی کامل نظام مستکمرانه سرما به داری بکار بردند . مردم محرومانه تنها به برابری اجتماعی نرسیدند بلکه حاکمیت با سیاستهای منطقی اقتصادی و شیوه - های فدکا رگری خود به فقر و بی خانمانی بقیه در صفحه ۱۴

روز در گرمای ۶۰ درجه نکه میدارند در مسجد سلیمان رفقا را در سلولهای که مارها در آن جولان میدهند به تنگ انفرادی حبس میکنند . و هزاران نمونه دیگر ، آنکه در بیوق و کرنا می - دمند که در زندانها شکنجه و جودند و در بیخاطر لوذ کردن مطلب ، "هیئت علم میکنند و نا مش را "هیئت بررسی شایعه شکنجه" پیگذارند ، این روبه مفتان شکنجه انقلابیون را که یک - واقعیت است شایعه مینماید ، آتیم شهادت "گازم با وی" و آواره خوزستانی در زندان عادل

آباد شیراز شایعه است ؟ آیا جز این است که این هموطن جنگ زده با رها به شدیدترین شکل شکنجه شد ؟ آیا جز این است که از عزاموی به بیمارستان بخاطر مرگش کتک و تیراندن خودداری شد ؟ آیا علیت مرگش کتک و تیراندن به بیمارستان نبود ؟ اگر در زندان شکنجه وجود ندارد پس "غضنفر آزادی" زندانی عادی به چه مناسبت دست به خودکشی زد ؟ مگر فشارهای روحی و اراده زسوی کار در زندان عامل خودکشی این نبود ؟ با وجود نمونه های فوق کسه قطره ای از دریا هستند ، با زهم رژیم جمهوری اسلامی شکنجه را فقط یک شایعه مینماید . رژیم جمهوری اسلامی با تکبیه زندان بر آمریکایی شانشانی و با استفاده از ارتش آمریکا کسه به ارت رسید از رژیم پهلوی و به همراه سیاه پاسداران سرمایه ، کردستان قهرمان را از هوا و زمین مورد تهاجم قرار داده و آتیم به خون میکشد ، اما کردستان قهرمان ، این دستمک مبارزه خلقها ، همچنان برچشم سرخ انقلاب را برافراشته نگه داشته است ، و در ایس راه فرزندانی غیور را به خلقهای تحت ستم

من جوانی هستم از تباری خونین ناخنی نیست اگر بپرستم هم را اخم کشیده است به قهر پشتم از داغ و کتک گشته صد باره ولی نکتم ، گسردن ارتجاع کوبیده است مهرنگینش را بر همه پیکر من و تصور دارد که تو اندکند عزم مرا چه خیال خاصی من و تسلیم؟ مسلما ! دادا هرگز!

### مردم مبارز و انقلابی

در آستانه دومین سالگرد قیام مکتومند بهمن ماه ، ما روبروی تلو قهر انقلابی خلق و سرنگونی رژیم وابسته به میریایم شایعه جنایتکار رودر - حالیکه تنها دوسال از بازگشتی درب زندانیان سیاسی بدست توانای شما میگذرد زندانیان سیاسی دروهای آتشین و تیریک انقلابی خود را بمناسبت دومین سالگرد قیام نتا شما خلق ستم دیده می نمایند ، در بیسی مبارزات پیکر توده های مردم که از ستم طبقاتی ، اختناق پلیسی و فشار اقتصادی سیستم سرما به داری و وابسته سرچشمه می گرفت ، رژیم منغور پهلوی مجبور به انجام مرفرنشانی در جهت مها ر کردن جنین انقلابی مردم شده که با حرکت قهرآ میر توده های انقلابی روبرو

من جوانی هستم از تباری خونین ناخنی نیست اگر بپرستم هم را اخم کشیده است به قهر پشتم از داغ و کتک گشته صد باره ولی نکتم ، گسردن ارتجاع کوبیده است مهرنگینش را بر همه پیکر من و تصور دارد که تو اندکند عزم مرا چه خیال خاصی من و تسلیم؟ مسلما ! دادا هرگز!

### خلقهای قهرمان ایران!

رژیم جمهوری اسلامی ایران پس از قیام دارها را برافراشت ، زندانها را آب و جاروب کرد با لگدمال نمودن خون هفتاد هزار شهید به سببانه ترین اقدامات علیه انقلابیون دست زد . بسیاری از آنها را به جوخه های آتش سپرد و بسیاری از آنها را به سیاه جالها سی - افکنده بحق هریک از آنها را باید "آشوبش" \* جمهوری اسلامی نامید زیرا بیشتر به زندانیان نا زیبا شبا هت دارند . زندانیان سیاسی انقلابی از ابتدای ترین حقوق خویش نیز محرومند ، اما رفتار همین رژیم با جاسوسان آمریکائی ( این دشمنان خلقهای ایران ) بنا به اعترا ف خودشان ، همواره انسانی بوده است تا جاییکه آتیم بهزاد نبوی و زبیر مشاورد را موراجایی و سختگوی دولت در مصاحبه مطبوعاتی کشید که در کیهان ۳۰ دیماه مندرج میباشد گفته است : "ما می - توانستیم کروکنا را طی این مدت چهارده ماه در زندان نگه داریم ، اما رفتار سلاسی به ما چنین اجازه ای را نمیداد . آتیم ! " رفتار اسلامی " اجازهمیدهد که دشمنان خلقهای ایران در زندان با شند زیرا ممکن است نازکتر از زیر کلسان آتیم ببینند ، به همین خاطر در بهترین هتلها نگه داشته میشوند ، اما همین " رفتار اسلامی " اجازهمیدهد فرزندان این آب و خاک در بازداشتگاههای مخوف اسیر شوند .

شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی بیداد میکند ، گذشته از زندان کابل و پشت ولگند و کشیدن موی سرد دختران که بصورت امری عادی در آمده و در مورد بسیاری از انقلابیون نمایش اعدام مصنوعی را اجرا میکنند . در اثر ضربات لگدی یکی از فقاراد در مسجد سلیمان دچار پارگی فتق می نمایند ، به یکی از فقاراد ریندر ریاس بطری استعمال مینمایند ، شش نفر از انقلابیون را در شیراز به مدت ۸ شبانه

## زندانی سیاسی انقلابی ، به همت توده آزاد باید گردند

# حزب مارکسیستی و ضرورت ادامه آن

جنبش انقلابی خلق ما، در متن انقلابی فرا آینده خویش پیش میرود، و جگرگیری مبارزه طبقاتی انعکاس خود را در درون جنبش کمونیستی منعکس کرده و صفوف آن را بیش از پیش از یکدیگر متمایز کرده و می‌کند. حاصل این تمایز، چیزی جز فشرده شدن صف کمونیست‌های پیگیر و جدا شدن اپورتونیست‌ها از آنان نیست. پروسه تکاملی جنبش کمونیستی ایران، شاهد این مدعا است. اینکسوجریه‌هایی همچون "فدائیان اکثریت" و "اتحادیه کربلایی" (بخان اتحادیه رومیونیست‌ها) به صف فدا انقلاب پیوسته و تنها از جگر جنبش کمونیستی، بلکه از جگر جنبش انقلابی خلق نیز خارج گردیده‌اند، و از سوی دیگر کمونیست‌های پیگیر با زدودن انحرافات راستروانه خویش، صفوف خود را فشرده تر می‌نمایند. در گریز از انحرافات راست کمونیسم و رومیونیسم، اگرچه رومیونیست‌ها از پیشوانه‌های و معنوی وسیعی برخوردارند لیکن به حکمت تاریخ (بطور عام) و بنا بر ادیکال کمونیست‌های خلق (بطور خاص) محکوم به انزوا هستند.

گرایش حاکم بر "رزمندگان" که از مذهب پیش در پس الفاظ چپ، جوهر نگرش و تفکر راست خویش را پنهان نکرده بود، با آغاز جنگ بسرعت و آشکارا به تعمیق اپورتونیسم خویش پرداخت. تزلزلات ایدئولوژیک در قبضه رومیونیسم و سوسیال امپریالیسم، "قطب‌های ایدئولوژیک - تشکیلاتی"، "اعتقادیه سرمایه - داری" "خودپویا" اعتقادیه شعوری ضد خلق - فدا امپریالیست، اعتقادیه هم‌مونی خرد - بورژوازی در دولت، عمده گردیدن خطر فدا انقلاب مغلوب، عادلانه خواندن جنگ و سایر انحرافات رزمندگان که در حلال خود را از جانب جنبش کمونیستی مورد تعرض قرار نگرفته بود، توانست در شرایط خلاصه مبارزه ایدئولوژیک درون سازمانی و نیز بستر گرایش طبقاتی خویش، دست به فرموله نمودن خود زده و بسته اصطلاح "در برابر" ضرورت فدا انقلاب مغلوب امپریالیسم، "خروج فدا از" استقلال سیاسی حکومت را مطرح نماید.

بدین ترتیب آرایش قوای طبقاتی ای تصویر گشت که خطر عمده و دشمن عمده آن رجحان حاکم، بلکه امپریالیسم و فدا انقلاب مغلوب بود. بر بستر چنین انحرافات، جنگ، عادلانه شمرده شد و اپورتونیسم راست حاکم بر رزمندگان، توده‌ها را به زیر پرچم بورژوازی خودی (با صفت مستقل!) دعوت نمود.

چهره گریه اپورتونیسم راست نه تنها در دفاع از استقلال سیاسی حکومت، نه تنها در شرکت در جنگ ارتجاعی متجلی گشت، بلکه با چشمک زدن به اپورتونیست‌های نظیر "راه - کارگر" و دنبال نمودن خط سیر فکری "اکثریت" در حکومت با نبض پیگیر جنبش کمونیستی، در دعوت از خلق کردی برای تعطیل مبارزه ملی - طبقاتی و آتش بین... تنها زیافت.

خوبستختا نه در مبارزه ایدئولوژیک که از سوی نیروهای جنبش کمونیستی و درون سازمان رزمندگان صورت گرفت و بر بستر پتانسیل رادیکال کمونیسمی از رفقای رزمندگان، اپورتونیسم راست تا بمقاومت

سپارده و در مقابل مبارزه انقلابی مجبوریه عقب نشینی گردید. بدون تردید حرکتی راکه رفقای رزمندگان در مبارزه با اپورتونیسم راست آغاز و تا به امروز به پیش برده‌اند، حرکتی است که باید از سوی تمامی نیروهای پیگیر جنبش کمونیستی مورد تأیید و حمایت قرار گیرد و مانع از انزوا و عقب نشینی مبارزه صولی را به رفقا و به کل جنبش کمونیستی تبریک می‌گوئیم. متقابلا تا کید می‌کنیم که مبارزه بین رفقا علیه جریسان اپورتونیستی، هما نظر که خود آنها نیز بدان اشاره کرده‌اند، بمناسبت آغاز یک نبرد ایدئولوژیک علیه اپورتونیسم راست بوده و بنظر ما

## ما معتقدیم که حرکتی راکه رفقای رزمندگان علیه جریسان اپورتونیستی آغاز کرده‌اند میبایست همچنان بطور قوی و ناگزیر با طبعیت و صداقت کمونیستی تا طرف کامل اپورتونیسم در رقابتهای جلودهای آن و در ابعاد مختلف آن به پیش رود.

تئوری رومیونیستی - تروتسکیستی "ضد خلق" - ضد امپریالیست "ضد خلق" - متروقی خواندن واقعیه سقارت... و صاللی نبودند که از رزمندگان "۳۴" به اینطرف مطرح شده باشند. اینها مواضعی بودند که رزمندگان و مدتها پیش از رزمندگان "۳۴" داشتند.

حتی تفسیه تشکیلاتی این جریان نیز یعنی آن نیست که اولاً این جریان ایدئولوژیک - فکری مقهور گردیده و سازمان رزمندگان از سومات خطرناک آن کمالا و اکتیو شده باشد و ثانیا در همین رابطه جریسان مارکسیستی حاکم به دور از برخی انحرافات و تزلزلاتی که جریسان اپورتونیستی بنحویا رزومنجمی آنها را نمایندگی میکردند، از همین روماعتقدیم که حرکتی راکه رفقای رزمندگان علیه جریسان اپورتونیستی آغاز کرده‌اند میبایست همچنان بطور قوی و ناگزیر با طبعیت و صداقت کمونیستی تا طرف کامل اپورتونیسم در تقابلهای آن و در ابعاد مختلف آن به پیش رود. آنچه که میتوانست سازمان رزمندگان را در مقابل سومات رومیونیستی جریسان اپورتونیستی و بقایای آن آسیب نا پذیر کند، همانا داده و پیشبرد این مبارزه ایدئولوژیک انقلابی است. رفقای رزمندگان ضمن آنکه مواضعشان را در برخورد به بسیاری از مسائل و عراقی در برخورد به مسئله جنگ ایران و عراق و ماهیت آن، تئوری رومیونیستی - تروتسکیستی ضد خلق - ضد امپریالیست، تئوری رومیونیستی جدایی سومات از طبقه رومیونیسم و سوسیال امپریالیسم، تا حدود قابل توجهی به تصحیح مواضع خود پرداخته‌اند، ولی این رفقا هنوز در برخورد با مسایلی چون رومیونیسم و سوسیال امپریالیسم، قدرت سیاسی، استقلال سیاسی نسبی رژیم، "تقسیم" قطب‌های ایدئولوژیک - تشکیلاتی، "دچار انحراف، التقاط، سکوت و یا عدم صراحت بوده و مهمتر از آن از بذرش این واقعیت که موفقتی رومیالیست حاکم بر "رزمندگان" تا ۳۴ تا نه تنها گسسته از مواضع گذشته آنان نبوده، بلکه نادانم و تعمیق انحرافات آن بوده است بشکل غیر اصولی ظفره رفته‌اند. تئوری رومیونیستی - تروتسکیستی "ضد خلق" - ضد

انحرافات گذشته خود سرپوش گذاشته و آنرا نادیده بگیرند. این نحوه برخورد، وقتی بسکوت رفقای رزمندگان نسبت به برخی از تغییر مواضع اساسی که بدون توضیح و انتقاد از خود صورت گرفته است (نظیر برخورد به رومیونیسم و سوسیال امپریالیسم) همراه میشود و همچنین تلاش این رفقا برای نادیده گرفتن نقش مبارزه ایدئولوژیک سایر نیروهای کمونیست در جهت گیری جدید خود و این تلقی که گویا تغییر مواضع رزمندگان صرفاً در رابطه با "انتقاد" اما در واقعیت و در عین حال نگرانی میکند.

رفقا! آنچه ما در بالا بدان اشاره کردیم تنها بیان واقعیت بود و توضیح و تحلیل آنرا بدقت دیگری موقوف میکنیم. آنچه که می - خواهیم در بیان گفته خود بر آن تکیه کنیم اینست که اگر چه ما دارای مرز بندی مریمی علیه اپورتونیست‌های راست اخراجی از سازمان شما داریم و راه آن را با سوسی فدا ثنی رومیونیست اکثریت از بیایی مینماییم، اما برای این امر نیازی میفرماییم سازمان شما با حرکت اصولی راکه در مبارزه علیه اپورتونیسم راست آغاز کرده است بسا ادامه مبارزه ایدئولوژیک و یا برخورداری از صراحت و قطعیت کمونیستی تا طرف کامل اپورتونیسم در درون سازمان در همه جلوه‌ها و ابعاد آن ادامه دهد. رفقا! این نظام مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی تا شریک‌های در تصحیح مواضع انحرافی همه نیروها (و از جمله خود ما) داشته است. بیس‌گوشیم ما در زدن به مبارزه ایدئولوژیک از تصحیح خط مشی خود بسود پرولتاریا و در جهت زدودن انحرافات و پیراهای غیر پرولتری، امروزه جنبش کمونیستی را تسریع نمایم و متحدان بسوی ایجا د حزب طبقه کارگر به پیش روی!

## بقیه از صفحه ۱۳ پیام

مخرومین دامن زده تا جایی که اکنون گرسگی و بیکاری، کار در راه استوار، محنت کشان رسانده است. هیات حاکمه... ما هیبت خود بجای ادا مراه توده‌ها در... ما بزرگترین دشمن خلق ما، امپریالیسم، نخوار آمریکا و سیستم سرمایه داری وابسته به سرکوب خلق - هائی که حق حاکمیت بر سر نوشت خویش را - طلبید پیدا خسته و چه بسا رنگهای سرخی از گلستان خلق که بدست نیروهای سرکوبگر هیات حاکمه برپیرنشد، تنها دهای مردمی منحل گردید و آزادیهای اجتماعی به بهانه‌های مختلف سرکوب و حمله به اجتماعات مردمی سازمان داده شد.

کتاب سوزیها برای ما، فدا دودانگها، پس سنگر آزادی که در طول سالین دراز، حمله به های مبارزه و مقاومت را آفریده بود بدست زعمای بقدرت خزیده تحت عنوان با اصطلاح انقلاب فرهنگی از خون دانشجویان رزمنده گلگون گشت. زندانهای انقلاب (!) در روند سرکوب هر چه بیشتر نیروهای انقلابی، انباشته از فرزندان خلق که آرزوی جز تحقیق خواسته‌های زحمتکشان ندارند میگردد و شکنجه در ابعاد گسترده در کمیته‌ها، خانه‌های تیمی و زندانها اعمال میشود. هنوز خون کفتهای گلگون شهیدان خشکیده ما زندانهای سیاسی آنچنان در زیر فشارهای غیر انسانی قرار میگیرند که بناچار دست به اعتصاب غذا می - زنند، بگذرانند و اینها تا به خیال خود موم - فریبی کنند و بگویند که زندانها ما را شکنجه میکند (!) برای سستی شکنجه گر کیست؟ فرزندان خلق که خون خلق را و شیقه حاکمیت ارتجاعی خود کرده‌اند.

هیات حاکمه برای ما، فدا ختن جاورچینال و گرفتن زستهای فدا امپریالیستی تسخیر سقارت را بعنوان عالیترین شکل مبارزه ضد امپریالیستی به رخ مردم میکشیدید! آزاد کردن گروگانهای جاسوس بدنبال مذاکرات پشت درهای بسته و بدور از چشم خلق ما هیبت دعای بی محتوا و عوام فریبانه خود را افشا نمود.

جنگ ایران و عراق که شمراهی جز بدبختی و فقر و فلاکت برای خلقهای هردو کشور نداشته جماعتی به دست هیات حاکمه داده تا بتوانند در پشت مساله جنگ تا توانیهای خود را در لایخ - گوئی به نیای زهای برحق مردم لاپوشانی کرده و سرکوب نیروهای انقلابی را تحت عنوان موقعیت جنگی افزایش داده و لیبس قانونی بدان بیوشانند.

مردم ایران! در حالی که دومین سالگرد قیام مخروبین بهمین راجح میگیریم ما همدان هستیم که دست آورده‌های آنرا بیامال شده و فرزندان شمس بناحق بدجرم بیان خواستهای بحق توده‌ها در زندان بسرمیبرند ما تنها بشما متکسی هستیم و برای ادامه مبارزه شما استمساد می طلبیم. در بزندانها دایره بدست توانای شما تشویده‌خواهد دشو شما هرگز نخواهد گشت که در زندان شما با امپریالیسم بر سرخسوس نهاد ما معاشد. ما از شما و نیروهای انقلابی میخوایم که نسبت به سرکوب آزادیهای دمکراتیک و به بند کشیدن و شکنجه انقلابیون اعتراض و آزادی زندانهای سیاسی همراه با توده‌های مبارز فریاد کنند.

پیروزیها در مبارزات فدا امپریالیستی و دمکراتیک خلقهای ایران زندانهای سیاسی (وین فدا میبایست - فدا رجحان)

# پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

# حزب توده، در هنگامه قیام متحد لیبی‌ها بود!

## حزب توده همه سران لیبی‌ها را انقلابی، ضد امپریالیست و ملی‌جامیزده است

... استرووه به قهرمان قلمه خوف به اسم ملوس، شاهت زی‌دی دارد. ملوس در آغاز وقتی با یک مدیر سابقش زگرکی میگرد، میگفت: واتیای کوچک و من، تنها بینا مهای میهمی را بازی میکنیم، بعدها که با یک هیزم فروش زندگی میکرد، میگفت: واتیای کوچک و من، مستحق برداخت مالیاتهای گزاف هیزم نیستیم. خلاصه وقتی او با یک دامینیک زندگی میکرد، میگفت: کولیای کوچک و من به درمان اسبهای بیماران میردایم، کار رفیق استرووه هم همینطور است. لنین و من به ما رتیفیف حمله کردیم ما رتیفیف و من به لنین حمله کردیم.

ملوس کوجولوی عزیز "سوسال دمکرات" فردا توی سسل چه کسی خواهد بود؟" (لنین) اکنون حزب توده تبلیغات وسیعی پراهنده خنجر و پرجمدا را مبارزه با لیبی‌ها میزند. ما نقاب کریمه حزب توده را، ینک پس میزنیم توده‌ها دریا بند آنچه لنین در مورد استرووه میگوید، با ابعاد وسیعتر در حزب توده صادق است بدیقین کمتر نیروی را در آوردن امتیازی بود سوسال امپریالیسم روس به آن چنگ نیاخته باشد. آنها ما را مولهکشی هستند که در هر شبی خود را به رنگ مقتضیات روز در میا و رند روزی سیاستهای شاه را مثبت میخواهند و از اصلاحات ارضی اودفاع میکنند (۱) روز دیگر در مددا تحاد جناح واقع بین سر هیئت حاکمه (دا رودسته هوشنگ نایندی و فرج خاثن و...) برای تشکیل جبهه واحد دیکتاتور بر میآیند. (۲) روز دیگر مدیحه‌سرای لیبی‌ها میشوند و کرمترین درودها را نشا را نشا میکنند ولی امروزه لیبی‌ها دشمنان میدهند و برای حزب جمهوری یقه میدرانند. راستی فردا حزب توده درینل چه کسی خواهد بود؟

### حزب توده همه صدای لیبی‌ها، طرفدار قانون اساسی و سلطنت طلب

حزب توده بعنوان یک نیروی ارتجاعی بهیچوجه خواهان انقلاب نیست و به همین خاطر به مبارزه انقلابی نیز اعتقاد نداشته است. در زمان شاه خاثن نیز پیش از قیام بهمن، منتهای کوشش حزب توده بدست آوردن قانونیست در رژیم شاهنشاهی و وادار ساختن شاه به اجرای قانون اساسی مدمدمی ایشان بود. حزب توده در این سیاست با لیبی‌ها ی خواهان قانون اساسی کاملاً همداشی میکند.

برای مثال احسان طبری رویزیونیست در نشریه مرکزی خود اعلام میکند که هدف مبارزه‌شان: "اجرای آن مقرراتی است که در قانون اساسی ما تاکنون پنج شاه به اجرا و فقط آن سوگند یاد کرده اند (۳) و این دفاع از قانون اساسی ارتجاعی که سلطنت را موهبتی الهی

(۱) دنیا، دوره دوم سال هفتم، شماره ۳ و نیز پیام ایرج اسکندری، بعنوان دبیر کل حزب به کنگره دهم حزب رویزیونیست بلغارستان و نیز مصالحه داود شوروی عضو کمیته مرکزی "حزب توده" با نشریه فاشیست و وابسته به حزب رویزیونیست آلمان غربی، آوریل ۱۹۷۲

(۲) بسوی حزب، شیر ماه ۵۷

(۳) دنیا، شماره ۲، ۱۳۵۰

میدانست و ارتجاعی ترین قوانین بسوسال امپریالیسم و بر علیه زحمتکشان در آن یافت میشدند کمتر از ۲ ماه مانده به قیام ما دامه مییاد رویزیونیستها در ۵۷ میگویند: "در این کشور قوانین ما نتواند قانون اساسی و متمم آن و یک سلسله قوانین دیگر وجود داشته باشد، چرا که روح واقعی آنها، اجرا میشد و بشود، اگر کوچکترین احترام مورعیتی برای آنها وجود داشته باشد، ما زمان خود سرفروشان شویم و شکست خورده و فدیویشی ساواک حتی لحظه‌ای نیز نمیتوانند تحمل کرد." اگر قوانین موجود مراعات نگردد، دست خود سواستبدان خودی بسته است. ولی همین قوانین موجود با گستاخی و بی پروائی عیبی با مجال چکه پوئان شاه و چاکرانش میشود (۴) (تا کیدازماست.)

می بینیم که حزب خاثن توده در مشروطه -

### آیا حزب توده ضد لیبی‌ها بوده است؟

اکنون حزب توده بیوق و کرنا برداشته و خود را مدعی مبارزه علیه لیبی‌ها جا میزند. اما واقعیت این است که حزب توده هرگز نمیتواند از یک موضع انقلابی با لیبی‌ها مرزبندی کند، چرا که در مجموع با لیبی‌ها نیز در مقابل انقلاب زحمتکشان وحدت دارد و مخالفت حزب توده با لیبی‌ها در شرایط کنونی از زاویه حمایت از جناح دیگر کامیت یعنی حزب جمهوری است و در واقع مخالفت ایندو از قماش دعوی تقسیم غنا شده‌هاست.

حزب توده حتی تا اوائل قیام به شدت به حمایت از لیبی‌ها میبرد. میزبان صفحاتی که در "نویس" هایش دفاع از لیبی‌ها اختصاص داده است، به مراتب بیشتر از مثلا دفاع از خرده

- خاثنین توده ای، مهندس مهدی بازگان، "کریم سنجابی" و رحمت الله مقدم مراغه ای "راه‌آزادی"، "کوشندگان راه آزادی و استقلال"، "شخصیتهای معروف ملی و مخالف استبداد" میخواند.
- آری چه سابقه درخشانی "حزب توده" در مبارزه علیه لیبی‌ها دارد! دکتر کریم سنجابی به تنها ضد امپریالیست میشود، نه تنها از بهرمان جنبش‌های ملی قلعداد میشود، بلکه آنقدر انقلابی و قاطع است که با یستی هر مبروری مبارزه مسلحانه خلق بر علیه امپریالیسم را نیز در دست بگیرد!!
- حزب توده در نوید شماره ۲۸، (۱۱ اردیبهشت ۵۷) آیت الله شریعتمداری، آیت الله گلپایگانی و آیت الله روحانی را طمعی از آزادی بخواد و ضد استبداد میانداده مداحی لیبی‌ها را خاثنی چون شریعتمداری میبرد. حزب توده واقاحت را تا آنجا میکشاند که نامه احمد بنی احمد، شاگرد شاه خاثن و نماینده "سپاه" مجلس شاهنشاهی را با طول و تفصیل و تأکید چاپ می کند.

خواهی و تبلیغ قانون اساسی مشروطه با لیبی‌ها مسا بقدر گذشته است و در جایگه امروز لیبی‌ها را به با دشمنان میگرداند که چرا موافق قانون اساسی بودند؟! ما خلق ما ما هیئت لیبی‌ها و حزب توده را که در زمان شاه مجیزگوی سلطنت بودند، هرگز از یاد نمیبرد و دروغها و باه‌هایشان را با سند فشا میکنند. برای اینکه اوج آفتاب سلطنت طلایی خاثنین توده ای را دریا بیدبسه جملات زیر توجه کنید:

"آی سرنگونی سلطنت استبداد شاه حتمتاً با بدبیا برانداختن سلطنت بطور کلی همسراه باشد؟ بنظر ما نه. حتی از بین رفتن حکومت مطلقه و رژیم ترور و اختناق موجود می تواند هنوز به معنی از بین رفتن سلطنت و استقرار جمهوری که خود از خواستهای مردم حزب ما است (۵) (تا کیدازماست.)

سلطنت آری، حکومت نه، آیا این همان شعار لیبی‌ها (شاه باید سلطنت کند نه حکومت) نبود که خاثنین توده ای با تمام وجود برای حفظ سلطنت و جلوگیری از قیام توده‌ها فریاد میکردند اما تنها در محتوای شعارها حزب توده و لیبی‌ها همدا نبودند بلکه حزب توده عملاً و علناً بسه پشتیبانی از لیبی‌ها ی خاثنی چون آیت الله شریعتمداری، عتین دفتری، بازگان، حاج سید-جوادی، بنی صدر و... برخاسته و حتی از نوکران امپریالیسم چون احمد بنی احمد نیز دفاع کرده است.

- ۴- دنیا، شماره ۲، ۹ آذر ۱۳۵۷
- ۵- دنیا، مهر ۱۳۵۴ و نیز بسوی حزب شماره ۱۰، ۱۳۵۷
- ۶- بسوی حزب، شماره ۱۱، تابستان ۵۷

کوی شاه خاثن و نماینده "سپاه" کئی مجلس شاهنشاهی را با طول و تفصیل و تأکید چاپ میکنند. "ما برای نشان دادن بسوی یک حزب خاثن سوده و همدستی بسوسال امپریالیسم روس و امپریالیسم آمریکا بر علیه انقلاب، عین حملات نوید، شماره ۲۹، (۲۵ اردیبهشت ۵۷) را میا و رژیم، این نامه تحت عنوان جنایات رژیم در خانه آیت الله شریعتمداری چاپ شده است.

"نامه ای در شهر تبریز به امضای احمد بنی احمد شما بنده تبریز در مجلس شورا یملی دست به دست میگردد که بر اساس مناهات این نماینده از شهر قم نوشته شده است. گفته میشود قسمتها شی از نامه موریدحتی در مجلس شورا یملی خوانده شده است اما مطبوعات کوفسندی و بلندگوهای تبلیغاتی رژیم در تهران مهر سکوت بر لب زده اند. ما (یعنی حزب خاثن توده) قسمتها شی از این نامه را که در کوششهای از قیام به رژیم هوساواک را در قفاش میکند چاپ میکنیم: "صحن بیرونی حرم مسکونی حضرت آیت الله العظمی آقا یسید کاظم شریعتمداری مانند روزهای عادی مرکز رفت و آمد افراد روحانی و غیر روحانی و زنان برای رفع حوائج دینی بوده که... تا گاه ما مورین مسلح انتظامی با آنها غیر قفا تونی و با گشودن رگبار

- خاثنین توده ای، مهندس مهدی بازگان، "کریم سنجابی" و رحمت الله مقدم مراغه ای "راه‌آزادی"، "کوشندگان راه آزادی و استقلال"، "شخصیتهای معروف ملی و مخالف استبداد" میخواند.
- آری چه سابقه درخشانی "حزب توده" در مبارزه علیه لیبی‌ها دارد! دکتر کریم سنجابی به تنها ضد امپریالیست میشود، نه تنها از بهرمان جنبش‌های ملی قلعداد میشود، بلکه آنقدر انقلابی و قاطع است که با یستی هر مبروری مبارزه مسلحانه خلق بر علیه امپریالیسم را نیز در دست بگیرد!!
- حزب توده در نوید شماره ۲۸، (۱۱ اردیبهشت ۵۷) آیت الله شریعتمداری، آیت الله گلپایگانی و آیت الله روحانی را طمعی از آزادی بخواد و ضد استبداد میانداده مداحی لیبی‌ها را خاثنی چون شریعتمداری میبرد. حزب توده واقاحت را تا آنجا میکشاند که نامه احمد بنی احمد، شاگرد شاه خاثن و نماینده "سپاه" مجلس شاهنشاهی را با طول و تفصیل و تأکید چاپ می کند.

مسلسل وارد صحنه شده و... فضای حرم رهبری شیعیان جهان از این حادثه دستخوش خرابی رقت آوری میگردد... تجا و زبه حرم و کانون مرجع روحانیت... موجب نگرانی شدید مردم و آزردهگی عمیق خاطر حضرت آیت الله العظمی آقا رفقا هم کرده است، به جاست که از زبان مقام عالیقدر بگوئیم: ما با رگه‌ها دیم این رفتنم بر ما.

آری حزب توده، "پرجمدا بر علیه لیبی‌ها" از زبان متحدث، جاسوس سپاه احمد بنی احمد به تظهِیر آیت الله شریعتمداری خیانت پیشه میبرد. زده اما وقاحت همان زده دارد، پس از اینهمه چکه لیبی‌ها لیبی‌ها، خاثنین توده ای به کمپنیتهای بیگیری چون ما که در همدستان کنیزیا قاطعیت به طرف لیبی‌ها میبرد اختیم همدستان لیبی‌ها اطلاق میکنند!

۴- حزب توده پس از قیام شدن روابط رحمت الله مقدم مراغه ای با سفارت آمریکا، جابجنگال زیادی بر علیه او و اناخت، اما جالب اینجاست که خاثنین توده ای با لیبی‌ها ی نماینده های شریف و تمجید کرده و اعلامیه های نهضت را دیکال را که رئیس جناب مقدم مراغه ای بوده نه تنها در آدیو پیک و نوید منعکس کرده است بلکه این حضرت جاسوس با معرفی وضاعت توده ایهای معروف و شناخته شده ای چون محمود - اعظام زاده (به آذین) و فریدون شنگایی - به کانون نویسندگان ایران راه پیدا میکنند.

- ۳- حزب توده در نوید شماره ۲۸، (۲۱ اردیبهشت ۵۷) آیت الله شریعتمداری، آیت الله گلپایگانی و آیت الله روحانی را طمعی از آزادی بخواد و ضد استبداد میانداده مداحی لیبی‌ها را خاثنی چون شریعتمداری می برد. حزب توده واقاحت را تا آنجا میکشاند که نامه احمد بنی احمد، شتا -

بقیه در صفحه ۲۱

# رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

## قیام بهمن و انحرافات کمونیستها

منفرد شدن از خلق و واگذاری اعمال سر - کردگی به ناهیران سازندگان .

### مشی توده ای - انقلابی و قیام

با رد مشی چریکی از سوی بخش منسب از سازمان مجاهدین خلق و پذیرفتن مشی توده ای - انقلابی، این مشی در سطح جامعه معرفی میگردد. پیش از آن محافل و گروههای هوادار این مشی، آنچنان در لاک خود فرو رفته بودند که انگار وجود ندارند، حتی برخی از آنها تنها پس از قیام ما حیا موعودان شدند. اما جریانات مشی توده ای - انقلابی در این زمان دارای انحرافات راست عمیقی هستند

بدین ترتیب در حول وحوش قیام - یکن جریانات بجای آمده گردن توده ها برای شرکت در مبارزه مسلحانه توده ای اساسا - به دنبال اعتمایات صغی - توده ها روانند . آنها درک نمی کنند که کمونیستها وظیفه دارند در هر سطحی که مبارزات توده ها قرار دارد در آن شرکت کنند، آنرا رهبری نمایند و ارتقا بخشند، اگر مبارزات عموما اقتصادی است و سطح جنبش توده ها افت و روگردان نشان میدهد، می بایستی در مبارزات اقتصادی توده ها شرکت کرد، منتها آنگاه می بایستی در میان آنان بر دوگوشید با آگاه کردن طبقه و توده ها، مبارزات توده را غنا بخشید . همینطور اگر سطح مبارزات توده ها موقعیت انقلابی نشان میدهد، وظیفه ما جل و حیا می کمونیستها تدارک برای قیام ، شرکت فعال در مبارزات خونین توده ها، برای رهبری این مبارزات است . اکنون میسر در این دوران به عنوان جلوای بارز از انحراف راست این جریان، بر اغلب گروههای هوادار مشی توده ای - انقلابی حاکم است . بدین ترتیب بجای شرکت فعال در تدارک قیام ، یکن گروهها سرگرم سازمان دادن جنبش صغی در بسیاری از کارخانه ها برای گرفتن حقوق عقب افتاده کارگران میباشند، در این میان یک حرکت مثبت از سوی سازمان پیکار انجام میگردد، که متاسفانه تحت فشار اکتونومیسیم عقب نشینی میکند .

این موضعگیری انقلابی همانا طرح شعار ایجاد "هسته های مسلح خلق" بود که در اعلامیه ای به همین نام در ۱۶ آذر ۵۷ منتشر میگردد . این اعلامیه دارای یک هسته انقلابی و سالم است و آن اینست که مبارزه مسلحانه توده ای را در دستور میگذارد . اما علیرغم این جنبه مثبت و بسیار اساسی از جنبه های دیگر دچار اشکالات نه چندان کم اهمیتی نیز بود، ولی متاسفانه بجای کوشش در حل نقائص آن، این شعار را هم در جنبه مثبت خود یعنی طرح شعار مسلح کردن توده ها با مخالفت اکثر گروههای موسوم به خط ۳ مواجه شدیم متاسفانه سازمان توانست تدارک نبرد مسلحانه توده ای را سازماندهی کند . بطور خلاصه انحراف اساسی اغلب این جریانات عبارت است از عدم ایفای نقش عنصر آگاه در مبارزات توده ها ، دچار بودن به نوعی "کارگرزدگی" و جدا کردن طبقه کارگر از دیگر اقشار دمکراتیک ، نداشتن

ما رکن آموزش کارگرها را ، انقلاب را جشن تاریخ می نامد، چرا که از دیدگاه کمونیستها هیچ چیز پرشکوهرتر از رهبری مبارزات توده ها در اعلیترین شکلش یعنی قیام مسلحانه توده ها مبارزه مسلحانه توده ای نیست .

قیام آنجا رخ نموده با بر علیه طبقات استثمارگر است . قیام توده ها با قهر انقلابی تنها چاره در هم کوبیدن قهرضا نقلاب (ما شین جنگی و اداری دشمن) است . قیام آشفتگی را رنجهای تاریخ زحمتکش است . آری قیام عالیترین شکل مبارزه طبقاتی است .

کمونیستها می بایستی توده ها را برای چنین دورانی با "دوران طوفانهای سهمگین" آماده کنند و سپس با رهبری قاطعانه شان ، هر طبقه کارگر را بر پیشانی انقلاب بکوبند ، قیام عظیم کارگران و زحمتکشان در انقلاب کبیرا کتب و مبارزه مسلحانه توده ای در چین و ویتنام ، نمونه های درخشانی از نقش رهبری کننده کمونیستها در مبارزه مسلحانه را ارائه میدهد .

اما آیا کمونیستها در زمان قیام بهمن با درکی لینیستی به قیام توده ها می نگریستند؟ واقعیت اینست که در اوج مبارزات توده ها بر علیه شاه خان، کمونیستها دچار بحرانی بوده و به انحرافات غیر پرولتری بسیاری آلوده بودند . گذشته از آنجا که جرم ریز بیونیسیم در عرصه جانی بر علیه ما رکسیم و تشکیلات و بحران جنبش کمونیستی جهان ، پس از خیانت های با نده و خوشف - برژنف و تنگ - هسوا جوانی طبقه کارگر ایران و حضور سالیان دراز اپورتونیسیم گندیده و منط ریز بیونیسیم های خاش توده ای در عرصه مبارزه طبقاتی و تا نیرات اپورتونیسیم مشی چریکی، ضرباتی کاری برجینش کمونیستی ایران وارد آورده بود جنبش نوین کمونیستی که تازه پس از سالهای ۴۲ با مرز بندی با خروش قیام، پیا به میدان گذاشته بود . دارای انحرافات متعددی بود و ضعف پیوند با پرولتاریا در دست میگشاید . مشی چریکی که از سالهای ۴۹، حاکمیت بی قید و شرط خود را بر جنبش کمونیستی اعمال کرده بود و برای مدتی کعبه آمال روشنفکران و دانشجویان انقلابی گردیده بود، با توجه به مبارزه خونین توده ها شدت زیر سوال میبرد در چنین شرایطی بر جنبش نوین زحمتکش از مرز اعلا به موقعیت انقلابی گذر کرده و آرام آرام به قیام نزدیک میشود . کمونیستها نتوان از با سخوگی به معضلات جنبش، نظاره گر اعمال سرکردگی ناپیگیرترین و منززلترین قشر خرده بورژوازی (خرده بورژوازی مرفه سنتی) برجینش خونین خلق هستند .

در این زمان گذشته از انحراف راست در برخورد به رهبری خرده بورژوازی یعنی عدم مبارزه با جنبه های منفی آن و تشکیلاتی تا نید همه جا نیه رهبری خرده بورژوازی و همینطور لیبرالها ، تا حد "ملی" یا حداقل "ملی لیبرال" دانستن آن دوانحرف اساسی نسبت به قیام توده ها قابل برخورد است .

جنبش کمونیستی در این زمان مرکب از دو جریان اساسی است ، یکی مشی توده ای - انقلابی و دیگری مشی چریکی . هر دو ایکن جریانات نمی توانند از دیدگاه لینیستی به استقبال قیام بروند . یکی عمدتاً دنبال عقب مانده ترین توده ها روان است و دیگری خود به مبارزه مسلحانه جدا از توده دست میزند اما نتیجه یکی است : عدم پیوند با توده ها ،

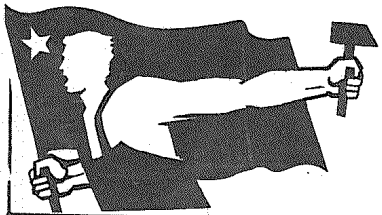
اعتلاء یا موقعیت انقلابی سخن از نبرد مسلحانه میگفت (ما ننند کونومیسته که در دوران مبارزه نظامی نیز مانند دوران افت، مبارزه صغی را طلب می کنند) مشی چریکی این اصل کمونیستی را که انقلاب کار توده ها است نفی میکرد و بجای متشکل کردن توده ها و پرورش آنان برای مبارزه مسلحانه توده ای دست به اعمال جدا از توده می زد و از توده ها قاطعه میگرفت .

هنگامی که قیام مدر گرفت یکسری از کمونیستهای طرفدار مشی توده ای - انقلابی و از جمله رفقای سازمان ما علیرغم فقدان سازماندهی لازم در قیام شرکت نمودند ، به علاوه چریکها نیز در قیام شرکت جستند ، منتها چریکها بخاطر آمادگی رزمی خود را ای کیفیت با لائری در جنگیدن بودند و قدرت انطباق بیشتری داشتند و به همین خاطر چند احواسد چریکی را به مرکز برخی از درگیریه فرستادند .

این امر اگر چه امر بسیار مثبتی بود ، ولی به هیچوجه معنای تدارک قیام ما را نسا ناسب چریکها نبود . آنها از راهی که ما همسازان تا کتیک ده ساله به مبارزه مسلحانه دست زده بودند و نه از روی درک قانومندیهایی موقعیت انقلابی . لازمست بگوئیم که فدا نیان در اعلامیه مهز ۵۷، شمار محوری جنبش دانشجویی را نه تدارک قیام . . . بلکه شمار صغی اخراج کار د از دانشگاه قرار میدهند و در اعلامیه بهمن ماه بدون ان تقا کمونیستی از مشی چریکی حاکم بر سازمان وظیفه اصلی کمونیستها را رفتن به کارخانه ها و ایجاد حزب طبقه کارگر از طریق کار در کارخانه ها میدانند . در حالیکه وظیفه ما مبارزه با انچه که میباید بود ، مبارزه با انچه که کمونیستها وظیفه در آمیختن با توده ها را دارند و انقلاب کارگروهی جدا از توده نیست . هواداران مشی چریکی (سازمان چریکهای فدائی خلق) میخواهند ، نبرد مسلحانه را خود انجام دهند . آنها پیروزی انقلاب را در آتش مسلسلهای خود میدیدند ، نه در کارگران رطوفان خلق . بدین ترتیب آنها هیچ کوششی در جهت سازماندهی مبارزه مسلحانه توده ای انجام ندادند . آنها ترور و دموزدور را با انفعال ریگ ما شین پلیس را بجای متشکل کردن انبوه توده های آماده ، رزم مسلحانه نام میگذاشتند . آنها کوشی برای خود مبارزه میکردند ، اگر چه تا کتیک ما رکسیستی نبرد مسلحانه در افت یا اعتلاء نادرست بوده ، اما در دوران موقعیت انقلابی ، تا کتیک بحق است . لیکن بایستی گفت میان تا کتیک ما رکسیستی - نبرد مسلحانه توده ای آنچه فدا نیان انجام میداد ، فاصله از زمین تا آسمان است . تا کتیک ما رکسیستی نبرد مسلحانه ، دلالت دارد بر متشکل کردن آنچنان امروز در گردستان می بینیم نمونه خوبی است . پیشرگان چون ماهی در دریای خلق می رزمند و پیشمرک کسی نیست جز دهقانان و یاشهربان زحمتکش کرد که توسط روشنفکران کمونیست رهبری میشود . مشی چریکی از نبرد مسلحانه ، توده ها و سازماندهی آنها را حذف می کند و نتیجهد ما را نمانده خود را بجای قیام خلق مینماید . بدین ترتیب مشی چریکی نیز توده ها را و می نهد تا به دنبال اقشار غیر پرولتری روان شوند و به سکویش برش خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی متوسط بدل گردند ، تا دوباره حاکمان جدید سرمایه داری وابسته غارت و استثمارشان کنند . جلاجه کنیم مشی چریکی تا شرفت و تادورها را بر تا کتیک مبارزاتی نمی دید ، یعنی چه در افت یا

### مشی چریکی و قیام

اما اگر کمونیستهای طرفدار مشی توده ای - انقلابی فرستگها از موقعیت انقلاب و تدارک ملزومات قیام دور بودند ، بیروان مشی چریکی نیز فرستگها از توده ها و ملزومات مشی لحظه قیام ما مله داد شدند . آنها از ده ساله پیش تا ان هنگام ، تنها یک تا کتیک را بیگانه تا کتیک صحیح مبارزه طبقاتی میدانستند و آنهم تا کتیک نبرد مسلحانه روشنفکران جدا از توده بود . آنها در افت ، اعتلاء و موقعیت انقلابی همواره از یک شیوه مبارزاتی سود می جستند . آنها درک نمی کردند که تا کتیک - های مبارزاتی با توجه به سطح جنبش توده ای انتخاب میگردد و بخصوص آنها نمی فهمیدند که کمونیستها وظیفه در آمیختن با توده ها را دارند و انقلاب کارگروهی جدا از توده نیست . هواداران مشی چریکی (سازمان چریکهای فدائی خلق) میخواهند ، نبرد مسلحانه را خود انجام دهند . آنها پیروزی انقلاب را در آتش مسلسلهای خود میدیدند ، نه در کارگران رطوفان خلق . بدین ترتیب آنها هیچ کوششی در جهت سازماندهی مبارزه مسلحانه توده ای انجام ندادند . آنها ترور و دموزدور را با انفعال ریگ ما شین پلیس را بجای متشکل کردن انبوه توده های آماده ، رزم مسلحانه نام میگذاشتند . آنها کوشی برای خود مبارزه میکردند ، اگر چه تا کتیک ما رکسیستی نبرد مسلحانه در افت یا اعتلاء نادرست بوده ، اما در دوران موقعیت انقلابی ، تا کتیک بحق است . لیکن بایستی گفت میان تا کتیک ما رکسیستی - نبرد مسلحانه توده ای آنچه فدا نیان انجام میداد ، فاصله از زمین تا آسمان است . تا کتیک ما رکسیستی نبرد مسلحانه ، دلالت دارد بر متشکل کردن آنچنان امروز در گردستان می بینیم نمونه خوبی است . پیشرگان چون ماهی در دریای خلق می رزمند و پیشمرک کسی نیست جز دهقانان و یاشهربان زحمتکش کرد که توسط روشنفکران کمونیست رهبری میشود . مشی چریکی از نبرد مسلحانه ، توده ها و سازماندهی آنها را حذف می کند و نتیجهد ما را نمانده خود را بجای قیام خلق مینماید . بدین ترتیب مشی چریکی نیز توده ها را و می نهد تا به دنبال اقشار غیر پرولتری روان شوند و به سکویش برش خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی متوسط بدل گردند ، تا دوباره حاکمان جدید سرمایه داری وابسته غارت و استثمارشان کنند . جلاجه کنیم مشی چریکی تا شرفت و تادورها را بر تا کتیک مبارزاتی نمی دید ، یعنی چه در افت یا



## پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی



# نگاهی به گوشه‌هایی از فعالیت سازمان دردوران قیام

سازمان ما فعالیت نوین خود را بعد از تغییر می چریکی و پذیرش مئی توده‌ای - انقلابی همراه با اطلاعیه مهر ۵۷ آغاز نمود. "اطلاعیه بخش منشعب م - سال سازمان مجاهدین خلق" که در مهر ۵۷ منتشر گردید، اگر چه دارای انحرافات استروانه‌ای بخصوص دربرخورد به بورژوازی لیبرال بود اما نقش بسیار پررنگی در جهت‌گیری دگرگون‌کننده به آنچه به "خط" سه "موسوم" است، داشت و در کنار رواج در جریان رویزیونیستی "حزب توده" و جریان آوانتویستی سازمان چریکهای فدائیک، جریان نویستی را در سطح جامعه مطرح ساخت که ضمن مرزبندی پارویزیونیسم حزب خائن توده، با مئی چریکی چریکهای فدائیک نیز مرزبندی داشت. اگر چه برخی محافل که دارای مئی توده‌ای - انقلابی بودند، قبل از اعلام مواضع جدید بخش منشعب در مهر ۵۷، وجود داشتند، لیکن اساساً در سطح جامعه کاملاً ناشناخته بودند، با انتشار اطلاعیه در مهر ۵۷ بخش وسیعی از نیروان مئی چریکی آژان بریده و به سوی "بخش منشعب" جذب شدند بطوریکه اغلب نیروهای پیرو مئی توده‌ای - انقلابی را در ابتدا "مجاهدین" (م - ل) می خوانند و عموماً بعداً رقیما می‌بود که نام "خط سه" - "بسر" آنان را تثبیت شد.

سازمان ما فعالیت نوین خود را بعد از تغییر می چریکی و پذیرش مئی توده‌ای - انقلابی همراه با اطلاعیه مهر ۵۷ آغاز نمود. "اطلاعیه بخش منشعب م - سال سازمان مجاهدین خلق" که در مهر ۵۷ منتشر گردید، اگر چه دارای انحرافات استروانه‌ای بخصوص دربرخورد به بورژوازی لیبرال بود اما نقش بسیار پررنگی در جهت‌گیری دگرگون‌کننده به آنچه به "خط" سه "موسوم" است، داشت و در کنار رواج در جریان رویزیونیستی "حزب توده" و جریان آوانتویستی سازمان چریکهای فدائیک، جریان نویستی را در سطح جامعه مطرح ساخت که ضمن مرزبندی پارویزیونیسم حزب خائن توده، با مئی چریکی چریکهای فدائیک نیز مرزبندی داشت. اگر چه برخی محافل که دارای مئی توده‌ای - انقلابی بودند، قبل از اعلام مواضع جدید بخش منشعب در مهر ۵۷، وجود داشتند، لیکن اساساً در سطح جامعه کاملاً ناشناخته بودند، با انتشار اطلاعیه در مهر ۵۷ بخش وسیعی از نیروان مئی چریکی آژان بریده و به سوی "بخش منشعب" جذب شدند بطوریکه اغلب نیروهای پیرو مئی توده‌ای - انقلابی را در ابتدا "مجاهدین" (م - ل) می خوانند و عموماً بعداً رقیما می‌بود که نام "خط سه" - "بسر" آنان را تثبیت شد.

سازمان ما بعداً از تغییر مئی خود فرموله نمودن دیدگاه‌ها پیش نسبت به قدرت سیاسی، مسئله حزب، رویزیونیسم و... به‌فعال لیست تبلیغی - سیاسی گسترده‌ای دست زد. نگاه ما به مجموعه انتشارات تبلیغی سازمان نقش فعال و پیشروسا زمان را در درکوران او و چریکی مبارزه طبقه‌ای توده‌ها، نشان می‌دهد سازمان در برابر تحولاتی که در جامعه صورت میگرفت، بی‌توجهی و بی‌توجهی بود. به تحلیل آنها پرداخته و وظایف توده‌ها و طبقه کارگر و کولچه نیروهای انقلابی و کمونیست را در مقابل آنها روشن می‌نمود. وقتی کودتای نظامی دولت از هاری صورت گرفت اگر چه به طرح آلترنا تویولیرال - ها از جانب امپریالیسم توده‌ها می‌نمود اما به تحلیل وضعیت ارتجاع پرده خت و رونده آتینده جنبش و وظایف توده‌ها را توضیح داد و نقش خائنانه لیبرال‌ها را افشا نمود. در اعلامیه‌ای خطاب به کارگران مبارزان، رزمندگان کمونیست "با تشریح شرایط جنبش برای کمونیستها، با انحرافات آکونو - میستی که به نقش جنبش دگرگون‌کننده می‌داد، مرزبندی کرده و ضرورت رهبری طبقه کارگر و تبلیغ و ترویج حول آن را بازگویی نمود. سپس در تراکت‌های متنوعی به تشریح و تبلیغ وظایف کارگران، زحمتکاران، نه‌موسوم - کراهای انقلابی نیروهای مبارزان را روشن کرد و پرداخت. با با تسور مطبوعات و ضرورت انتشار تکثیر اخبار جنبش را طی انتشار تراکت‌های به‌توده‌ها توضیح داد و خود برای مقابله با تسور مطبوعات به انتشار نشریه "اخبار انقلاب" پرداخت. سازمان با یادک شرایط، به تبلیغ و ترویج ضرورت تشکیل هسته‌های مسلح و در دستور قرار دادن مبارزه مسلحانه توده‌ای اقدام کرد و در وظایف نیروهای انقلابی و توده‌ها را در مقابل این تاکتیک روشن نمود. اگر چه اعلامیه‌ها توده‌ها را مسلح دارای انحرافات معینی بود که ما در جای دیگر به آن پرداختیم اما این اعلامیه دارای یک جوهر مائستی بود و در شرایط مسلح انحرافات آکونومیستی بر جریان "خط ۳" تشریح بود علیه آکونومیسم سازمان برای کارگران نفت و... نیز پیاپی می‌آمده و در شرایط عملی آنان را در مقابل رژیم روشن نموده و از توده‌ها دعوت نمود به

## اطلاعیه

بخش مائستی - تسنی  
سازمان مجاهدین خلق ایران

## کارگران مبارز! رزمندگان کمونیست!

بشرطت عهد با سازمان مبارزه مسلحانه تریز  
ملح جنگ مسلحانه می‌باشند و در صورت  
عدم تحقق این اهداف در هر دو صورت  
فاجعه ستم‌آمیز و خونخوار در پیش است  
سازمان مجاهدین خلق ایران  
۱۳۰۷

پیش‌بسی برای تسکیل  
پیش‌بسی برای تسکیل  
پیش‌بسی برای تسکیل  
پیش‌بسی برای تسکیل  
پیش‌بسی برای تسکیل

مبارزه مسلحانه را تا نابودی کامل امپریالیسم ادامه دهید!  
هموطنان مبارز!  
فاجعه ستم‌آمیز و خونخوار در پیش است  
این آلت سرکوب و ستم باطل را بشکنید  
امپریالیسم نیست  
همیشه بسیاری از استبدادها  
انقلاب در سر حرکت  
نابودی کامل استبداد  
منشک تمام

# اخبار انقلاب

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
۰۷/۱۱/۵۹

پیش‌بسی برای تسکیل "شوراهای انقلابی سربازان"  
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
کاتک باشد باید از طریق شورای ایران در موافقت فرماندهان آن واحد انتخاب شده  
... تا باشد، فرمانده کل انتخاب شود.

## پیش‌بسی برای تسکیل هسته‌های مسلح خلق

مردم قهرمان ایران!  
تأمین و تدارک سلاح و مهمات بهترین منبع تأمین سلاح  
در ارتش نیروهای نظامی است، علاوه بر سلاحهای  
در سربازان، درجه داران و افسران دا  
در سلاح و تجهیزات  
که نظامی، کلانش نابود باد ارتش آمریکا و ضد خلقی رژیم شاه خائن  
از تسلیح و تسلیح و تسلیح و تسلیح

کادگان مبارزان  
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
دموکراتیک و پرولتاریا،  
شرط اصلی پیروزی کامل انقلاب، شرکت یکپارچه و مستقل سیاسی طبقه کارگر  
تظاهرات خونین مردم در شهرها  
نابودی قطعی رژیم وابسته شاه خائن، فقط با تکاء قدرت مسلح خلق امکان پذیر است.  
تظاهرات خونین مردم در شهرها  
نابودی قطعی رژیم وابسته شاه خائن، فقط با تکاء قدرت مسلح خلق امکان پذیر است.

بعالیت سوسیالیستی و دموکراتیک را ذکر میکند و با انحراف اگونیستی در برخورد به قیام مرزبندی می نماید. سندشاره ۲ تراکت: چه سیستمی منافع امپریالیستها را تامین میکند؟

که در آن توضیح میدهد که منافع امپریالیستها چرا با منافع رژیم شاه هرگز خورده است و بعد ریخ از آن حمایت میکنند و بسته فاشی ماهیت ضد خلقی سیستم سرمایه داری وابسته رژیم ارتجاعی شاه می پردازد. تراکت: کارگران و زحمتکشان!

که در آن نقش طبقه کارگر در جنبش توضیح داده میشود. تراکت: هم میهنان مبارز! در این تراکت عقب نشینی شاه، ماهیت قانسون اساسی و نقش لیبرالها مورد افشاح قرار گرفته است. تراکت: هم میهنان مبارز! در این تراکت نیز معنی آزادی و استقلال و چگونگی تحقق آن توضیح داده شده است. تراکت: کارگران و زحمتکشان!

که در آن ضرورت تشکیل حزب کمونیست، علت اینکه طبقه کارگر پیگیرترین نیروی دمکرات است. تراکت: دمکراتهای انقلابی، انقلابیون کمونیست

در این تراکت ضرورت وحدت انقلابیون و مقابله با خنرفه اندازی نیروهای ارتجاعی و قشری مورد تاکید قرار میگیرد. بزرگترین دژ امپریالیستهای جهان خوار در منطقه فرامیربزد

در این تراکت ضمن پیش بینی سرنگونی نزدیک رژیم شاه، نقش شکل تصرف قدرت سیاسی (قیام) مورد تاکید قرار میگیرد. به پشتیبانی از جنبش اعصابی کارگران مبارز صنعت نفت برخیزیم.

در این تراکت ضرورت و چگونگی پشتیبانی توده ها از کارگران نفت توضیح داده میشود. معنی پیروزی چیست

در این تراکت معنی پیروزی که جز نابودی رژیم ارتجاعی سرمایه داری وابسته شاه و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق نیست، توضیح داده میشود. از آخرین انتشارات آن ماه انتشار

نشریه کارگری "خبرنامه کارگری" است که در آن شرح اعصاب، با ترمینار و کارگران درج شده است. آذرماه ۵۷ تراکت: برادران ارشد!

در این تراکت برای سران و درجه داران ارتش، نقش ارتش ضد خلقی و جنایات آن توضیح داده شده است و از آن دعوت میشود که به جنبش انقلابی خلق بپیوندند. تراکت: افراد ارتش را دیوار چین از خلق جدا نمی سازد. در این تراکت توضیح داده میشود که تنها فرزندان زحمتکشان هستند نیز مورد ستیز رژیم شاه و ارتش ضد خلقی قرار میگیرند و از پرسنل انقلابی ارتش دعوت میشود همبانی خلق، به مبارزه علیه رژیم بپردازند. تراکت: دفاع از آب و خاک یا دفاع از منافع کثیف جهان خواران امریکائی و رژیم فارت گرشاه!

طبقه کارگر توضیح داده شده و از توده ها دعوت میشود با برپائی اعتصابات، نظاهرات سیاسی و کمک رسانائی مادی به حمایت از کارگران اعصابی برخیزند.

تراکت: با تشکیل هسته های مسلح، ارتش انقلابی خلق را هر چه قوی تر تدارک ببینیم! در این تراکت از توده ها دعوت میشود تا مبارزه مسلحانه را در دستور کار داشته و با تشکیل هسته های مسلح به جنگ مسلحانه علیه رژیم برخیزند.

اعلامیه: پیش به سوی تشکیل هسته های مسلح در این اعلامیه مورد ضرورت به کار گرفتن تاکتیک فوق و اشکال عملی مبارزه مسلحانه که در دستور قرار گرفته است، توضیح داده میشود و از آن به عنوان تاکتیک درجهت ارتقا سطح مبارزات توده ها یاد میشود.

تراکت: سااکی ها، خائنین، جا سوسان و غیر... چنان را معرفی و مجازات کنید. در این تراکت مجازات عوامل رژیم به عنوان یکی از وظایف هسته های مسلح و توده ها مورد تاکید قرار میگیرد.

تراکت: سرپازان، درجه داران و افسران شرافتمند! در این تراکت به سرپازان رهنمودهایی در چگونگی تشکیل ارتش مسلح خلق داده میشود.

تراکت: با تشکیل هسته های مسلح، ارتش انقلابی خلق را تدارک ببینیم. این تراکت نیز به توضیح ضرورت برپا داشتن هسته های مسلح می پردازد.

تراکت: توطئه سکوت رژیم مزدور شاه خاکن را خنثی کنیم! در اینجا به افشای توطئه رژیم مزدور مزدور مطبوعات برای بی خبرگذاشتن توده ها از وضعیت جنبش پرداخته میشود و وظایف توده ها درقبال این عمل ارکاء انتشار و تکثیر مطبوعات و شرح نظاهرات و اعتصابات توضیح داده میشود.

تراکت: توطئه سکوت رژیم شاه را با شرکست مواجعه کنیم. این تراکت نیز مضمونی شبیه تراکت بالا دارد. نشریه خبری "اخبار انقلاب"

این نشریه به دنبال رهنمودی که سازمان درجهت پخش اخبار رومبارزات توده ها، برای مقابله با سانسور مطبوعات داده بود، از طرف خود سازمان انتشار رومورد استقبال وسیع قرار میگیرد.

دی ماه انتشار رساله های ۴ و ۳ و ۲ اخبار انقلاب این نشریه خبری زمانی که مطبوعات به همست توده ها از زیر تیغ سانسور آزاد میشوند، دیگر منتشر نمی شود.

"کارگران مبارز صنعت نفت!" منتشر میشود و ضمن توضیح نقش خردکننده اعصاب عظیم کارگران نفت که رژیم را بلرزاندند، خسته بود، وظایف کارگران را درطول اعتصاب شرح میدهد.

اعلامیه: "شاهپورختیا رجری توطئه جدید امپریالیسم امریکا و رژیم شاه" در این اعلامیه توطئه جدید امپریالیسم که بصورت برسرکار آوردن شاهپورختیا را مفعلا توضیح داده میشود. تراکت: کارگران مبارز صنعت نفت، پیشگاه ما جنبش ضد خلقی و ضد امپریالیستی ایران! به توضیح نقش مبارزات کارگران صنعت نفت و وظایف آنان می پردازد.

وابسته و افشای سازشکاران توضیح داده میشود. اعلامیه: کارگران مبارزان اعضای سندیکای مستقل با فتنه سوزنی و کتیفات!

در این اعلامیه، مبارزات کارگران با فتنه سوزنی مورد حمایت قرار میگیرد. اعلامیه: با توطئه اخراج کارگران به مبارزه برخیزیم! تحت عنوان فوق ضمن توضیح علت بیگار شدن کارگران، راه مقابله با آن و وظایف کارگران را در این رابطه توضیح میدهد.

تراکت: با مبارزه قهرآمیز توده های انقلاب را به آخر برسانیم! در این تراکت نیز ضرورت مبارزه قهرآمیز علیه رژیم برای تکرار شدن تجارب سوم ۲۸ مرداد ۳۳ و امثال آن، توضیح داده میشود. تراکت: انقلاب را تا به آخر ادامه دهیم

در این تراکت علیه سازش رهیبران هشدار داده میشود و از توده ها خواسته میشود با مبارزه مسلحانه تا سرنگونی کامل رژیم، انقلاب را ادامه دهند.

تراکت: مبارزه مسلحانه را تا نابودی کامل سلطه امپریالیسم ادامه دهیم! در این تراکت که در روز ۲۲ بهمن منتشر میشود، علیه اصطلاح "بیطرفی" دروغسنان ارتش هشدار داده میشود و ضرورت نابودی کامل ارتش دست پرورده امپریالیسم توضیح داده میشود.

اعلامیه: پیش به سوی تشکیل شوراهای انقلابی سرپازان این اعلامیه ۴ روز بعد از پیروزی قیام خطاب به پرسنل انقلابی منتشر شد و در آن ضرورت تشکیل شوراهای سرپازان، افشا و طرد فرماندهان مزدور... توضیح داده میشود.

اعلامیه: ارتش مسلح خلق و ارگانهای دفاع توده ای را سازمان دهیم! در این اعلامیه نیز چگونگی حفظ دستاورد های قیام و مقابله با فدا انقلاب سابق توضیح داده شده در عین حال دارای انحرافات راستروتهای در برخورد به رژیم جدید بود. کلا اعلامیه هایی که در دوران اولیه حکومت جدید منتشر میشد، عمدتاً دارای انحرافات راستروته بودند.

اعلامیه: دولت موقت انقلابی و برنامهای آن در این اعلامیه سازمان درک خود از دولت موقت انقلابی و وظایف آنرا توضیح داده داد.

اعلامیه: پیش به سوی تشکیل شوراهای کارگری! در این اعلامیه ضمن ضرورت تشکیل شوراهای به منظور حفظ دستاوردهای قیام، وظایف آنرا نیز توضیح میدهد.

در اوایل بهمن ماه ۵۷ سازمان به نشریات ترویجی و سیاسی کارگری از جمله "پیکار کارگر" و "کارگر به پیش منتشر نمود، شماره پیکار کارگری درباره توضیح "جمهوری دمکراتیک خلق" و دیگری در مورد "حزب" پیرو تشکیل آن و نقش آن در انقلاب بزرگان سازماندهی کارگران منتشرگشت.

کارگر به پیش شماره ۱ نیز در اوایل بهمن ماه انتشار یافت که چگونگی سازماندهی مبارزات کارگران و تشکیل هسته های کارگری را شرح میدهد، همچنین جزواتی نظیر "اعتصاب لایحه موتوروز... که به جمع بندی مبارزات کارگران و نقاط ضعف وقت آن میپردازد، منتشر میشود.

سازمان بعد از قیام نیز فعالیت کارگری (سوسیالیستی) و دمکراتیک خود را افزایش داد و امروزه با جمع بندی از تجارب گذشته میکوشم تا سرخ پیروزی پرولتاریا ایران را هموار سازیم. برافراشته با پرچم سرخ پرولتاریا ایران!

کمکهای مالی دریافت شده

Table with multiple columns listing names and amounts. Includes names like 'مهندس...', 'خانم...', 'آقای...' and amounts in Rials.

رفقای پیکار سلام

امیدوارم در پیکار انقلابی تان پیروز باشید.

طی رهنمود صحیحی که در پیکار ۸۶ برای ارسال منظم کمکهای مالی نوشته بودید، تصمیم گرفتیم از این به بعد کمکهای مالی خود را بطور منظم هر ماه ۹۴۵۵ ریال (۲۲۲۵ ریال حقوق ما ماهانه ۷۲۰۰ ریال فوق العاده یعنی حق ما موریت) برایتان بفرستیم.

من میتوانم از پولی که بوسیله خا نوداه ام در یافت میکنم، گذران کنم، و وظیفه خود می دانم زهر ظریفی که میتوانم (حتی از جانم) به برقراری جمهوری دموکراتیک خلق (و ناکزیر به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) کمک کنم.

با آرزوی موفقیت برای پیکارگران سرپازان خواهی داد! سازمان درجهت (ع) توجه: کمکهای ارسال کردار رفقای تهران و میاندوآب بعلت کمبودجا در شماره آینده درج خواهد شد.

بقیه از صفحه ۱۲ قیام ۵۵

طبقه کارگران نسته بودند تا مهر خود را بر بسپارن این جنبش دلاورانه بکوبد. اما طبقه کارگر توده های ستم دیده توقف نخواهند کرد آنها تا دیروز علیه رژیم سرسپرده به سلولی مبارزه میکردند و امروز علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به مبارزه خود ادامه میدهند. آنان این بار مصمم اند تا در زیر پرچم سرخ طبقه کارگران استقرار جمهوری دمکراتیک خلق به پیش روند.

همراه با پیکار شماره ۹۳:

ضمیمه اول: کارنامه جنایات دوسالسه رژیم جمهوری اسلامی  
ضمیمه دوم: کارنامه مختصر مبارزات دلاورانه طبقه کارگر و خلقهای ایران علیه امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی

## همه جا حبه با عده های از رفقا:

# هددوش با خلق در قیام مسلحانه شگوه همدند بهمن

در پی خلع سلاح مردم بودند آنها عوا مفریانه میگفتند سلاحها را باید به دکان کده سر کنترل نیروی هوایی میباشند تحویل داد اما بروا ضاح است که آنها میخواستند سلاح بدست مردم نیفتد و سرنوشت آنها را نا رهبران تعیین کنند. در واقع در همین زمان است که ضد انقلاب جدید شکل گرفت.

## تصرف مرکز ساواک سلطنت آباد و اوین بدست خلق

"الف": شبیه دشره غوغا بود و تمام خیا با آنها و کوجهها و محله ها در انتظار وقوع حادثه بزرگ بودند. شتوالاتی از قبیل اسلحه از کجا کبیریا وریم؟ کسی ارتش سقوط میکند؟ چقدر کشته خواهد داد؟... در فضای شهر برای کشته بود و نظا هرات، گردهمایی های پراکنده در اینجا و آنجا و شجریا فریسا د "رهبران ما را مسلح کنید"، "در جریان بود بعد از ظهر زمانی که اعلام حکومت نظامی شد ما آمدم و در نقاط جمعا لزا ده - آزادی یک گروه تشکیل داده و شروع به ساختن کوکتل مولوتف کردیم.

یکشنبه صبح به اطراف پا دگان نیروی هوایی رفتیم. همافران مبارز چهره های خود را سیاه کرده بودند تا مورد شناسایی عوام مل مزدور شاه قرار نگیرند. آنها در حالیکه سلاح در دست داشتند مردمی سلاح را به پنا ه گاهها هدا یت میکردند. من به یکی از آنها گفتم چرا ترمزد کردید با اعدا منی ترسید؟! به من لبخند زد. روحیه او سرش را برودا زنجابازی او خود گذشتگی، آنها که از رژیم فاسد شاه فرما ندها ن مزدور ارتش آریا میری بشدت متفر شده بودند به جنبش خلق روی آورده بودند تا به همت توده های خلق نظامی جدید برقرار شود. اما آنها در آن موقع ننمیدانستند که رژیم جمهوری اسلامی همان ارتش و همسان فرما ندها ن مزدور را دوباره ابقاء خواهد کرد و بر سر نوشت آنها ن حاکم خواهد نمود. دوشنبه صبح به طرف ساواک سلطنت آباد در رفتیم. جایی که در زمان شاه خن مرکز جاعتی کمیونستها و سایر انقلابیون بود. جایی که کوهی از اسناد را در مورد کمیونستها و آزادیخواهان در خود انباشته بود. در زمان شاه این محل مرکز مخوفی بود که کسی جرأت نزدیکی به آنرا نداشت. اما اینک سقوط کرده بود. مبارزات قهرمانان توده ها تمامی مراکز دشمن را مانند کاذب غنای مجا له نموده و پیوستگی ذاتی رژیم را به نمایش گذاشته بود. ما به همراه عده از مردم به دیوارها و ساواک حمله کردیم و آنرا خراب نمودیم. از میان جمعیت فرساید میزدند داخل تروید مین منفجر میشود. ولی در همین موقع بناگهان یکی از افراد جان باخته در داخل شکافی که ایجاد شده بود نیبورد. که بلافاصله یک مین منفجر میشود درجا او را میکشد. در حقیقت مردم بخاطر این به



رویا روشی انقلاب و ضد انقلاب در روزهای قیام. صحنه هایی که این روزها نیز منتهی حماسه آفرین تکرار میشود . . . .

مردم نشان میدادند. با لآخره در حالیکه مردم بسوی در همدیگر افسار میدادند، ناگهان به داخل هجوم برده و بسوی اسلحه خانه دویدند و در آنرا با لگدگشودند. همه خود را مسلح کردند و ما نیز سه قبضه - ۳ صا دره کردیم تا بعد شده بود که گاردیها به پای دگان حمله خواهند کرد و به همین خاطر مردم برای مقابله با گاردیها شانه ها می طلبدند. در جلوسود فرما ندها ن سعی میکردند اسلحه ها را از مردم بگیرند، ما یکبار از سربازان و یکی از افسران جوان مردم را به مقابله دعوت کرده و در همان لحظه که آنها را استعمال را بلد نشودند ترمز میدادند. ما برای دفاع از پادگان و مقابله با گاردیها دریا دگان ما نندم. در همین زمان یک عده از کمیتتهی ها به آنجا آمدند. آنها همزمان با فرما ندها ن، مخالف ما دره اسلحه ها بودند. مسئله جالب این بود که بر خورد سربازان و افسران از یکطرف و فرما ندها ن و از جمله یک سرهنگ تمام از طرف دیگر. ما ملا متفاوت بود. در برخورد سربازان و افسران روحیه همراهی و همدلی با مردم موج میزد. در حالیکه در برخورد سرهنگ تمام روحیه افسران به قوا نین ارتجاعی و رعایت نظم و دیسیپلین شانه ها می سلط بود. آنچنان روحیه محافظه کارانه و اعتقاد به نظم کهن بر آنان حاکم بود که موقعی که مردم با تعرض خود آنها را اسلحه خالی کرده بودند یکی از این فرما ندها ن که چند اسلحه را از مردم گرفته بودند دنبال شماره های اسلحه میگشت تا در انبار آنها را دوباره تنظیم کند!

نگته جالب دیگر این بود که از آنجا که مقاومت همافران در برابر گاردیها در میان مردم نسبت به نیروی هوایی سمپا یت موجود آورده بود از آنجا که این پا دگان متعلق به نیروی هوایی بود کمیتتهی ها از این روحیه سوء استفاده کرده و از مردمی که از ما گز مختلفا اسلحه ما دره کرده بودند میخواستند تا اسلحه های خود را به پای دگان ما سپردند جنوبی تحویل دهند. کمیتتهی ها که وابسته به ناهربان سازتکار بودند از همان روز قیام

کوچک بردزیدای ندارد و به همین خاطر ما خواها ن متشکل شدن هستیم. من گفتم: ما همدین نیستیم، من بیگاری ام. و گفت بهر حال ما حاضریم شما همگاری کنیم. بر این اساس یک قرار رژیم را تبدیل کردیم و دوباره به تیرا ندازی مشغول شدیم در همین لحظه بود که یک نفر بی سلاح که در کنار من قرار داشت از سمرودا ما بت مزدوران شاه قرار گرفت و بلافاصله در برابر چشم ما من به شهادت رسید. مسئله ای که بسیار جالب بود روحیه سلحشورانه مردم بود. آنها بدون سلاح در پشت درختها، کنار دیوار، پشت ماشین های ارتشی معادله شده. توی جوی ها و پشت افراد مسلح سنگر گرفته بودند و شوق شکست دادن دشمن سراپای آنها را فرا گرفته بود. آنها از هیچ چیز نمی ترسیدند. آدم میدیدوا قما توده ها تاریخ سازند آدم میدیدم ما نی که توده ها به عمیان درمی آیند مشهورانه ترین اقدامات و ابتکارات را بکار میبندند. با لآخره در آنکه سقوط کرد و زمانی که من به انبار میجات رسیدم همه اسلحه ها معادله شده بود. فقط نارنجکها باقی مانده بود. من یکبار نارنجک معادله کرده بودم تا بتوانم در جای دیگر آنها را بکار بگیرم.

## تمایل سربازان و ضدیت فرماندهان نسبت به قیام

"س" و "ق" ما یکشنبه صبح مسلح به اسلحه کمتری چهارده تیربارا شوت و اسلحه کمتری ۷/۶۸ که متعلق به سازمان بود بسوی پا دگان هوایی مهرآباد حرکت کردیم. مردم وسیعی دور تا دور پا دگان را محاصره کرده بودند. عده ای از سربازان که در اطراف نگهبانی بالای دیوارها سنگر گرفته بودند مردم را به هجوم تشویق میکردند. مردم در تشنه اسلحه با التهاب در پی هجوم بودند و در همین موقع فرما ندها نی که آنجا بودند با دادن اسلحه مخالفت میکردند، اما درست برعکس برخی از سربازها در اسلحه خانه را به

دردوران قیام، سازمان ما علیرغم موضعگیری درست خویش در قبایل ضرورت قیام مسلحانه توده ای از استحکام سازمانی متناسب برخوردار نبودیم که بتواند نقش رهبری کننده ای در بسیج سازمان تدهی توده ها اعمال نماید. اما این ضعف که نکاسی از ضعف عمومی جنبش کمونیستی بود ما بجای خود به آن برخورد کرده ایم هرگز - آنطور که برخی فرما ندها ن ما بلند - به معنی آن نبود که رفقا و هواداران پیکارگر ما، در قیام مسلحانه برای درهم شکستن رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خن هیبای توده ها شرکت فعال داشته باشند.

با حرکت از همین واقعیت، با عده ای از رفقا که امکان تماس با آنها فرا هم بود (و به اندازه ای که در صفحات محدود نشریه پیکار بگنجد) مصاحبه های ترتیب داده ایم که در زیر ملاحظه می نماید. مصاحبه های که بطور زنده گوشه های از قهرمانی های پرتکوه توده ها را علیه رژیم شاه خن به نمایش گذاشته و بطور مشخص نشان میدهد چگونه دولت محصول سازش از همان روز قیام به خلع سلاح توده ها و انقلابیون دست میزند!

## سقوط دانشکده افسری

"ج": یکشنبه صبح همراه یکی از رفقای مرکزیت با مسلسل "شتا بر" دست ساخت خود سازمان به پای دگان قلعه مرغی رفتیم. پا دگان تسلیم شده بود اما توده های مردم ما در آنجا دیگر که شری از دشمن بودند توده اسلحه بودند. فرما ندها ن شانه ها می جلو مردم را گرفته بودند و مانع ورود آنها میشدند. ما اسلحه های خودمان را نشان دادیم و به داخل ساختمان مرکزی رفتیم. ما در پی آن بودیم تا محصل اسلحه ها را شناسایی کنیم و به مردم اطلاع دهیم. اما متاسفانه موفق به این کار نشدیم. موقع بیرون آمدن یک درجه دار جلوی ما را گرفت و گفت اسلحه ما ل کیست؟ ما گفتیم این اسلحه ها دست ساز زوده و ستاردها راست و متعلق به خود ما است. اما درجه دار شانه ها می از بیرون آمدن ما میخواست جلویگیری کند که ما بسا خنونت او را کنار زدیم. و بیرون آمدیم. پس از آن به میدان ارک رفتیم در ساختمان دولتی روبروی ساختمان رادیویکسری از فرماندهان و ساواکی ها سنگر گرفته بودند و متوجه می کردند بعد از چند ساعت درگیری با لآخره تسلیم شدند و کمیتتهی ها بنا داخل ساختمان ریخته و فرما ندها ن دستگیر شده را بیرون میاوردند. در همین موقع مردم بسوی فرماندهان هجوم میبردند تا آنها را تکه تکه کنند اما کمیتتهی ها جلو مردم را می گرفتند و مانع از آن میشدند تا مردم کینه انقلابی خود را بر سر مزدوران خالی کنند. بلافاصله بطرف دانشکده افسری رفتیم توده کشیری در آنجا جمع شده بود فقط تعداد معدودی به اسلحه مسلح بودند هر فرد مسلحی در واقع به سنگری تبدیل شده بود هر قدر که او جلو میرفت توده زباید به دنبال او روان میشدند. من نیز با اسلحه خود سنگرگیری کرده و بسوی ارتشی ها شلیک می نمودم. البته متاسفانه اسلحه من دارای برد قوی نبود و به همین خاطر اسلحه "ا-۳" یکباریک نفر دیگر را که کاپر در آنرا بلند نبود گرفت و به تیر اندازی ادامه داد. در همین موقع یکی از افرادی که مسلسل شتا بر من را دیده بود بطرف من آمد و گفت ببخشید شما مجا همدین هستید؟ قبل از آنکه من جوابی بدهم و گفت: من با یک گروه مذهبی کار میکنم اما کاریک گسره

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق





دردومین سالگرد قیام:

آیت الله خمینی بورژوازی را  
به اتحاد در برابر جنبش فرامیخواند

دردومین سالگرد قیام خونین بهمن در  
شین، مبارزات کارگران و مبارزین  
ال او جگیری روز افزون است و در  
ای میان جناح های هیات حاکمه هر چه بیشتر  
نت میاید، این اوضاع و بوی مخصوص رشد انقلاب  
رمداران رژیم جمهوری اسلامی را به وحشت  
نداخته است. نطق آیت الله خمینی در ۱۵  
بهمن آئینه تمام نمای اوضاع فوق است.

او جگیری جبهه و هراس رژیم

آیت الله خمینی از زلزله و عیان کارگران  
زحمتکشان در وحشت و هراس است، او میگوید  
نظم سرما به داری و وابسته کنونی همچنان  
رفقا را با شویبه همین خاطر خطاب میکند  
نگوید: "یک مطلب مهمی که باید یادگار  
را خا نه ها، کارگران معادن و همه کارگر  
هر جا که هستند و کارمندان در هر جای  
استند توجه به آن بکنند و آن اینکه نظم رادهر  
که هستند مراعات کنند، اگر در یک کارخانه  
ای در یک معدنی، در یک اداره ای بنا باشد  
بیا بی نظمی بخوانند نجا عمل بکنند این  
ی نظمی موجب این میشود که آنها نتوانند  
ظایف اسلامی خودشان - به وظایف ملی  
بودنشان عمل کنند."

واقعاً رعایت کردن نظم در شرایط سلطه  
برای به داری و وابسته به امپریالیسم چه معنا  
است؟ حفظ نظم در کارخانه های سرما به داران  
وابسته به چه معناست؟ مراعات نظم توسط  
کارگران و انجام وظایف اسلامی و ملی، به چه  
معناست؟ روشن تر از این نمیتوان صحبت  
نرد، منظور خمینی از نظم در کارخانه ها،  
رعایت دیسیپلین سرما به داری است، او  
با کارگران را به تحمل نظم شکنجه و سیستم  
بندیده حاکم فرامیخواند، تا تولید سرما به  
اری کماکان به حرکت خود ادامه دهد، خمینی  
به کارگران میگوید کارکنند و استقامت کنید و  
بدین طریق "وظایف اسلامی و ملی خود را در  
بمال بورژوازی به انجام برسانید و در این  
بهت هرگز فکر مبارزه و مقاومت و اعتصاب به  
نوردا ندهید، پس آیت الله خمینی میگوید:  
".... اگر خدای خواست کماکان که میخوانند  
بر این کارخانه های یک جناحی بیا کنند آنها  
را نپذیرند و تبلیغات سو آنها بر حذر  
باشند، امروز هر دعوت به کم کاری و بی کاری و  
مردعوت به اعتصاب خیانت به این کشور است  
و خیانت به جمهوری اسلامی، امروز مثل دیروز  
نیست که دعوت میشدند به اعتصاب، آن اعتصاب  
سرنوشت ساز نبود آن کم کاری سرنوشت ساز  
بود، شما را میگفتند که اعتصاب بکنید تا چپا ول  
- گران را از کشور خودتان دور کنید و بعد الله  
روز است...."

آیا حقیقتاً امروز مثل دیروز نیست؟ چه  
تغییر و تحولی در زندگی کارگران و زحمتکشان  
ما بوجود آمده است؟ رژیم جمهوری اسلامی چه  
چیزی جز فقر و فلاکت بیشتر و جزستم و سرکوب  
بیشتر برای کارگران ما به ارمغان آورده است؟

یادداشت های  
سیاسی  
هفتگی

دست بردارند، او میگوید زمانی که جنبش و  
اعتصاب کارگران و زحمتکشان در حال اوج -  
گیری فزاینده است "تضعیف همه "جز خودکشی  
و انتحار چیز دیگری نیست، او میگوید ضد  
انقلاب با بد متحدیمان نتوانند با جنبش  
بنوا حین مقابله و ضدیت نمایند، خمینی  
میگوید: "من به آنها نصیحت میکنم که آرم  
باشید، به آنها نصیحت میکنم که یکدیگر را  
نکزند، به نجه بروی هم نزنند، همه با هم ایمن  
کشور را به پیش ببرید، اختلاف سلیقه ها را در  
یک محیط برادرانه حل کنید، نگاه ریدکسه  
احساس وظیفه بشود، اگر احساس وظیفه بشود من  
به هر کس هر چه داده ام پس میگیرم."

آیت الله خمینی به حزبها و لیبرالها  
میگوید آرم باشید، یکدیگر را نکزند و بجه به  
روی هم نزنند تا همه با هم بتوانند سرما به داری  
و ابسته را هدایت کنید، جنبش را سرکوب کنید  
و از فروپاشی کل سیستم جلوگیری نماند،  
خمینی میگوید اگر شما (یعنی حزبها -  
لیبرالها) در شیوه سرکوب انقلاب بدر شیوه  
مدیریت سرما به داری و ابسته اختلاف سلیقه  
دارید، این امر نیا بد منجر به زهم گسختگی  
و جدت طبقاتی شما شود، آری خمینی همه  
جناح های بورژوازی را به اتحاد در برابر  
جنبش فرامیخواند، اما در عین حال با کما  
بلیبرالها می نماید، فیما نکه دست از تعرض با ید  
را برنده و رهبری حزبها را بپذیرند، او به  
کنایه ای مبتنی مدر میگوید: "اگر احساس وظیفه  
بشود من به چه چیز هر چه داده ام پس میگیرم"  
یعنی اگر فراموشی کل قوا را به تودا ده ام،  
اگر قوا بر ما است جمهوری را به توست برده ام بزور  
چماق ولایت فقیه، بنا آنها را پس بگیرم و  
همه را به حزبها محو می کنم.

به ترتیب روشن میشود که آنچه خمینی  
را نگرین کرده است شدت گیری تا ده های  
درون هیات حاکمه و گسسته شدن قدرت مقابل  
- جو با جنبش های ارتجاع در برابر او و  
گیری با زهم به جنبش است، آیت الله  
خمینی به ما همیشه "با زرگانها قیام"  
بهمن را متوقف ساخته است و وقوع قیام  
دیگری بر خود میارزد، اما چرا؟ چرا دستم  
جناح های ارتجاع از وقوع قیام خونین  
دیگری میتوانند مانع بعمل آید؟  
مبارزه طبقاتی و دورنمای انقلاب  
سوال بطور قطع پاسخ منفی میدهد.



گرامی باد خاطره  
پیکارگر شهید رفیق  
محمود صمدی

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
شهادت یکی دیگر از پیکارگران دلیر راه  
راهی طبقه کارگر رفیق محمود صمدی را به  
کارگران و زحمتکشان اعلام میدارد، سازمان  
ما افتخار میکند که در راه تحقق هدفهای  
کمونیستی و انقلابی خود، تقدیر مصمانه پای  
فشرده و سرخط مشی را در یکال خویش آن  
اندازه ایستادگی کرده و خواهد کرد که ایمن  
اندازه مورد خشم و کینه سرما به داران و رژیم  
حاکم آنجا قرار گرفته است، اعضا و رهبران  
سازمان ما بر سر آنند که تا آخرین نفس از  
منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان دفاع  
کنند و دشمنان آنها را در هر چهره و لباس که  
باشند بی مهابا برای توده ها افشا نمایند.  
رفیق محمود صمدی یکی از رفقای فعال و  
عزیز ما بود که در سر کارها روز دوشنبه ۱۲ بهمن  
ماه بحکم جلادی بنا ما را یکی که حاکم شرع  
ما هشر است به جوخه عدا مسیره شد و خون  
پاکش در آستانه دومین سالگرد قیام بهمن ماه  
برچم مبارزه بگیرد کمونیست علیه امپریالیسم  
لیبرال را سرختر کرد.

در تاریخ ۶ ماهه نگاه ساعت ۹ تا  
۱۰ شب مزدوران رژیم در ما هشر به خا نه رفیق  
ریخته و را دستگیر میکنند و به سپاه پاسداران  
میببرند، رفیق سرخا نه در مقابل مزدوران  
مقاومت میکنند و از ارمان مقدس کارگران و  
زحمتکشان و سازمانش دفاع می نماید، در  
طول مدت زندانی بودن رفیق، اگر چه  
خا نو ده اش با فشار توانستند ملاقات بگیرند  
اما مزدوران رژیم، هیچوقت وضعیت رفیق را  
روشن نکردند و همواره او را خا نو ده اش را در  
حالت نگرانی نگاه داشتند، این وضعیت تا  
آمدن حاکم شرعی بنا ما را یکی به ما هشر  
ادامه پیدا می کند، او همچون خلخالی جلاد  
ورسوا، برای زندانیان سیاسی ما هشر  
"کیفر" های سنگینی را تعیین میکند (مثلاً  
برای بخش اعلامیه ۱۰ سال زندان و حتی ابد)  
و عده ای را نیز محکوم به اعدام مینماید، یکی  
از آنها رفیق شهید محمود صمدی بوده است که  
در تاریخ ذکر شده اعدام میشوند، خبر درج شده  
در روزنامه اطلاعات شنبه ۱۸ بهمن اعدا میا  
را چهار نفر ذکر میکند.

بی شک جزم بزرگ و بسیار بزرگ رفیق محمود  
صمدی کمونیست بودن و پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
و دست زدن به اعتصاب، پیش سرما به داران و  
رژیم امپریالیسم را آنها هیچ جرمی به این  
بزرگی نیست، در پیرونده این رفیق هیچ به  
اطلاعات جرمی ابستی به ما زمان وجود  
نداشت.

رفیق شهید محمود صمدی دانشجوی دانشکده  
م تربیتی دانشگاه تهران، یکی از رفقای  
فعال - در سازمان دانشجویی - دانش آموزان  
پیکار بود، ۱۵ ماه پیش برای اتمام تحصیلات  
"دانشجویی" خود دانش آموزان پیکار "در آبادان"  
به این ناحیه اعزام شدند و در طول این مدت  
مسئول مسئولیت سازمان دانشجویی بود،  
او وظایف محوله را بشده با اشتیاق و فداوان  
دنبال میکرد و بنا به صلیبها پیش مسئولینهای  
بیشتری به او سپرده شد، رفیق در مرگش

بقیه در صفحه ۸

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست